



تحلیل لایه ای علّتهای سنوات اضافه دانشجویان دانشگاه تهران و ارائه راهکارهای پیشنهادی

سازمان خدمات دانشجویی

سنة ١٤٤١

شناسنامه:

عنوان: تحلیل لایه ای علت های سنوات اضافه شدن دانشجویان دانشگاه تهران و ارائه راهکارهای پیشنهادی

مدیر کارگروه تدوین: علی حسین رضایان قیه باشی، معاون دانشگاه و رئیس سازمان خدمات دانشجویی

تحلیل داده ها:

- ❖ سامان یوسفوند، عضو هیات علمی دانشکده حکمرانی
- ❖ افسانه مهرنگ، کارشناس مسئول خدمات ویژه اداره کل امور دانشجویی دانشگاه
- ❖ معصومه علی محمدی، رئیس دفتر نظارت و ارزیابی خدمات دانشجویی سازمان خدمات دانشجویی
- ❖ محمد کوهی خور، همکار سامانه های اداره کل امور خوابگاه های دانشگاه

طراح گرافیکی:

- ❖ افسانه مهرنگ، کارشناس مسئول خدمات ویژه اداره کل امور دانشجویی دانشگاه

تهیه و تدوین:

- ❖ سامان یوسفوند، عضو هیات علمی دانشکده حکمرانی
- ❖ معصومه علی محمدی، رئیس دفتر نظارت و ارزیابی خدمات دانشجویی سازمان خدمات دانشجویی
- ❖

اعضای کارگروه تدوین:

- ❖ علی حسین رضایان قیه باشی، معاون دانشگاه و رئیس سازمان خدمات دانشجویی
- ❖ سامان یوسفوند، عضو هیات علمی دانشکده حکمرانی
- ❖ احد رضایان قیه باشی، عضو هیات علمی دانشکده حکمرانی
- ❖ معصومه علی محمدی - رئیس دفتر نظارت و ارزیابی خدمات دانشجویی سازمان خدمات دانشجویی
- ❖ تشکر ویژه از تمامی روسای دانشکده ها و دانشکدگان، معاونین دانشجویی فرهنگی دانشکده ها و دانشکدگان، کارشناسان آموزش دانشکده ها و دانشکدگان، مدیران و کارشناسان اداره کل امور خوابگاه های دانشگاه، مدیران و کارشناسان اداره کل امور دانشجویی دانشگاه که این سازمان را در تدوین برنامه راهبردی یاری رساندند.

خلاصه مدیریتی/سیاستی گزارش:

آموزش عالی به عنوان سنگ بنای توسعه پایدار، نقشی محوری در تربیت نیروی انسانی متخصص و پیشبرد اهداف علمی کشور ایفا می‌کند. در این میان، دانشگاه تهران به عنوان نماد آموزش عالی ایران، با چالش‌های متعددی روبرو است که یکی از جدی‌ترین آن‌ها پدیده سنوات تحصیلی مازاد می‌باشد. بر اساس آمار رسمی نیمسال اول سال تحصیلی ۱۴۰۴-۱۴۰۳، در حدود ۸,۴۶۳ دانشجو (معادل ۱۹ درصد) در وضعیت سنوات اضافه به سر می‌برند. همچنین از این تعداد، ۱,۹۱۴ نفر در خوابگاه‌های دانشگاه سکونت دارند و به عبارتی حدود ۲۳ درصد از دانشجویان سنوات اضافه در خوابگاه‌های دانشجویی اسکان داده شده‌اند. این پدیده به‌ویژه در مقاطع تحصیلات تکمیلی چشمگیرتر است، به‌طوری که در مقطع کارشناسی ارشد ۵,۰۶۷ دانشجوی سنوات اضافه (۲۸٪ از کل دانشجویان این مقطع) و در مقطع دکتری تخصصی ۱,۶۳۰ دانشجوی سنوات اضافه (۱۸٪ از کل دانشجویان این مقطع) ثبت شده است. این ارقام به وضوح نشان می‌دهد که پدیده سنوات اضافه در مقاطع تحصیلات تکمیلی از شدت بیشتری برخوردار است.

از آنجایی که سازمان برنامه و بودجه تنها به ازای دانشجویان روزانه سنوات مجاز تحصیلی (کارشناسی تا ۸ نیمسال، ارشد تا ۴ نیمسال، دکتری تخصصی تا ۸ نیمسال، دکتری عمومی تا ۱۲ نیمسال و دکتری پیوسته تا ۱۶ نیمسال) بودجه خدمات رفاهی در اختیار دانشگاه‌ها قرار می‌دهد؛ این در حالی است که دانشجویان نوبت دوم و روزانه سنوات اضافه نیز از یارانه خدمات رفاهی به ویژه غذا و خوابگاه بهره‌مند می‌شوند که این مسئله علاوه بر تحمیل هزینه‌های زیاد به دانشگاه، باعث بروز مشکلات متعددی در دانشگاه شده است.

بررسی این پدیده نشان می‌دهد که طولانی شدن دوران تحصیل را نمی‌توان صرفاً به عوامل فردی نسبت داد. بلکه این مسئله بازتابی از چالش‌های ساختاری، نهادی و حمایتی در نظام آموزش عالی کشور است. این در حالی است که رویکرد فعلی دانشگاه‌ها در مواجهه با این پدیده اغلب در چارچوب سازوکارهای آیین‌نامه‌ای و با رویکرد تقلیل‌گرایانه انضباطی صورت می‌گیرد؛ به گونه‌ای که بدون بررسی زمینه‌های ساختاری، نهادی و روانی-اجتماعی مسئله، تمرکز بر کنترل پیامدها، از جمله اعمال محدودیت‌های مالی، رفاهی و آموزشی بر دانشجویان دارای سنوات مازاد قرار می‌گیرد. این رویکرد نه تنها به حذف یا طرد تدریجی بخشی از دانشجویان منجر می‌شود، بلکه پیامدهایی مانند تضعیف اعتماد به نهاد دانشگاه، افزایش احساس نابرابری و کاهش انگیزش تحصیلی و پژوهشی را نیز به دنبال دارد. مطالعات نشان می‌دهد که بیش از ۷۰ درصد دانشجویان مقطع کارشناسی ارشد که در وضعیت سنوات اضافه قرار دارند، به دلایلی غیرفردی و عمدتاً ناشی از کاستی‌های ساختاری در این موقعیت قرار گرفته‌اند.

با توجه به این شرایط، بررسی عمیق و همه‌جانبه این پدیده در دانشگاه تهران از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. این بررسی می‌تواند زمینه‌ساز ارائه راهکارهای مناسب برای تبدیل این چالش به فرصتی برای ارتقای کیفیت آموزش و بهبود شرایط تحصیلی دانشجویان باشد. در این راستا، تحلیل دقیق عوامل مؤثر بر افزایش سنوات تحصیلی و ارائه راهکارهای عملی مبتنی بر شواهد می‌تواند به سیاست‌گذاران و مدیران آموزشی در اتخاذ تصمیم‌های مناسب کمک شایانی کند. مطالعه مسئله سنوات تحصیلی مازاد اهمیت ویژه‌ای دارد، زیرا نه تنها فراتر از یک موضوع اداری یا صرفاً آیین‌نامه‌ای، بلکه بازتابی

از تنش‌ها و ناسازگاری‌های عمیق‌تر در سطوح فردی، سازمانی و نهادی است. در این راستا هدف این مطالعه، تحلیل لایه‌ای علت‌های افزایش سنوات دانشجویان دانشگاه تهران است.

یافته‌های کلیدی بر اساس تحلیل لایه‌ای علی^۱ (CLA): این گزارش با بهره‌گیری از چارچوب تحلیل لایه‌ای علی، مسئله سنواتی شدن را در چهار سطح تحلیل کرده است:

پدیده سنواتی شدن دانشجویان در دانشگاه تهران، به‌ویژه در مقاطع تحصیلات تکمیلی، را نمی‌توان صرفاً یک «مشکل اداری» یا «نقص فردی» تلقی کرد. این پدیده، در واقع، نشانه‌ای آسیب‌شناختی از یک بحران چندلایه در نظام آموزش عالی ایران است که ریشه در تعامل پیچیده عوامل ساختاری، نهادی، گفتمانی و روانی-اجتماعی دارد. یافته‌های این تحقیق، که با رویکرد تحلیل لایه‌ای علی (CLA) و با بهره‌گیری از چارچوب‌های نظری جامعه‌شناختی و روان‌شناختی انجام شده، نشان می‌دهد که مسئله سنواتی شدن را باید در چهار سطح کلیدی فهمید:

۱. **در سطح آشکار (لیتانی)^۲:** مسئله عمدتاً به شکل آماری و انضباطی بازنمایی می‌شود. دانشجو به عنوان «مقصر اصلی» و عامل بی‌نظمی فردی قلمداد می‌شود و پاسخ نهاد دانشگاه نیز عموماً محدود به اعمال محدودیت‌های رفاهی و مالی است. این نگاه تقلیل‌گرا نه تنها مسئله را حل نمی‌کند، بلکه با ایجاد حس شرم و طرد، بر عمق بحران می‌افزاید.

۲. **در سطح علل اجتماعی یا ساختاری^۳:** سطح دوم سطح علت‌های اجتماعی و معرف دیدگاه سیستمیک است. در عوامل متعددی از جمله فقدان راهبرد کلان مدیریت سنوات، پذیرش غیرهدفمند دانشجو، نظام ناکارآمد هدایت و راهنمایی علمی، فقدان حمایت‌های روانی و مالی در سنوات اضافه، پیچیدگی و کندی فرآیندهای بوروکراتیک، و فشار برای تولید مقاله بدون پشتیبانی لازم، زمینه‌ساز اصلی تعلیق تحصیلی دانشجویان هستند. این عوامل نشان می‌دهد که ساختار نهاد دانشگاه خود، نقش تعیین‌کننده‌ای در تولید و تداوم این پدیده دارد.

۳. **در سطح گفتمانی/جهان بینی^۴:** گفتمان‌های مسلط بر فضای دانشگاهی، از جمله کالایی شدن علم، اقتدار استادمحور غیرمنعطف، صوری‌گرایی اداری، نادیده‌انگاری زیست جهان دانشجو و به‌ویژه ترس از زوال هویت دانشجویی و بازگشت به شهرستان به مثابه شکست، دانشجو را در موقعیتی پارادوکسیکال قرار می‌دهند که ماندن در دانشگاه را با همه رنج‌هایش به انتخابی عقلانی‌تر از فارغ‌التحصیلی تبدیل می‌کند.

۴. **در سطح اسطوره‌ای/استعاره ای و نمادین^۵:** تجربه زیسته دانشجویان در قالب استعاره‌های قدرتمندی مانند «آسانسور اجتماعی شکسته»، «برزخ دانشجویی»، «گرداب سنوات» و «زندانی خودخواسته» بازتاب می‌یابد. این اسطوره‌ها حاکی از یک بحران معنا است؛ فروپاشی روایت کلاسیک «دانشگاه مسیر پیشرفت» و جایگزینی آن با احساس بن‌بست،

^۱ Causal layered analysis (CLA)

^۲ Litany

^۳ Social causes

^۴ Discourse/world-view

^۵ Myth/metaphor).

درماندگی و بی‌آیندگی است. این لایه، عمیق‌ترین سطح مسئله است که توضیح می‌دهد چرا راه‌حل‌های سطحی جواب نمی‌دهند.

هشدارهای سیاستی:

- ریسک امنیت اجتماعی و بی‌ثباتی سیاسی:

هرگونه اقدام شتابزده، یک‌جانبه و بدون برنامه حمایتی جایگزین برای خالی کردن خوابگاه‌ها از دانشجویان سنواتی مانند افزایش ناگهانی هزینه‌ها یا توقف خدمات می‌تواند به محرکی برای اعتراضات صنفی گسترده، همگرایی با مطالبات دیگر دانشجویان و تبدیل شدن به یک بحران امنیتی تبدیل شود. این اقدام، هزینه‌های سیاسی و امنیتی آن به مراتب از هزینه‌های مالی فعلی دانشگاه بیشتر خواهد بود.

- آسیب غیرقابل جبران به سرمایه اجتماعی و اعتبار نهاد دانشگاه:

تداوم رویکرد انضباطی و تقلیل‌گرا (دانشجو = مقصر) و عدم ارائه راه‌حل‌های ساختاری، به طور سیستماتیک در حال تخریب اعتماد عمومی به نهاد دانشگاه، ایجاد یأس و انزوا در میان استعدادهای کشور، و دامن زدن به روایت «دانشگاه ناکارآمد و بی‌مسئولیت» است. این آسیب به اعتبار علمی و اجتماعی دانشگاه تهران، حتی با صرف بودجه کلان نیز در بلندمدت به سادگی جبران‌پذیر نیست.

- شکست مدل حکمرانی دانشگاه و ائتلاف منابع ملی:

عدم اقدام هوشمندانه به معنای تداوم و تشدید ائتلاف منابع ملی است. هر دانشجوی سنواتی که بدون مهارت و انگیزه پس از سال‌ها اخراج می‌شود، نه تنها بازدهی ندارد، بلکه به یک بار اقتصادی و اجتماعی برای کشور تبدیل می‌شود. این مسئله، تنها یک «مشکل دانشجویی» نیست، بلکه یک شکست در حکمرانی آموزش عالی و نشانه‌ای از ناکارآمدی سیستم است که باید در سطح کلان مورد توجه قرار گیرد.

در نهایت بایستی اشاره کرد که «تداوم وضع موجود» و «اجرای سیاست‌های جزئی و انضباطی صرف» دو روی یک سکه هستند و هر دو به بن‌بست منجر خواهند شد. راه حل، انتخاب بین «پرداخت هزینه‌های رفاهی» یا «اخراج دانشجویان» نیست. راه حل سوم و ضروری، «سرمایه‌گذاری هوشمند برای تبدیل این دانشجویان از دارایی راکد به نیروی فعال» از طریق مدل‌های پیشنهادی (پیوند با صنعت، وام‌های قابل بازپرداخت، و ...) است. هر تأخیری در اجرای این راه‌حل‌های ساختاری، تنها بر عمق و دامنه بحران خواهد افزود. لذا این هشدارها را باید به طور جدی در نظر گرفت تا از تبدیل یک مسئله مدیریتی به یک بحران اجتماعی-امنیتی جلوگیری گردد.

جمع‌بندی راهبردی:

مدیریت و کاهش پدیده سنواتی شدن نیازمند گذار از رویکرد انضباطی-کنترلی به رویکرد حمایتی-تسهیل‌گر است. هرگونه سیاست‌گذاری باید همزمان در چهار محور زیر عمل کند:

محور نهادی-ساختاری: بازنگری اساسی در فرآیندهای گزینش دانشجو، نظام استاد راهنمایی، ساده‌سازی بوروکراسی اداری و ایجاد «سامانه هشدار و مداخله زودهنگام» برای شناسایی و پشتیبانی از دانشجویان در معرض خطر.

محور حمایتی-رفاهی: تدارک بسته‌های حمایت مالی، روان‌شناختی و مهارتی برای دانشجویان سنواتی تا فشارهای معیشتی و روانی مانع تمرکز آنان بر اتمام تحصیل نشود.

محور گفتمانی-فرهنگی: تغییر گفتمان مسلط از «تقصیر دانشجو» به «مسئولیت نهاد دانشگاه» و ایجاد فضای امن برای گفت‌وگو درباره شکست و دشواری‌ها بدون داغ شرم.

محور معنایی-انگیزشی: بازتعریف جایگاه مدرک و دانشگاه در جامعه و ایجاد پیوند واقعی بین تحصیلات و اشتغال تا انگیزه فارغ‌التحصیلی به‌شکلی واقعی تقویت شود.

حل مسئله سنواتی شدن تنها با نگاه سیستمیک و هماهنگی بین تمام بخش‌های دانشگاه (آموزش، پژوهش، فرهنگی، رفاه و روان‌شناسی) ممکن خواهد بود. سرمایه‌گذاری برای حل این مسئله، در واقع سرمایه‌گذاری برای افزایش بهره‌وری، اعتبار علمی و مسئولیت اجتماعی دانشگاه تهران به عنوان نماد آموزش عالی ایران است.

پیشنهادهای اجرایی:

۱- لایه آشکار (فنی، اجرایی، خدماتی)

پیشنهادهایی که ناظر بر اقدام‌های ملموس، عملی و مستقیم هستند:

- استقرار سامانه هوشمند پایش و هشدار زودهنگام برای شناسایی دانشجویان در معرض خطر.
- توانمندسازی دانشجویان با دوره‌های مهارت‌محور در پژوهش، مدیریت زمان، انگیزه و مقابله با استرس.
- ارتقای کیفیت راهنمایی با تعریف شاخص‌های عملکرد برای اساتید راهنما و تدوین نظام پاداش‌دهی.
- تشکیل کارگروه‌های میان‌رشته‌ای حمایت از دانشجویان در معرض خطر (روان‌شناس، استاد، مدیر آموزشی و)
- راه‌اندازی مرکز اشتغال و کارآفرینی با فرصت‌های پاره‌وقت مرتبط با رشته.
- جذب و پذیرش دانشجو متناسب با امکانات، ظرفیت و منابع دانشگاه.
- توسعه و به‌روزرسانی امکانات رفاهی (خوابگاه، حمل‌ونقل، کتابخانه و آزمایشگاه انعطاف‌پذیر)
- دیجیتالی‌سازی فرآیندهای اداری و استقرار نظام بازخورد دانشجویی.
- تخصیص کمک‌هزینه‌های مرحله‌ای و هدفمند برای دانشجویان در معرض ریسک.
- تشویق استفاده از مراکز مشاوره از طریق آموزش و معرفی در بدو ورود.
- تجهیز و تامین تجهیزات آزمایشگاهی مورد نیاز برای پژوهش با مشارکت شرکت‌ها و بخش خصوصی.
- انعقاد تفاهم‌نامه با شرکت‌های دانش‌بنیان برای مشارکت مالی و پژوهشی.

۲- لایه ساختاری (سیاست‌گذاری، نهادی، سازمانی)

پیشنهادهایی در سطح بازطراحی ساختارها و نهادهای درگیر:

- طراحی راهبرد کلان هماهنگی بین‌بخشی برای مواجهه با عوامل چندبعدی تأخیر تحصیلی.
- تدوین آیین‌نامه‌ها و ضوابط شفاف و روشن برای نظارت بر اساتید راهنما همراه با نظام ارزیابی عملکرد.
- تشکیل کارگروه‌های بین‌نهادی (دانشگاه، دولت، NGOها) با نظام گزارش‌دهی منظم.
- اصلاح بروکراسی و فرایندهای اداری پیچیده و تنظیم زمان‌بندی مشخص برای امور تحصیلی.
- آموزش مستمر برای کارشناسان، مدیران گروه‌ها و اعضای هیئت علمی در خصوص آیین‌نامه‌ها و حمایت تحصیلی.
- طراحی برنامه جامع استراتژیک دانشگاهی برای پیگیری این سیاست‌ها و نظارت بر اثربخشی آن‌ها.
- پذیرش دانشجو براساس مسائل و اولویت‌های پژوهشی در مقاطع تحصیلات تکمیلی و هدفمند نمودن دوره‌های آموزشی متناسب با موضوعات پایان‌نامه و رساله مسئله‌محور دانشجویی. (برای مثال هدفمند نمودن آزمون جامع متناسب با رساله)
- طراحی یک سرفصل جدید آموزشی ناظر بر سمینار و کارآموزی جهت تهیه پروپوزال دانشجو برای ترم سه کارشناسی ارشد و دکتری در راستای هدفمندسازی و رفع سردرگمی‌های دانشجو در انتخاب موضوع پایان‌نامه و رساله).

۳- لایه گفتمانی (زبان، معنا، باورهای جاری)

پیشنهادهایی که به بازسازی زبان و نگرش حاکم بر فضاهای آموزشی و اداری می‌پردازند:

- طراحی زیست بوم گفتمانی پیوند نهاد علم و دانش با صنعت، حکمرانی و جامعه در راستای هدفمندسازی پژوهشها و رهایی از تفکر رزومه سازی و در نهایت بازگشت مرجعیت علمی به نظام آموزش عالی.
- ایجاد شبکه‌های تعاملی و افقی میان تیم‌های پژوهشی (استادان و دانشجویان) در راستای حذف هژمونی دانایی از بالا و بازتعریف رابطه استاد-دانشجو به سوی مدل «همراهی» به جای «فرماندهی».
- بازنگری در مستندات و مکاتبات دانشگاهی برای حذف زبان منفی و جایگزینی با ادبیات حمایتی.
- آموزش به اساتید و کارکنان در زمینه کاربرد زبان مثبت و انگیزشی در تعاملات روزمره.
- طراحی دستورالعمل‌های فرهنگی رفتاری دانشگاه مبتنی بر حمایت، همدلی و رشد و بالندگی.
- برگزاری کارگاه‌های آموزشی چندرشته‌ای با محوریت تحلیل استعاره‌های فرهنگی در آموزش.
- ایجاد شوراهای دانشجویی ویژه برای مشارکت در بازتعریف گفتمان و سیاست‌های فرهنگی.
- جلسات گفتگو بین استادان، مدیران و دانشجویان درباره ارزش‌ها و فضای دانشگاهی.
- بازتعریف گفتمان موفقیت از طریق سیاست‌های رسانه‌ای و ایجاد سازوکارهای تشویقی برای بازگشت نخبگان
- توسعه مراکز رشد منطقه‌ای به عنوان آلت‌رناتیوی برای تهران
- طراحی برنامه‌های روان‌شناسی اجتماعی برای کمک به بازسازی هویت شهرستانی
- بازنگری در شاخص‌های ارزیابی استادان و دانشجویان و توجه به فرآیند یادگیری به جای صرف نتایج
- معرفی شاخص‌های کیفی (مانند تأثیر اجتماعی پژوهش) به جای شاخص‌های صرفاً اقتصادی

- طراحی برنامه‌های انتقال تدریجی هویت: ایجاد دوره‌های کارآموزی تضمین‌شده یا عضویت موقت در نهادهای حرفه‌ای پیش از فارغ‌التحصیلی، به کاهش شکاف هویتی کمک می‌کند.

۴- لایه اسطوره (نمادها، استعاره‌ها، روایت‌ها، اسطوره‌ها)

پیشنهادهایی که به تغییر در روایت‌های کلان، استعاره‌ها و تصورات فرهنگی مربوط می‌شوند:

- تغییر رویکرد و جهان بینی نظام حکمرانی و همچنین نظام آموزش عالی به سوی ایجاد محیط باز و با نشاط اجتماعی و رهایی از ساختارهای انضباطی و کنترلی.
- طراحی دانشگاه به مثابه یک میدان و فضای عمومی آزاد تا یک فضای محصور به مشق نویسی و از بالا به پایین.
- ایجاد انجمن دانش آموختگان دانشگاه تهران در راستای شبکه سازی و تقویت سرمایه اجتماعی دانشجویان و ادغام اجتماعی آنها.
- - بازتعریف استعاره‌های دانشگاهی (تحصیل به مثابه سفر یادگیری، پایان‌نامه به مثابه اثبات بلوغ علمی).
- تولید محتوای الهام‌بخش از تجربه دانشجویان موفق و استفاده از اسطوره‌های بومی برای تقویت روایت صبر و امید. (تولید پادکست، ویدیو، و روایت‌های الهام‌بخش از تجربه دانشجویان موفق با هدف بازسازی فرهنگی).
- برگزاری رویدادهای "داستان‌های موفقیت و پشتکار" برای به اشتراک گذاری روایت‌های مثبت.
- طراحی کمپین‌های فرهنگی با استفاده از اسطوره‌ها و نمادهای بومی برای تقویت روایت صبر، پیشرفت تدریجی، و امید.
- همکاری با اساتید ادبیات و فرهنگ برای توسعه محتوای نمادین مثبت در آموزش.
- برگزاری کارگاه‌های مقابله با اضطراب و شرم تحصیلی با توجه به زمینه‌های فرهنگی و اسطوره‌ای رایج.

توصیه نهایی: مدیریت پدیده سنواتی شدن نیازمند گذار از رویکرد انضباطی-کنترلی به رویکرد حمایتی-تسهیل‌گر است. راه حل، انتخاب بین «پرداخت هزینه‌های رفاهی» یا «اخراج دانشجویان» نیست، بلکه «سرمایه‌گذاری هوشمند برای تبدیل این دانشجویان از دارایی راکد به نیروی فعال» از طریق مدل‌های پیشنهادی است. هر تأخیری در اجرای راه‌حل‌های ساختاری، تنها بر عمق و دامنه بحران خواهد افزود. سرمایه‌گذاری برای حل این مسئله، در واقع سرمایه‌گذاری برای افزایش بهره‌وری، اعتبار علمی و مسئولیت اجتماعی دانشگاه تهران به عنوان نماد آموزش عالی ایران است.

فهرست مطالب

مقدمه و بیان مسئله	۱
ضرورت و اهمیت:	۳
اهداف طرح	۳
پیشینه تحقیق	۳
رویکرد نظری	۷
روش تحقیق	۹
تحلیل یافته ها	۱۲
لایه اول: علل آشکار	۱۲
لایه دوم: عوامل ساختاری	۱۴
لایه سوم: گفتمانهای غالب	۱۸
لایه چهارم: معانی و اسطوره ها	۲۴
نتیجه گیری	۲۹
هشدارهای سیاستی:	۳۰
جمع بندی راهبردی:	۳۱
پیشنهادهای اجرایی:	۳۲
فهرست منابع	۳۵
پیوست ها	۳۷

مقدمه و بیان مسئله

آموزش عالی به عنوان سنگ بنای توسعه پایدار، نقشی محوری در تربیت نیروی انسانی متخصص و پیشبرد اهداف علمی کشور ایفا می‌کند. در این میان، دانشگاه تهران به عنوان نماد آموزش عالی ایران، با چالش‌های متعددی روبرو است که یکی از جدی‌ترین آن‌ها پدیده سنوات تحصیلی اضافه می‌باشد. بر اساس آمار رسمی نیمسال اول سال تحصیلی ۱۴۰۴-۱۴۰۳، در حدود ۸,۴۶۳ دانشجو (معادل ۱۹ درصد) در وضعیت سنوات اضافه به سر می‌برند. همچنین از این تعداد، ۱,۹۱۴ نفر در خوابگاه‌های دانشگاه سکونت دارند و به عبارتی حدود ۲۳ درصد از دانشجویان سنوات اضافه را تشکیل می‌دهند. این پدیده به‌ویژه در مقاطع تحصیلات تکمیلی چشمگیر تر است، به‌طوری که در مقطع کارشناسی ارشد ۵,۰۶۷ دانشجوی سنوات اضافه (۲۸٪ از کل دانشجویان این مقطع) و در مقطع دکتری تخصصی ۱,۶۳۰ دانشجوی سنوات اضافه (۱۸٪ از کل دانشجویان این مقطع) ثبت شده است. این ارقام به وضوح نشان می‌دهد که پدیده سنوات اضافه در مقاطع تحصیلات تکمیلی از شدت بیشتری برخوردار است.

از آنجایی که سازمان برنامه و بودجه تنها به ازای دانشجویان روزانه سنوات مجاز تحصیلی (کارشناسی تا ۸ نیمسال، ارشد تا ۴ نیمسال، دکتری تخصصی تا ۸ نیمسال، دکتری عمومی تا ۱۲ نیمسال و دکتری پیوسته تا ۱۶ نیمسال) بودجه خدمات رفاهی در اختیار دانشگاه‌ها قرار می‌دهد؛ این در حالی است که دانشجویان نوبت دوم و روزانه سنوات اضافه نیز از یارانه خدمات رفاهی به ویژه غذا و خوابگاه بهره‌مند می‌شوند که این مسئله علاوه بر تحمیل هزینه‌های زیاد به دانشگاه، باعث بروز مشکلات متعددی در دانشگاه به ویژه در ارائه خدمات رفاهی از جمله کمبود ظرفیت سلف‌های غذاخوری و افزایش صف انتظار برای دریافت غذا، کمبود ظرفیت در خوابگاه‌ها، فرسودگی بیش از حد زیر ساخت‌ها، افزایش تعداد دانشجویان ساکن در اتاق‌ها، عدم تناسب بین امکانات رفاهی خوابگاه با تعداد دانشجویان ساکن، استفاده از فضاهای با کاربری غیر مسکونی به عنوان اتاق، اجاره خوابگاه‌های خودگردان با تحمیل هزینه زیاد به دانشگاه و در نهایت کاهش کیفیت ارائه خدمات به دانشجویان و افزایش نارضایتی دانشجویان شده است.

جدول ۱: جمع کل دانشجویان دانشگاه تهران در نیمسال اول ۱۴۰۴-۱۴۰۳

مقطع تحصیلی	تعداد دانشجویان سنوات مجاز	تعداد دانشجویان سنوات اضافه	تعداد دانشجویان سنوات اضافه ساکن در خوابگاه
کارشناسی	۱۴۵۶۴	۱۷۰۱	۳۶۹
کارشناسی ارشد	۱۳۰۴۳	۵۰۶۷	۱۱۱۲
دکتری تخصصی	۷۱۶۴	۱۶۳۰	۴۲۶
دکتری عمومی	۵۷۴	۶۰	۷
دکتری پیوسته	۷۹	۵	.
جمع کل	۳۵۴۲۴	۸۴۶۳	۱۹۱۴

بررسی این پدیده نشان می‌دهد که طولانی شدن دوران تحصیل را نمی‌توان صرفاً به عوامل فردی نسبت داد. بلکه این مسئله بازتابی از چالش‌های ساختاری، نهادی و حمایتی در نظام آموزش عالی کشور است. از یک سو، می‌توان به عوامل خودخواسته اشاره کرد که شامل تمایل دانشجویان به استفاده بیشتر از امکانات دانشگاهی مانند خوابگاه، تغذیه و سایر خدمات رفاهی و کتابخانه‌ها می‌شود. از سوی دیگر، عوامل ناخواسته متعددی نیز در این زمینه نقش دارند که از جمله آن‌ها می‌توان به موانع بوروکراتیک مانند تأخیر در تصویب پایان‌نامه‌ها، مشکلات مالی دانشجویان، کمبود استاد راهنمای مناسب، فشارهای روانی ناشی از محیط تحصیل و ناهماهنگی بین برنامه‌های آموزشی با نیازهای دانشجویان اشاره کرد. این در حالی است که رویکرد فعلی دانشگاه‌ها در مواجهه با این پدیده اغلب در چارچوب سازوکارهای آیین‌نامه‌ای و با رویکرد تقلیل‌گرایانه انضباطی صورت می‌گیرد؛ به گونه‌ای که بدون بررسی زمینه‌های ساختاری، نهادی و روانی-اجتماعی مسئله، تمرکز بر کنترل پیامدها، از جمله اعمال محدودیت‌های مالی، رفاهی و آموزشی بر دانشجویان دارای سنوات مازاد قرار می‌گیرد. این رویکرد نه تنها به حذف یا طرد تدریجی بخشی از دانشجویان منجر می‌شود، بلکه پیامدهایی مانند تضعیف اعتماد به نهاد دانشگاه، افزایش احساس نابرابری و کاهش انگیزش تحصیلی و پژوهشی را نیز به دنبال دارد. مطالعات (صفری، ۱۳۹۸؛ علی قورچیان و واعظی، ۱۳۹۵) نشان می‌دهد که بیش از ۷۰ درصد دانشجویان مقطع کارشناسی ارشد که در وضعیت سنوات اضافه قرار دارند، به دلایلی غیرفردی و عمدتاً ناشی از کاستی‌های ساختاری در این موقعیت قرار گرفته‌اند.

با توجه به این شرایط، بررسی عمیق و همه‌جانبه این پدیده در دانشگاه تهران از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. این بررسی می‌تواند زمینه‌ساز ارائه راهکارهای مناسب برای تبدیل این چالش به فرصتی برای ارتقای کیفیت آموزش و بهبود شرایط تحصیلی دانشجویان باشد. در این راستا، تحلیل دقیق عوامل مؤثر بر افزایش سنوات تحصیلی و ارائه راهکارهای عملی مبتنی بر شواهد می‌تواند به سیاست‌گذاران و مدیران آموزشی در اتخاذ تصمیم‌های مناسب کمک شایانی کند. مطالعه مسئله سنوات تحصیلی اضافه اهمیت ویژه‌ای دارد، زیرا نه تنها فراتر از یک موضوع اداری یا صرفاً آیین‌نامه‌ای، بلکه بازتابی از تنش‌ها و ناسازگاری‌های عمیق‌تر در سطوح فردی، سازمانی و نهادی است. در این راستا هدف این مطالعه، تحلیل لایه‌ای علت‌های افزایش سنوات دانشجویان دانشگاه تهران است.

ضرورت و اهمیت:

پژوهش حاضر بستری مهم برای توسعه گفت‌وگو و تعامل میان دانشگاه، دانشجویان و نهادهای سیاست‌گذار ایجاد می‌کند. این فرآیند مشارکتی می‌تواند به اصلاح روابط و تقویت رویکردهای حمایتی نظام آموزش عالی منجر شود و در نهایت افزایش اعتماد و رضایت ذینفعان اصلی را فراهم آورد. در سطح کلان، پرداختن به این چالش استراتژیک می‌تواند ارتقای کارآمدی، شفافیت و عدالت در نظام آموزش عالی کشور را به همراه داشته باشد و نقش کلیدی در توسعه منابع انسانی متخصص و متعهد ایفا کند. در نتیجه، این پژوهش از جنبه‌های نظری، علمی و عملی اهمیت و جایگاه محوری دارد و می‌تواند مبنایی استوار برای اتخاذ تصمیمات سیاستی دقیق و مؤثر در حوزه آموزش عالی کشور باشد. پرداختن به مسئله "سنوات تحصیلی اضافه" نه تنها موجب ارتقای کیفیت آموزشی و پژوهشی دانشگاه‌های دولتی می‌شود، بلکه در بهبود کارایی کل نظام آموزش عالی، کاهش هزینه‌های اضافی و توسعه علمی و فرهنگی کشور نقش راهبردی ایفا می‌کند. از منظر سیاست‌گذاری، یافته‌های این تحقیق می‌تواند به تدوین چارچوب‌های استراتژیک و برنامه‌ریزی دقیق با رویکرد حمایت، عدالت آموزشی و توسعه پایدار کمک کرده و گام‌های موثرتری در مدیریت این مسئله برداشته شود. این چارچوب‌ها سلامت روانی و تحصیلی دانشجویان را ارتقا داده، ساختار و فرآیندهای درون دانشگاهی را بهبود می‌بخشد و نهادهای حمایتی و نظارتی را تقویت می‌کند. انجام این پژوهش، ضمن پر کردن خلأهای پژوهشی موجود، گامی بنیادین در راستای ارتقای عملکرد نظام آموزش عالی و تقویت جایگاه دانشگاه‌های دولتی ایران در سطوح ملی و بین‌المللی خواهد بود. این امر افق‌های جدیدی برای توسعه علمی و تربیت نیروی انسانی متخصص و متعهد گشوده و نقش مؤثری در آینده پژوهش و آموزش عالی کشور ایفا خواهد نمود.

اهداف طرح

هدف کلی:

شناخت جامع علل و زمینه‌های طولانی شدن سنوات تحصیلی در میان دانشجویان دانشگاه تهران

اهداف اختصاصی:

۱. شناسایی و تحلیل لایه‌ای علت‌های افزایش سنوات تحصیلی دانشجویان دانشگاه تهران
۲. تدوین راهبردها و سیاست‌های اصلاحی مبتنی بر نتایج تحقیق، به منظور بهبود فرآیندهای مدیریتی و حمایتی مرتبط با مدیریت سنوات تحصیلی.

پیشینه تحقیق

درباره علل و زمینه‌های افزایش سنوات تحصیلی در میان دانشجویان مطالعاتی از منظرهای مختلف انجام شده است. این مطالعات را می‌توان در سه دسته کلی دسته‌بندی کرد:

۱. مطالعاتی که به علل «درون سیستمی» افزایش سنوات تحصیلی در نظام آموزش عالی اشاره دارد.
۲. مطالعاتی که علل این مسئله را در عوامل «برون سیستمی» این نظام جستجو می‌کند.
۳. مطالعاتی که بر چندعلتی بودن مسئله تاکید دارند و از ترکیب عوامل درون سیستمی و برون سیستمی در شکل‌گیری این فرایند حکایت دارند.

جدول ۲: خلاصه پیشینه تحقیق

ردیف	نویسنده	نتیجه کلی	علل سنوات و تأخیر در فارغ‌التحصیلی
۱	غلامزاده نیکجو و همکاران (۱۴۰۳)	تأخیر در تحصیل پدیده‌ای چندعلتی است که نیازمند مداخله در سطح فردی و سازمانی است.	مشکلات شخصی (اشتغال، خانواده، کرونا، فاصله، اینترنت، وقفه تحصیلی، جمع‌آوری داده) و عوامل دانشگاهی (همکاری استاد، تصویب پروپوزال، قوانین پژوهشی، داوری سخت‌گیرانه)
۲	تابعی و همکاران (۱۴۰۲)	افزایش سنوات تحصیل ناشی از مشکلات آموزشی - پژوهشی و ساختاری در دانشگاه‌ها	مشکلات پایان‌نامه، تدوین مقاله، ارتباط استاد و دانشجو، ضعف زیرساخت‌های پژوهشی، قوانین دانشگاهی نامناسب، کمبود امکانات، تسلط ناکافی اساتید، حجم بالای واحدهای درسی، تأخیر در نمرات و پیگیری ضعیف امور دانشجویان سنواتی
۳	غیاثی ندوشن (۱۴۰۱)	عوامل متنوع درونی و بیرونی باعث افزایش سنوات تحصیلی دانشجویان شده و پیامدهای منفی اجتماعی، مالی و آموزشی دارد	مشکلات پایان‌نامه، بیماری، مشغله کاری، مسائل خانوادگی، مشکلات مالی، ضعف تعامل استاد و دانشجو، فرایندهای اداری پیچیده، ضعف علمی دانشجویان، آزمون‌های جامع، الزام به نگارش مقاله، کمبود حمایت‌های علمی و آموزشی، پیامدهای منفی از جمله افزایش فشار روحی و مالی
۴	حسینی‌زاده حسنارودی (۱۴۰۱)	مجموعه‌ای از عوامل فردی و محیطی از منظر ادراکات دانشجویان کارشناسی موجب کاهش انگیزه، افت عملکرد و افزایش طول دوره تحصیلی شده است	عوامل فردی شامل ائتلاف فرصت‌های یادگیری، اولویت‌های نادرست، بی‌علاقگی آموزشی، چالش‌های روانی و خانوادگی، ضعف مهارت‌های مطالعه، مشکلات جسمی و زیستی؛ عوامل محیطی شامل ضعف حمایت خانواده، دوری از محل دانشگاه، مشکلات روانی، ضعف شناختی، مدیریت زمان ضعیف و مشکلات انگیزشی و شخصیتی که در نهایت منجر به افت تحصیلی و تأخیر در فارغ‌التحصیلی می‌شود
۵	منصوریان و همکاران (۱۴۰۰)	افزایش طول مدت تحصیل دانشجویان دکتری تحت تأثیر عوامل فردی، آموزشی، ساختاری و فرایندی است	مشکلات جسمی و روانی، ضعف مهارت‌ها، بی‌انگیزگی، دسترسی دشوار به استادان، کیفیت پایین تدریس، کمبود امکانات، تأخیر در پایان‌نامه
۶	صفری (۱۳۹۸)	تأخیر تحصیلی متأثر از عوامل محیط موسسه‌ای و اجتماعی و ضعف حمایت و امکانات دانشگاهی	ضعف حمایت استاد راهنما، کمبود امکانات و فضای مطالعه، برنامه‌ریزی ضعیف، مشکلات مالی و خانوادگی، بی‌انگیزگی، فشار کاری و تحصیلی
۷	دزیکنو و همکاران (۲۰۲۵)	تأخیر در تکمیل پایان‌نامه به دلیل عوامل دانشجویی، استاد، منابع و نهادی	کمبود منابع و امکانات، مشکلات مالی، مسئولیت‌های خانوادگی، ضعف حمایت استاد، مدیریت زمان ضعیف، عدم تطابق تخصص استاد، بار کاری زیاد اساتید

ردیف	نویسنده	نتیجه کلی	علل سنوات و تأخیر در فارغ التحصیلی
۸	امانی و همکاران (۲۰۲۲)	تأخیر تحصیلی ناشی از عوامل نهادی و فردی؛ نیاز به بهبود رابطه استاد و دانشجو و تقویت حمایت‌ها	عوامل نهادی: محیط یادگیری غیرحمایتی، فرآیند پیچیده پایان‌نامه، حجم کاری زیاد اساتید، صلاحیت پایین استادان و دانشجویان؛ عوامل فردی: ضعف مهارت‌ها، مشکلات مالی، تعهد پایین، پیشینه ضعیف
۹	ارشاد و همکاران (۲۰۲۰)	تأثیر حمایت نهادی، استاد راهنما و ویژگی‌های شخصیتی بر موفقیت تحصیلی	ضعف حمایت نهادی و استاد راهنما، عدم آگاهی دانشجو از مراحل دکتری، کمبود ساختار نظام‌مند، فقدان نهاد نظارتی ملی، عدم توجه به ابعاد روانی و اجتماعی دانشجو
۱۰	آینا (۲۰۱۹)	عوامل فردی، خانوادگی، آموزشی و نهادی در ترک تحصیل و تأخیر موثرند	سن بالا، جنسیت، قومیت، توانایی و عملکرد قبلی، انگیزه کم، اشتغال همزمان، حمایت ناکافی مالی، کیفیت پایین منابع و نسبت نامناسب استاد به دانشجو
۱۱	ریگلر جونیور (۲۰۱۷)	عوامل درونی و ساختاری دانشگاهی بیش از عوامل بیرونی در تأخیر دوره دکتری موثرند	کیفیت رابطه استاد راهنما و دانشجو، کمبود مهارت راهنمایی اساتید، نبود نظام‌های حمایتی علمی و اجتماعی، کمبود آموزش‌های پژوهشی و نگارشی، فشار مالی و نیاز به اشتغال، کمبود آمادگی علمی پیش از آزمون جامع
۱۲	برندسما-دیترز (۲۰۱۳)	تأخیر تحصیلی نتیجه ترکیبی از عوامل فردی، سازمانی، روانی و نهادی است و نمی‌توان تنها یک عامل را مقصر دانست.	عدم حمایت شخصی از سوی کادر آموزشی، ضعف در سازماندهی برنامه تحصیلی، کیفیت پایین برخی اساتید، عدم تعهد یا ناهماهنگی دانشجو با رشته تحصیلی، سختی و فشار دروس، کمبود مهارت‌های مطالعه، مشکلات احساسی و روانی، مشکلات مالی و نیاز به کار همزمان با تحصیل، نبود امکانات کافی مانند کتابخانه و کامپیوتر، شکاف بین انتظارات دانشجو و نظام‌های حمایتی، کاهش ادغام اجتماعی در محیط دانشگاه.
۱۳	اسکوت (۲۰۱۳)	تأخیر دوره دکتری از ضعف راهنمایی، تعهدات خانوادگی-شغلی و نبود حمایت ساختاری ناشی می‌شود و با سیاست‌گذاری مناسب قابل پیشگیری است.	ضعف راهنمایی و ارتباط با استاد، دشواری تلفیق پژوهش با کار/تعهدات مالی، مشکلات خانوادگی و شخصی، تأهل و مسئولیت‌های خانوادگی (ویژه زنان)، نبود فرصت‌های پژوهشی، نداشتن شبکه علمی، نقش مادری (زنان) دارای فرزند، فرزند زیر ۱۸ سال (برای مردان)، تغییر استاد/موضوع، عدم شرکت در کنفرانس، ابهام در پرسش تحقیق (سال اول)، تفاوت حمایت ساختاری بین مهاجران و بومیان، مشکلات گردآوری داده، پایبند نبودن به برنامه اولیه، ضعف سیاست‌های حمایتی دانشگاه.

(منبع: یافته‌های تحقیق)

۱- **علل درون سیستمی**، عللی است که از درون نظام آموزش عالی بر افزایش سنوات تحصیلی دانشجویان تأثیرگذار است و عوامل ساختاری، ضعف قوانین نظارتی، افزایش ظرفیت پذیرش دانشجو، مساله‌مند نبودن دوره‌های آموزشی، ضعف علمی دانشجویان، ضعف فرایندها و سیستم آموزشی، رفتار غیر حرفه‌ای اساتید و مشکلات تدوین پایان‌نامه و غیره را در بر می‌گیرد. در این راستا مطالعات خوش‌گفتار و همکاران (۱۴۰۱)؛ مهدی یار و عبدی (۱۳۹۵)؛ حاتمی (۱۳۹۵)؛ توحیدی و همکاران (۱۳۹۴)؛ حبیبی و رودکی (۱۳۹۳)؛ واحدی و همکاران (۱۳۹۳)؛ پرند و همکاران (۱۳۹۲)؛ طبرسا و همکاران (۱۳۹۱)؛ آقاملائی و همکاران (۱۳۸۵)؛ ریگلر جونیور^۱ (۲۰۱۷) و اینا و کاسالون (۲۰۱۱) نشان می‌دهد که آسیب‌های

درون نظام آموزش عالی؛ نبود نوآوری، ضعف مشارکت، فقدان برنامه‌ریزی استراتژیک و نبود نظام ارزیابی مؤثر، فقدان برنامه‌ریزی استراتژیک، ضعف سیاستگذاری، ضعف ارتباط با صنعت، افزایش تعداد کمی دانشجو بدون توجه به کیفیت و محدودیت استقلال علمی دانشجویان است که موجب کاهش کارآمدی، افت کیفیت آموزش و افزایش سنوات تحصیلی شده است. با توجه به این مهم افت تحصیلی و افزایش سنوات تحصیلی شاخصی است که نشان می‌دهد دانشگاه در زمینه ساختار برنامه‌ریزی، آموزشی و فرایند اداری و اجرایی خود از ضعف‌های رنج می‌برد و تصویب قوانین، آیین‌نامه‌ها و دستورالعمل‌های ترمیمی و اصولی در این مسیر اهمیت بسزایی دارد.

۲- علل برون سیستمی، عللی است که خارج از کنترل نظام آموزش عالی است و شامل عوامل اقتصادی - اجتماعی، فردی و خانوادگی و دغدغه‌های فرادانشگاهی می‌باشد. در این زمینه مطالعات موسوی و طاهریان (۱۳۹۸)؛ صالحی و همکاران (۱۳۹۴)؛ محسن پور (۱۳۸۶)؛ اینا و همکاران (۲۰۱۸) و کریمی و همکاران (۲۰۱۵) بیانگر این است که نقش عوامل فردی و خانوادگی؛ اقتصادی و اجتماعی، دغدغه‌های فرادانشگاهی و عوامل زیستی مانند دوری محل سکونت از دانشگاه، غیربومی بودن، دوری از خانواده و غیره در افزایش سنوات تحصیلی دانشجویان نسبت به دیگر عوامل از اهمیت بیشتری برخوردار است. هزینه‌های آموزشی در کنار اشتغال هم‌زمان به دلیل اضطراب و چالش‌های مالی، مسئولیت‌های خانوادگی شامل مراقبت از والدین یا فرزندپروری، مشکلات روانی نظیر افسردگی، اضطراب، احساس بی‌هدفی و کمبود اعتماد به نفس، فشار روانی زیادی را بر دانشجو تحمیل می‌کنند که نه تنها خوشایند او نیست؛ بلکه او را با اختلال در زندگی تحصیلی مواجه می‌کند و نهایتاً به تأخیر در فراغت از تحصیل او می‌انجامد. در این فرایند دانشجویان مزایا و هزینه‌های تحصیل در دانشگاه را مورد کندوکاو قرار داده و مبتنی بر آن تصمیم به ۱. ادامه تحصیل، ۲. ترک تحصیل، ۳. طولانی کردن و یا ۴. تعویق انداختن دوره تحصیلی خود می‌گیرند.

۳- چندی علتی بودن مسئله، ناظر بر شرایطی است که از ترکیب عوامل درون سیستمی و برون سیستمی در شکل‌گیری این فرایند حکایت دارند و مسئله را در سطوح گوناگون فردی، اجتماعی و نهادی بررسی می‌کنند. مطالعات رحمانی باروجی و همکاران (۱۴۰۴)؛ نیکجو و همکاران (۱۴۰۳)؛ تابعی و همکاران (۱۴۰۲)؛ غیائی ندوشن (۱۴۰۱)؛ حقانی و شهرکی (۱۴۰۱)؛ منصوریان و همکاران (۱۴۰۰)؛ صفری و همکاران (۱۳۹۸)؛ رضائیان و همکاران (۱۳۹۵)؛ واحدی و همکاران (۱۳۹۳)؛ فراستخواه (۱۳۹۴)؛ دزیکنو^۱ و همکاران (۲۰۲۵)؛ امانی^۲ و همکاران (۲۰۲۲)؛ ارشاد^۳ و همکاران (۲۰۲۰)؛ آینا^۴ (۲۰۱۹)؛ برندسما-دیترز^۵ (۲۰۱۳) و اسکوت^۶ (۲۰۱۳) نشان می‌دهد افزایش طول مدت تحصیل دانشجویان تحت تأثیر مجموعه‌ای از عوامل ۱. فردی، ۲. آموزشی، ۳. ساختاری و فرایندی است. سنواتی شدن در حوزه مسائل آموزشی - پژوهشی، به سبب واحدهای آموزشی، زیاد بودن تعداد واحدهای آموزشی، عدم کسب حد نصاب نمره زبان در دوره

^۱ - Dzikunu

^۲ - Amani

^۳ - Irshad

^۴ - Aina

^۵ - Brandsma-Dieters

^۶ - Schoot

دکتری، عدم رضایت از انتخاب استاد راهنما، عدم شناخت پایگاه‌های جست‌وجو، مسأله انتخاب موضوع و فرایند تصویب، طولانی شدن فرآیند جمع‌آوری داده‌های پایان‌نامه و عوامل دانشگاهی شامل عدم همکاری مؤثر اساتید، طولانی شدن مراحل تصویب پروپوزال، سخت‌گیری در قوانین پژوهشی مربوط به انتشار مقالات و سخت‌گیری برخی اساتید در روند داوری و دفاع از پایان‌نامه و غیره رخ می‌دهد.

در بعد ساختاری؛ عواملی همچون قوانین نظارتی دانشگاه، تخصص اساتید، پایین بودن مبلغ گرنت‌های پژوهشی، افزایش هزینه چاپ مقالات خارجی، کمبود مواد، تجهیزات و قطعات آزمایشگاهی، افزایش تصاعدی هزینه مواد آزمایشگاهی، الزام به انتخاب استاد راهنما در ترم اول تحصیلی، تخصص و تسلط ناکافی برخی اساتید، عدم گزارش به‌موقع نمرات، ارتباط ضعیف میان گروه‌های آموزشی، عدم پیگیری امور دانشجویان سنواتی، نبود قوانین سخت‌گیرانه از سوی دانشگاه و افزایش ظرفیت پذیرش دانشجو است. **عوامل فردی؛** مشکلات شخصی، اشتغال هم‌زمان با تحصیل، مشکلات خانوادگی، هم‌زمانی دوران تحصیل با بیماری، فاصله زیاد محل سکونت تا دانشگاه، محدودیت دسترسی به اینترنت، وقفه طولانی بین مقاطع کارشناسی و کارشناسی ارشد و غیره نشان می‌دهند که تأخیر در تحصیل پدیده‌ای چندعلتی است و مقابله با آن نیازمند توجه هم‌زمان به شرایط فردی دانشجویان و اصلاح ساختارها و رویه‌های دانشگاهی است.

مطالعات انجام شده در خصوص علل افزایش سنوات دانشجویان نشان می‌دهد که دلایل این مسئله چند علتی است و در چارچوب عواملی فراتر از علل درون و برون سیستمی، این امر قابل تحلیل است و نیازمند اتخاذ منطق نظری و روش شناختی مناسب با جنبه‌های تحلیلی این مسئله است. در این راستا مطالعه حاضر در پی آن است که به اتکا بر رویکرد تحلیل لایه‌ای علی، ابعاد پنهان علل افزایش سنوات دانشجویان دانشگاه تهران را مورد کاوش و بررسی قرار دهد. اتخاذ این رویکرد تحلیلی از آن جهت حائز اهمیت است که ابعاد و زوایای پنهان مسئله را روشن می‌کند و از تحلیل‌های سطحی و تک علتی پرهیز می‌نماید.

رویکرد نظری

پدیده تأخیر در فراغت از تحصیل و افزایش سنوات دانشجویان، به‌ویژه در مقاطع تحصیلات تکمیلی، یکی از چالش‌های مهم نظام آموزش عالی است که دارای ابعاد پیچیده فردی، اجتماعی، اقتصادی و سازمانی می‌باشد. برای درک عمیق این پدیده، از ترکیب چندین نظریه جامعه‌شناختی و روان‌شناختی استفاده شده است که هر یک زوایای مختلفی از مسئله را روشن می‌سازند. چارچوب نظری این پژوهش مبتنی بر آرای جیمز کلمن^۱ (نظریه انتخاب عقلانی)، اروینگ گافمن^۲ (نظریه نمایشی)، ارویل گیلبرت برم^۳ (تضاد نقش و هویت)، رابرت مرتن^۴ (آنومی) و باری زیمرمن^۵ (خودتنظیمی) است.

^۱. Coleman

^۲. Goffman

^۳. Brim

^۴. Merton

^۵. Zimmerman

۱. **نظریه انتخاب عقلانی (جیمز کلمن):** این نظریه بر اساس اصول عقلانیت و بیشینه‌سازی سود شخصی بنا شده است. کلمن (۱۳۷۷) معتقد است کنشگران اجتماعی با در نظر گرفتن منابع تحت کنترل خود و دیگران، به گونه‌ای عمل می‌کنند که منافع خود را به حداکثر برسانند (استارک، ۱۹۹۴). در فضای آموزش عالی، دانشگاه و دانشجو هر دو به عنوان کنشگران عقلانی در تعامل هستند: دانشگاه در پی بهره‌وری و مدیریت منابع، و دانشجو در پی بهره‌مند شدن از امکانات و فرصت‌ها. زمانی که انتخاب‌های عقلانی دانشجو (مانند تمديد اقامت در خوابگاه یا استفاده از خدمات رفاهی) خارج از چارچوب قوانین آموزشی صورت گیرد، به کاهش کارایی نظام، افزایش هزینه‌های پنهان و سرانجام آسیب به اعتبار نهاد دانشگاه می‌انجامد. این نظریه توضیح می‌دهد که چرا دانشجویان ممکن است علی‌رغم هزینه‌های فردی و اجتماعی، سنوات خود را طولانی کنند.

۲. **نظریه نمایشی (اروینگ گافمن):** گافمن (۱۴۰۳) کنش اجتماعی را به مثابه یک نمایش تئاتر تحلیل می‌کند که در آن افراد در "جلوی صحنه" نقش‌های اجتماعی مورد انتظار را ایفا می‌کنند و در "پشت صحنه" به خود واقعی می‌پردازند. دانشجویان تحت فشار انتظارات اجتماعی (خانواده، اساتید، همسالان) مجبور به نمایش تصویری از یک دانشجوی موفق و پرتلاش هستند، حتی اگر در واقعیت با مشکلاتی چون اهمال‌کاری، اضطراب یا ناتوانی در پژوهش مواجه باشند. این فاصله بین "ظاهر" و "واقعیت" به فرسودگی پنهان، عدم درخواست کمک و نهایتاً تأخیر در تحصیل منجر می‌شود. این نظریه بر جنبه‌های نمایشی و تعاملی مسئله تأکید دارد.

۳. **نظریه تضاد نقش و هویت (ارویل گیلبرت برم):** برم (۱۹۹۶) بر تعارض بین نقش‌های چندگانه و هویت فردی تمرکز دارد. دانشجویان تحصیلات تکمیلی اغلب در نقش‌های متعدد و گاه متضاد (مانند دانشجو، پژوهشگر، عضو خانواده، شاغل) گرفتار می‌شوند. وقتی انتظارات از این نقش‌ها ناسازگار باشند یا فراتر از منابع فردی (زمانی، روانی، حمایتی) باشند، "تعارض نقش" و "سردرگمی هویتی" رخ می‌دهد. فرد برای اجتناب از شکست، به طور ناخودآگاه از برخی نقش‌ها فاصله می‌گیرد که در مورد نقش دانشجویی، به تأخیر و تعلیق می‌انجامد. این نظریه پیوند بین چندگانگی نقش، فرسایش انسجام هویتی و کاهش عملکرد تحصیلی را نشان می‌دهد.

۴. **نظریه آنومی (رابرت مرتن):** مرتن به شکاف بین اهداف فرهنگی تعیین‌شده (مانند موفقیت تحصیلی و خبگی) و ابزارهای نهادی مشروع برای دستیابی به آنها می‌پردازد. وقتی جامعه اهدافی را تبلیغ می‌کند اما امکانات و حمایت‌های لازم (مانند راهنمایی مؤثر، منابع مالی، فرصت‌های برابر) را فراهم نمی‌کند، "بی‌هنجاری" ایجاد می‌شود (نایبی و همکاران، ۱۳۹۶). دانشجویان در این وضعیت دچار سرخوردگی و ناکامی می‌شوند و اغلب واکنش "عقب‌نشینی" نشان می‌دهند: یعنی هم از اهداف و هم از ابزارهای رسمی فاصله می‌گیرند. این انفعال و قطع ارتباط با محیط آموزشی، تأخیر تحصیلی را تشدید می‌کند. این نظریه بر عوامل ساختاری و نهادی مسئله تأکید دارد.

۵. **نظریه خودتنظیمی (باری زیمرمن):** زیمرمن (۲۰۰۲) بر فرآیندهای روان‌شناختی مدیریت فعال رفتار، شناخت و هیجانات برای رسیدن به اهداف تمرکز دارد. خودتنظیمی شامل سه مرحله است: برنامه‌ریزی و هدف‌گذاری، نظارت و کنترل عملکرد، و خودارزیابی و اصلاح. دانشجویانی که فاقد مهارت‌های خودتنظیمی قوی هستند (مانند مدیریت زمان،

حفظ انگیزه، ارزیابی واقع‌بینانه) در مواجهه با چالش‌های تحصیلی اغلب دچار اهمال‌کاری و کاهش بهره‌وری می‌شوند و نمی‌توانند مسیر تحصیلی خود را به طور مؤثر مدیریت کنند. این نظریه بر عوامل روان‌شناختی-رفتاری تأخیر تحصیلی تأکید می‌کند.

به طور کلی، این پدیده چندوجهی را نمی‌توان با یک علت واحد توضیح داد. بلکه حاصل تعامل پیچیده عوامل در سطوح مختلف است:

- در سطح خرد (فردی-روانی): ضعف در مهارت‌های خودتنظیمی و مدیریت فردی.
 - در سطح میان‌فردی (تعاملی-نمایشی): فشار برای ایفای نقش اجتماعی و فاصله‌گیری بین ظاهر و واقعیت.
 - در سطح ساختاری (نقشی-هویتی): تعارض بین نقش‌های چندگانه و فقدان انسجام هویتی.
 - در سطح کلان (نهادی-فرهنگی): شکاف میان اهداف فرهنگی و ابزارهای نهادی، منجر به بی‌هنجاری.
- هر یک از این نظریه‌ها به تنهایی قادر به تبیین کامل مسئله نیستند، اما در کنار هم چارچوب تحلیلی جامعی ارائه می‌دهند که نشان می‌دهد تأخیر تحصیلی نتیجه نهایی تعامل عوامل روانی، اجتماعی و نهادی است. برای حل این مسئله، راهکارها باید چندسطحی و همزمان معطوف به تقویت مهارت‌های فردی، کاهش تعارضات نقشی، اصلاح ساختارهای نهادی و کاهش شکاف میان اهداف و ابزارها باشند.

روش تحقیق

روش تحقیق این پژوهش از نوع کاربردی با رویکرد کیفی-توصیفی است که در عین بهره‌گیری از داده‌های کیفی تفسیری، از اطلاعات کمی پشتیبان نیز برای تحلیل عمیق‌تر بهره برده است. هدف این پژوهش، تحلیل علل و عوامل مؤثر بر سنواتی شدن دانشجویان دانشگاه تهران با استفاده از روش تحلیل لایه‌ای علی^۱ است. این روش توسط عنایت الله (۱۹۹۸) طراحی شده، از لحاظ روش، کیفی و از لحاظ رویکرد، اکتشافی است (فاتح راد و همکاران، ۱۳۹۲). در این روش، درک یک پدیده با عمیق شدن در لایه‌های سازنده آن صورت می‌گیرد (عنایت، ۱۹۹۸). این رویکرد با تأکید بر تحلیل چندلایه، به پژوهشگر اجازه می‌دهد تا از سطح پدیده عبور کرده و به لایه‌های ساختاری، گفتمانی و اسطوره‌ای مسئله ورود کند. اطلاعات مورد استفاده در این تحقیق از دو نوع داده تشکیل شده است: نخست، داده‌های کمی شامل آمار وضعیت سنوات دانشجویان، تعداد افراد دارای سنوات مازاد و هزینه‌های خدمات رفاهی که از منابع رسمی دانشگاه تهران استخراج شده‌اند. دوم، داده‌های کیفی شامل دیدگاه‌ها و تحلیل‌های مسئولین دانشگاه و اعضای هیات علمی مرتبط در ۲۲ دانشکده دانشگاه تهران و مصاحبه با ۲۵ دانشجوی دارای سنوات اضافی است. این داده‌های کیفی از طریق صورت‌جلسات، گزارش‌های مدیریتی، مستندات مکتوب و پرسش‌نامه‌های باز گردآوری و استخراج شده‌اند. جامعه آماری این تحقیق دانشجویان، اعضای هیئت علمی و مسئولین دانشکده‌های دانشگاه تهران را شامل می‌شود. فرآیند نمونه‌گیری در این مطالعه تابع شیوه نمونه‌گیری هدفمند بوده است و مصاحبه با مشارکت‌کنندگان در این پژوهش تا تحقق کدهای تکراری تداوم داشته است. ابزار گردآوری داده‌ها شامل اسناد آماری رسمی، فرم‌های دسته‌بندی محتوای کیفی و ماتریس‌های تحلیل مضمون بوده است. داده‌های

^۱ . Causal Layered Analysis (CLA)

کمی به صورت توصیفی و آماری تحلیل شده‌اند و در کنار داده‌های کیفی به‌عنوان شواهد اولیه در تحلیل ساختاری CLA به‌کار رفته‌اند. داده‌های کیفی پس از دسته‌بندی اولیه با استفاده از الگوی چهار لایه‌ای تحلیل لایه‌ای علی، منطبق بر جدول (۱) تحلیل شدند.

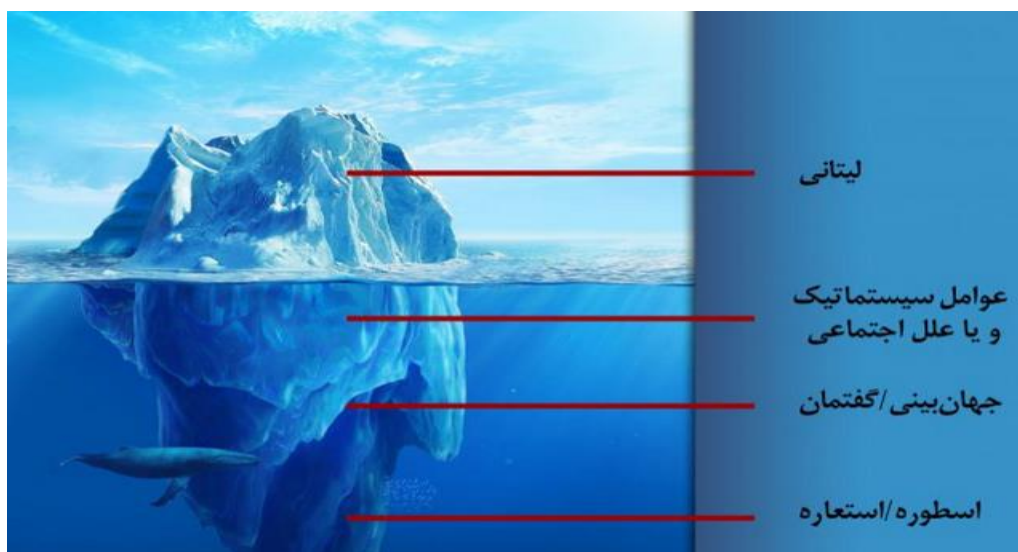
تحلیل لایه‌ای علت‌ها در یک موضوع ما را متوجه چهار سطح می‌سازد:

- **لیتانی:** ابتدایی‌ترین سطح موضوعات، روندهای کمی و مشکلات. این سطح، مسئله را به شکلی اغراق‌آمیز نشان داده و اغلب با مقاصد سیاسی و در رسانه‌ها استفاده می‌شود. آن‌چه در این سطح مشاهده می‌شود ممکن است اصل مشکل نبوده و تنها پیامدی از مشکل اصلی را نشان دهد.
- **علل اجتماعی:** عوامل اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و تاریخی مرتبط با مسئله که به صورت یک سیستم عمل می‌کنند. به این لایه، سیستم نیز گفته می‌شود. این سطح از تحلیل اغلب مورد استفاده‌ی نهادهای سیاسی بوده و گاه در مجلات کاملاً علمی نمود پیدا می‌کند نقش منافع و کنش‌گران اغلب در این سطح از تحلیل مشخص می‌شود.
- **ساختار، جهان‌بینی و گفتمان:** این سطح از تحلیل به دنبال ساختارهای عمیق‌تر اجتماعی، زبانی، فرهنگی است که زیربنای یک موضوع را تشکیل می‌دهند و کمک می‌کنند که مفروضات موجود در پشت یک مسئله را شناسایی کنیم. این سطح نشان می‌دهد گفتمان‌ها و جهان‌بینی‌های متفاوت دیدگاه‌های متفاوتی از مسئله دارند. ممکن است آن‌چه از نظر یک گفتمان معضل محسوب می‌شود از نظر گفتمان دیگر، عادی و طبیعی به نظر برسد.
- **استعاره‌ها و اسطوره‌ها:** عمیق‌ترین سطح مسائل شناخت، الگوهای ذهنی، عقاید و باورهای ریشه‌دار در جامعه و خرد جمعی آن جامعه است. این سطح با تصاویر ذهنی موجود در ناخودآگاه افراد سر و کار دارد و بیش‌تر با عواطف و تصاویر قابل درک است تا این که در قالب متن و نوشته درآید.

در این مطالعه در لایه نخست (لایه لیتانی^۱)، تحلیل به آمارها و نمودهای ظاهری پدیده مانند نرخ رشد سنواتی شدن شده است. در لایه دوم (علل ساختاری)، عوامل نهادی، مدیریتی، آیین‌نامه‌ای و ضعف در سازوکارهای مشاوره‌ای و حمایتی مورد توجه قرار گرفته‌اند. لایه سوم به تحلیل گفتمان‌های رایج و سیاست‌گذاران دانشگاهی درباره دانشجویان دارای سنوآت و مفهوم موفقیت تحصیلی می‌پردازد. در نهایت، در لایه چهارم (اسطوره‌ای-استعاری)، به بررسی مفاهیم عمیق‌تری مانند تلقی فرهنگی از دانشگاه، دانشجو، پیشرفت، تعویق و ناکامی پرداخته می‌شود. برای افزایش اعتبار و روایی داده‌های کیفی، از اعتبارسنجی محتوایی توسط خبرگان دانشگاهی، مرور مجدد یافته‌ها توسط برخی مشارکت‌کنندگان و مقایسه داده‌های چندمنبعی (کمی و کیفی) بهره گرفته شده است. همچنین گردآوری داده‌ها از مجموعه‌ای متنوع از مسئولین دانشکده‌ها، اعضای هیات علمی و دانشجویان سنواتی، به غنای تحلیل کمک کرده و امکان تعمیم تحلیلی را فراهم آورده است. تمامی

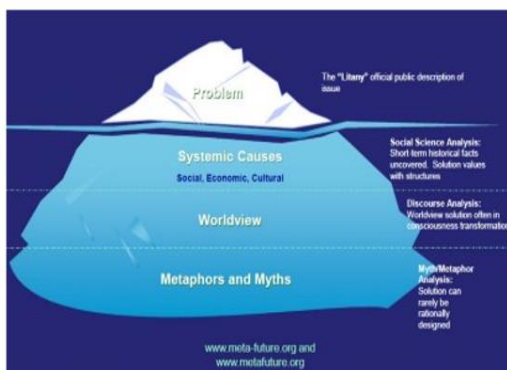
^۱. Litany

داده‌ها با رعایت ملاحظات اخلاقی و محرمانگی پردازش شده‌اند و نتایج به‌گونه‌ای ارائه شده‌اند که هویت افراد و واحدهای دانشگاهی در آن محفوظ باقی بماند.



شکل ۱: تحلیل ساختاری CLA

تحلیل لایه‌ای علت‌ها



۱. مسائل آشکار	۲. علل سیستمی	۳. جهان‌بینی و گفتمان	۴. استعاره‌ها و اسطوره‌ها
موضوعات کوتاه مدت، مسائل روزمره، قابل رویت‌ترین سطح علل، محتوای مورد توجه رسانه‌ها	علل اقتصادی، فرهنگی و سیاسی-شکل‌گیری مشکلات	ساختارهای عمیق‌تر اجتماعی، فرهنگی و زبانی، اپنلوری مستقل‌نگشگران اجتماعی	لایه‌های زیرین ناخودآگاه اجتماعی، موضوعات عاطفی، بد ناخودآگاه و احساسی مسائل، طرح‌واره‌ها و تصاویر ذهنی

این لایه، سطحی ترین و آشکارترین سطح تحلیل است که به نحوه بازنمایی یک مسئله در رسانه‌ها، گفتمان‌های روزمره، ادبیات رسمی، و گزارش‌های سطحی می‌پردازد. در این سطح، مسائل اجتماعی معمولاً در قالب آمار، تیتراهای خبری، یا گزاره‌های توصیفی و هشداردهنده بیان می‌شوند، بدون آن‌که علل عمیق یا ریشه‌ای آن‌ها مورد واکاوی قرار گیرد. در لایه آشکار تحلیل‌ها بیشتر به بیان وضعیت موجود می‌پردازند و فاقد بُعد علّی، تاریخی، یا ساختاری‌اند. هدف در این سطح، شناسایی الگوهای بیانی رایجی است که مسئله را به صورت ساده‌سازی شده، تک‌عاملی، یا تهدیدمحور مطرح می‌کنند.

در لایه نخست پدیده سنواتی شدن در دو مقوله «بازنمایی رسانه‌ای و دانشگاهی» و «بازنمایی تجربی و روانی دانشجویان» مورد بحث قرار می‌گیرد.

۱- بازنمایی رسانه‌ای و دانشگاهی

در تحلیل سطح اول از پدیده سنواتی شدن، این مسئله عمدتاً به عنوان یک چالش اجرایی یا اختلال در نظم آموزشی بازنمایی می‌شود. فضای رسانه‌ای، ادبیات اداری و حتی گفت‌وگوهای بین مسئولان آموزش عالی، تصویر قالبی یا کلیشه‌ای از دانشجوی سنواتی ارائه می‌دهند که در آن دانشجو در جایگاه عامل اصلی بروز مشکل قرار می‌گیرد؛ به گونه‌ای که گویا سنواتی شدن، نتیجه بی‌نظمی فردی، تنبلی، ضعف در برنامه‌ریزی یا عدم تعهد به مسئولیت‌های آموزشی است. یافته‌ها نشان می‌دهند که این پدیده در دانشگاه تهران عمدتاً در قالب یک بحران عددی و اجرایی بازنمایی می‌شود، بدون آن‌که به زمینه‌های عمیق‌تر اجتماعی، روانی یا ساختاری آن توجهی شود.

در سطح رسانه‌ها، گزارش‌ها و اطلاعیه‌های رسمی دانشگاهی، تمرکز عمده بر آمارهای خام همچون درصد دانشجویان دارای سنوات مازاد، افزایش فشار بر ظرفیت خوابگاه‌ها، یا تأخیر در فرایند فارغ‌التحصیلی است. این گزارش‌ها معمولاً فاقد تحلیل‌های تفسیری یا زمینه‌مند هستند و بیشتر با توصیف وضعیت، به دنبال هشداردهی نسبت به افزایش این «جمعیت غیراستاندارد» هستند تا فهم پیچیدگی‌های زیربنایی آن.

جدول ۳: آمارهای سنواتی شدن دانشجویان

بر اساس آمار رسمی نیمسال اول سال تحصیلی ۱۴۰۴-۱۴۰۳، در حدود ۸,۴۶۳ دانشجو (معادل ۱۹ درصد) در وضعیت سنوات اضافه به سر می‌برند. همچنین از این تعداد، ۱,۹۱۴ نفر در خوابگاه‌های دانشگاه سکونت دارند و به عبارتی حدود ۲۳ درصد از دانشجویان سنوات اضافه را تشکیل می‌دهند. این پدیده به‌ویژه در مقاطع تحصیلات تکمیلی چشمگیرتر است، به طوری که در مقطع کارشناسی ارشد ۵,۰۶۷ دانشجوی سنوات اضافه (۲۸٪ از کل دانشجویان این مقطع) و در مقطع دکتری تخصصی ۱,۶۳۰ دانشجوی سنوات اضافه (۱۸٪ از کل دانشجویان این مقطع) ثبت شده است. از آنجایی که سازمان برنامه و بودجه تنها به ازای دانشجویان روزانه سنوات مجاز تحصیلی (کارشناسی تا ۸ نیمسال، ارشد تا ۴ نیمسال، دکتری تخصصی تا ۸ نیمسال، دکتری عمومی تا ۱۲ نیمسال و دکتری پیوسته تا ۱۶ نیمسال) بودجه خدمات رفاهی در اختیار دانشگاه‌ها قرار می‌دهد؛ این در حالی است که دانشجویان نوبت دوم و روزانه سنوات اضافه نیز از یارانه خدمات رفاهی به ویژه غذا و خوابگاه بهره‌مند می‌شوند که این مسئله علاوه بر تحمیل هزینه‌های زیاد به دانشگاه، باعث بروز مشکلات متعددی در دانشگاه شده است.
--

در این روایت، مسئولیت پدیده سنواتی شدن صراحتاً یا به شکل تلویحی متوجه دانشجو است. **دانشجو** در این گفتمان، فردی تلقی می‌شود که:

- دانشجو فاقد قابلیت‌های فردی لازم است؛
 - از نظم و انضباط فردی لازم برخوردار نبوده است؛
 - در تدوین و نگارش پایان‌نامه سهل‌انگاری کرده یا کار را به تعویق انداخته؛
 - دانشجو نسبت به قوانین و مقررات دانشگاه بی‌توجه بوده است؛
 - هزینه‌های زندگی دانشجو در دانشگاه و خوابگاه به صرفه‌تر از بیرون است؛
 - به‌دلیل اشتغال، مهاجرت، یا بی‌برنامگی شخصی نتوانسته در مدت مقرر تحصیل را به پایان برساند؛
- در کنار این، **مدیران دانشگاهی** نیز در موضع‌گیری‌ها و بیانیه‌های خود، بیشتر بر پیامدهای اجرایی این پدیده تأکید دارند:

- افزایش فشار بر فضاهای خوابگاهی و رفاهی؛
 - افزایش تقاضا برای وام‌ها و کمک‌هزینه‌ها؛
 - اختلال در برنامه‌ریزی آموزش و تخصیص منابع پژوهشی؛
- از سوی دیگر، **رسانه‌ها** نیز در بازتاب این مسئله، غالباً با تیتراهایی چون:
- افزایش دانشجویان سنواتی؛ زنگ خطر در آموزش عالی؛
 - خوابگاه‌ها در اشغال دانشجویان سال‌بالا؛
 - دانشجویانی که نمی‌خواهند فارغ‌التحصیل شوند؛
- به ترسیم پدیده می‌پردازند. این نوع تیتراها، به‌جای تحلیل یا همدلی، نوعی **نگاه امنیتی – هشداردهنده** دارند که بیشتر بر تهدید منابع یا ناکارآمدی سیستم متمرکز است، تا ریشه‌یابی دلایل انسانی، نهادی یا سیاستی آن. در مجموع می‌توان گفت در لایه اول، «سنواتی شدن» نه به‌مثابه یک پدیده پیچیده و چندوجهی، بلکه به عنوان **یک بحران کمی و انضباطی** تلقی می‌شود. در این بازنمایی:

- مسئولیت فردی دانشجو برجسته می‌شود؛
 - نهاد دانشگاه از مسئولیت ساختاری مبرا شمرده می‌شود؛
 - و فرصت گفت‌وگو درباره ابعاد انسانی، روانی، اقتصادی یا فرهنگی مسئله از میان می‌رود.
- در چنین چارچوبی، پدیده‌ای که می‌تواند ریشه در ساختارهای آموزشی ناکارآمد، تناقض‌های نهادی، یا چالش‌های اقتصادی و اجتماعی دانشجو داشته باشد، به شکلی تقلیل‌گرایانه و تک‌عاملی تحلیل می‌شود و در چنین شرایطی به نوعی می‌توان گفت قربانی (دانشجو) مقصر تلقی می‌شود. با این حال، این روایت مسلط تنها یکی از لایه‌های بازنمایی پدیده سنواتی شدن است. در نقطه مقابل آن، می‌توان به برداشت‌ها و تجربه‌های زیسته دانشجویان اشاره کرد که تصویری متفاوت و چندبعدی

از مسئله ترسیم می‌کند. برخلاف تحلیل رسمی که دانشجو را بازیگر اصلی و مقصر نهایی تلقی می‌کند، در این خوانش، دانشجو در دل تعاملات پیچیده‌تری قرار دارد؛ تعامل با خانواده، بازار کار، فشارهای روانی، ساختارهای ناکارآمد دانشگاهی، و نیز سردرگمی ناشی از خلأهای ارتباطی با مسئولان و استادان.

۲- - بازنمایی‌های تجربی و روانی دانشجویان

در لایه نخست، علاوه بر تحلیل چگونگی بازنمایی پدیده سنواتی شدن در اسناد و رسانه‌های مورد بررسی، بر پایه یافته‌های پژوهش، می‌توان به دلایل آشکار دیگری نیز پرداخت که از نگاه دانشجویان و برداشت آن‌ها از علل تأخیر در فراغت از تحصیل به‌دست آمده‌اند. در نخستین سطح از تحلیل چهارلایه‌ای، یعنی سطح آشکار یا پدیداری (Litany)، **دلایل تأخیر در فراغت از تحصیل دانشجویان عمدتاً به‌صورت گزاره‌هایی توصیفی، عینی، و سطحی بازنمایی می‌شوند که بیشتر ناظر بر تجربیات زیسته، موقعیت‌های بحرانی، یا ادراکات فردی دانشجویان است.** این سطح بازتاب‌دهنده‌ی گفتمان غالب رسانه‌ای یا رسمی پیرامون پدیده است و عمدتاً فاقد پیوندهای علی عمیق یا تحلیل‌های ساختاری است. در این چارچوب، مشکلات روانی-عاطفی و ضعف در مدیریت زمان دانشجو در این سطح مورد بحث قرار می‌گیرد.

جدول ۴: مشکلات روانی-عاطفی و ضعف در مدیریت زمان دانشجو به‌مثابه دلیل افزایش سنوآت
بخش قابل توجهی از دانشجویان سنواتی، تجربه زیسته خود را با محوریت بحران‌های عاطفی و روانی توصیف می‌کنند؛ از جمله سوگ از دست دادن یکی از والدین، مراقبت از اعضای بیمار خانواده، تعارضات خانوادگی، شکست‌های عاطفی و احساس انزوا. این وضعیت‌ها منجر به کاهش تمرکز، افت انرژی شناختی، و گسست در تداوم آموزش و پژوهش می‌گردد. گزارش‌های مکرر از دانشجویان نشان می‌دهد که اختلال در تمرکز، ناتوانی در مدیریت زمان، و خستگی مزمن ذهنی از جمله دلایلی است که باعث افت عملکرد آموزشی و پژوهشی آن‌ها می‌شود. این عوامل در مواردی با چندوظیفگی یا هم‌زمانی اشتغال، تدریس و تحصیل تشدید می‌شود.

لایه دوم: عوامل ساختاری

در لایه دوم، تمرکز تحلیل از توصیف‌های سطحی و نشانه‌های ظاهری، به سمت بررسی ساختارهای نهادی، علل اجتماعی، و فرآیندهای نظام‌مند سوق داده می‌شود. هدف، شناسایی نیروها، نهادها، سیاست‌ها، و روابطی است که در شکل‌گیری یا تداوم یک پدیده مؤثرند. تحلیل ساختاری پدیده سنواتی‌شدن، ناظر بر بسترهای نهادی، سازمانی و سیاست‌گذارانه‌ای است که در سطح میانی واقع‌اند و از طریق تأثیر بر نظام آموزش عالی، زمینه طولانی‌شدن دوره تحصیل دانشجویان را فراهم می‌سازند. بر اساس اطلاعات میدانی و تحلیل اسناد، این علل نه مقوله را در بر می‌گیرد.

۱- فقدان راهبرد کلان در سیاست‌گذاری و مدیریت سنوآت

در سطح سیاست‌گذاری کلان دانشگاه، شواهدی از وجود یک راهبرد هدفمند، هماهنگ و بلندمدت برای مواجهه با پدیده سنواتی‌شدن به چشم نمی‌خورد. رویکردها عمدتاً واکنشی و مبتنی بر مقابله انضباطی با پدیده‌اند، نه مبتنی بر پیش‌بینی، تحلیل داده‌محور یا حمایت ساختاری از دانشجویان در معرض ریسک. فقدان سامانه هشدار زودهنگام، نبود طرح‌های مداخله‌ای در سال‌های میانی تحصیل، و فقدان سیاست‌های تسهیل‌گرانه، همگی نشان از خلأ سیاستی در سطح کلان دارند.

۲- پذیرش غیر هدفمند دانشجو: ورود بدون برنامه

از دیگر عوامل مؤثر در بروز تأخیرهای تحصیلی و افزایش پدیده سنواتی شدن، سیاست‌های پذیرش دانشجویان در دانشگاه‌هاست. در برخی موارد، فرآیند جذب دانشجویان تحصیلات تکمیلی نه بر پایه سنجش دقیق ظرفیت‌های علمی، نیازهای تخصصی کشور، یا توانمندی‌های فردی، بلکه صرفاً به منظور حفظ تداوم یا بقای نهادی دانشگاه صورت می‌گیرد. این نوع پذیرش غیرهدفمند، موجب ورود دانشجویانی می‌شود که یا انگیزه علمی کافی ندارند، یا اساساً فاقد مسیر حرفه‌ای روشنی در حوزه پژوهش هستند. از این منظر، گویی دانشگاه به جای ایفای نقش نهادی در تربیت نیروی پژوهشگر، به سمت منطق بازارگرایی بقاء خود حرکت کرده و تبدیل به سازمانی شده است که در جذب حداکثری دانشجو، نفع مالی و آماری را بر کیفیت آموزشی و پژوهشی مقدم می‌داند. این وضعیت در درازمدت، منجر به گسست میان دانشگاه و نیازهای واقعی جامعه علمی می‌شود و نرخ تأخیر، بی‌انگیزگی و حتی ترک تحصیل را افزایش می‌دهد.

۳- بی‌مسئله‌گی در میان دانشجویان تحصیلات تکمیلی

یکی از مسائل پرتکرار در تجربه زیسته دانشجویان تحصیلات تکمیلی، وضعیت «بی‌مسئله بودن» یا «فقدان دغدغه‌مندی پژوهشی» است. بسیاری از دانشجویان در طول چند ترم نخست تحصیل، بدون آن‌که موضوع مشخص یا مسئله‌مند برای تحقیق خود بیابند، در نوعی سرگشتگی علمی به سر می‌برند. این وضعیت منجر به تعویق در انتخاب موضوع پایان‌نامه، تأخیر در نگارش پروپوزال، و در نهایت افزایش مدت زمان تحصیل می‌شود. از این منظر، «بی‌مسئله‌گی» خود به عنوان یک مسئله بنیادین در نظام آموزشی قابل تأمل است و نشانه‌ای است از نبود پیوند مؤثر میان آموزش نظری، دغدغه‌های اجتماعی، و نیازهای واقعی پژوهشی در دانشگاه‌ها.

۴- انسداد معرفتی در نتیجه مقاومت در برابر میان‌رشته‌گی و شبکه‌های علمی باز

ساختار علمی دانشگاه به طور سنتی تک‌رشته‌ای، محافظه‌کار و مقاوم در برابر نوآوری‌های معرفتی است. محدودیت در پذیرش موضوعات میان‌رشته‌ای، فقدان همکاری بین‌دانشکده‌ای و دانشگاهی، و نبود مشوق‌های نهادی برای شبکه‌سازی علمی، منجر به شکل‌گیری انزوای ساختاری در زیست‌بوم علمی می‌شود. در چنین ساختاری، کنش آموزشی و پژوهشی، فاقد ارتباط ارگانیک با جهان علمی بیرونی باقی می‌ماند و ظرفیت دانشجویان برای مشارکت فعال در گفت‌وگوهای علمی جهانی سرکوب می‌شود.

۵- فروپاشی تدریجی نظام هدایت علمی در غیاب ساختارهای کارآمد راهبری آموزشی و پژوهش

فرآیندهای اداری مرتبط با آموزش و تحصیلات تکمیلی، در بسیاری از دانشکده‌های دانشگاه تهران با کندی، ناهماهنگی و شفافیت پایین همراه‌اند. از اخذ مجوز مرخصی تحصیلی تا ثبت پایان‌نامه، از تصویب استاد راهنما تا تعیین نمره، همه مراحل نیازمند پیگیری مستمر و زمان‌بر هستند. علاوه بر این روابط غیرشفاف در فرآیند انتخاب راهنما و مشاور، موجب می‌شود که دانشجویان در مسیر علمی خود دچار بلا تکلیفی، تأخیر یا تغییر مکرر مسیر شوند. این وضعیت نه تنها انگیزه را کاهش می‌دهد، بلکه زمان تحصیل را به شکل قابل توجهی افزایش می‌دهد.

نظام هدایت علمی در دانشگاه‌های ایران فاقد منطق نهادی روشن، چارچوب‌های مشخص نقش‌آفرینی و سازوکارهای منسجم پاسخ‌گویی است. رابطه میان استاد راهنما، مشاور، داور، و گروه آموزشی، به جای یک شبکه منسجم یادگیری و راهبری، به رابطه‌ای آشفته، شخص‌محور و غیرسیستمی تبدیل شده است. این ناکارآمدی نه تنها فرآیند پژوهش را دچار تعلیق و تعارض می‌کند، بلکه نوعی بی‌اعتمادی و ناطمینانی ساختاری در ذهن دانشجو ایجاد می‌نماید که تصمیم‌گیری علمی را مختل می‌سازد.

فرآیندهای اداری مرتبط با امور آموزشی و پژوهشی، به جای آنکه نقش تسهیل‌گر ایفا کنند، در قالب سلسله‌مراتبی سنگین، ناکارآمد و ایستای بوروکراتیک بازتولید می‌شوند. تأخیر در تصویب پروپوزال، ابهام در مسیر داوری، و فقدان پیگیری دیجیتال و شفاف، نشانه‌هایی از ساختارهای مقاومت‌زا در برابر تغییر و چابکی هستند. این سازوکارها عملاً دانشجو را به کنشگری صبور، منفعل و وابسته به روابط غیررسمی بدل می‌کنند که در تضاد با منطق علم‌ورزی مستقل قرار دارد. در این رابطه دانشجویان بارها به موانعی نظیر تأخیر در تصویب پروپوزال، ناهماهنگی در داوری، جلسات نامنظم راهنمایی، و تعویق در ارائه اصلاحات اشاره می‌کنند. این عوامل نه از منظر ساختاری، بلکه به مثابه «تجربه‌های آزاردهنده» و «بی‌نظمی‌های مزمن» در فرایندهای اجرایی توصیف می‌شوند.

۶- غلبه نگاه کمیت‌گرا به تولید پژوهش

یکی از عوامل کلیدی در افزایش سنوات، سیاست‌های سخت‌گیرانه‌ای است که تولید مقاله علمی را به مثابه شرط لازم فراغت از تحصیل در نظر می‌گیرند. در شرایطی که زیرساخت‌های لازم برای پژوهش کیفی، از جمله دسترسی به منابع، داده، آزمایشگاه‌های مجهز و استاد راهنمای فعال فراهم نیست، فشار برای چاپ مقاله در مجلات نمایه‌شده بین‌المللی، فرایند تحصیلی را به شدت کند می‌سازد. از این رو دانشجویان عملاً ناچار به تمدید مکرر سنوات تا دریافت پذیرش مقاله می‌شوند.

۷- فقدان پایگاه‌های اطلاعاتی نظام‌مند در تقویت و تسهیل دسترسی دانشجو در بهره‌گیری از فناوری‌های نوین

نظام آموزش عالی ایران در ایجاد زیرساخت‌های لازم برای پشتیبانی آموزشی و پژوهشی، از جمله بانک‌های اطلاعاتی، دسترسی به منابع علمی، فضاها و تبادل دانش و آموزش روش‌شناسی پژوهش، با کاستی‌های بنیادی روبروست. این وضعیت نه تنها شکاف بین آموزش و پژوهش را تعمیق می‌بخشد، بلکه نشانگر نبود سرمایه ساختاری در حمایت از شکل‌گیری «جامعه آموزشی و پژوهشی» است. در چنین فضایی، آموزش و پژوهش به یک فرایند فردی، پرهزینه و ناهموار بدل می‌شود، نه تجربه‌ای نهادی و نظام‌مند.

۸- ناپایداری وضعیت اقتصاد کلان و ضعف سیاست‌های رفاهی و "ایجاد چرخه معیشت - تحصیل"

افزایش فشارهای اقتصادی و اجتماعی بر دانشجویان، یکی دیگر از عوامل ساختاری سنواتی‌شدن به‌شمار می‌رود. اشتغال هم‌زمان برای تأمین هزینه‌های زندگی، مواجهه با بحران‌های اقتصادی خانوادگی، تردید نسبت به آینده شغلی، و برنامه‌ریزی برای مهاجرت تحصیلی یا شغلی، از جمله مداخلات بیرونی‌اند که مانع تداوم تحصیل با تمرکز کامل می‌شوند. این مداخلات

در بستری از نااطمینانی مزمن، فرایند تحصیل را نه به یک مسیر روشن، بلکه به میدانی از تعلیق و فرسایش تبدیل کرده‌اند. افزون بر این مسائل دورنی از قبیل محدودیت در تخصیص خوابگاه در سنوات اضافی، قطع وام یا کمک‌هزینه پژوهشی پس از ترم مجاز، و حذف تدریجی خدمات بیمه‌ای، سبب می‌شود که دانشجویان فاقد پشتوانه برای ادامه تحصیل در سال‌های پایانی شوند. در چنین شرایطی، دغدغه‌های معیشتی به مانعی مهم برای تمرکز علمی و اتمام به‌موقع تحصیل تبدیل می‌شود.

۹- بی‌انگیزی و فرسایش انگیزشی در مسیر تحصیلی

احساس بی‌فایده بودن تحصیل، دل‌زدگی از موضوع پایان‌نامه، و افت اشتیاق به رشته تحصیلی از جمله مضامین پرتکرار در تجربه‌های زیسته‌ی دانشجویان سنواتی است. این احساسات اغلب با پیش‌بینی منفی نسبت به آینده شغلی یا ادراک از بی‌اثر بودن آموزش و پژوهش در نظام علمی کشور همراه می‌شود.

برآیند ساختاری:

این لایه بر نظام‌ها، سیاست‌ها و فرآیندهای نهادی تمرکز دارد که به صورت سیستماتیک، بستر را برای طولانی شدن دوره تحصیل فراهم می‌کنند.

جدول ۵: مصادیق لایه برآیند ساختاری

ردیف	اسطوره‌ها و استعاره	مصادیق
۱.	سیاست‌گذاری نامشخص و واکنشی	فقدان یک راهبرد کلان، پیشگیرانه و داده‌محور برای مدیریت پدیده سنواتی شدن. رویکرد موجود صرفاً انضباطی و تنبیهی است و نه حمایتی و راهنمایی.
۲.	پذیرش غیرهدفمند	جذب دانشجو بدون توجه به ظرفیت واقعی دانشگاه، انگیزه دانشجو و نیازهای پژوهشی کشور، صرفاً برای پر کردن صندلی‌ها و تأمین درآمد. این امر منجر به ورود افرادی می‌شود که از ابتدا پتانسیل لازم را ندارند.
۳.	بی‌مسئله‌گی پژوهشی	سیستم آموزشی نتوانسته است توانایی "مسئله‌یابی" را در دانشجویان تحصیلات تکمیلی ایجاد کند. فقدان ارتباط بین آموزش‌ها و دغدغه‌های واقعی، منجر به سردرگمی و تأخیر در شروع پژوهش می‌شود.
۴.	انعطاف‌ناپذیری و انزوا	ساختار تکرارشی، بسته و مقاوم در برابر موضوعات میان‌رشته‌ای، امکان نوآوری و همکاری‌های علمی گسترده را از دانشجو می‌گیرد و او را در یک چارچوب محدود و ایزوله محبوس می‌کند.
۵.	نظام هدایت علمی ناکارآمد	رابطه مبهم، شخص‌محور و فاقد چارچوب بین استاد راهنما، دانشجو و گروه آموزشی. این آشفتگی، باعث بلاتکلیفی، بی‌اعتمادی و از دست دادن زمان می‌شود.
۶.	فرآیندهای اداری پیچیده و کند	بوروکراسی دست و پاگیر و غیرشفاف دانشگاه، انرژی و زمان دانشجو را به جای صرف در پژوهش، صرف کاغذبازی و پیگیری‌های فرسایشی می‌کند.
۷.	کمی‌گرایی افراطی	اجباری کردن تعداد مقاله برای فارغ‌التحصیلی، بدون در نظر گرفتن کیفیت پژوهش و فراهم نبودن زیرساخت‌های لازم، دانشجو را مجبور به تمدید سنوات برای رسیدن به یک عدد می‌کند.
۸.	فقدان زیرساخت اطلاعاتی و دیجیتال	ضعف دسترسی به منابع، پایگاه‌های داده و فناوری‌های نوین، روند تحقیق را به شدت کند کرده و دانشجو را در انبوهی از مشکلات فنی تنها می‌گذارد.
۹.	فشارهای معیشتی و ناامنی اقتصادی	هزینه‌های زندگی، نیاز به کار کردن همزمان با تحصیل، و قطع حمایت‌های مالی (وام، خوابگاه) پس از اتمام سنوات مجاز، تمرکز دانشجو را از پژوهش گرفته و او را مجبور به اولویت‌دهی به "معیشت" بر "تحصیل" می‌کند.
۱۰.	فرسایش انگیزه	ترکیب همه عوامل بالا به اضافه احساس بی‌ثمر بودن تحصیل و ناامیدی از آینده شغلی، منجر به بی‌انگیزی عمیق می‌شود که خود بزرگ‌ترین مانع برای به پایان رساندن تحصیلات است.

مشکل سنواتی شدن، ریشه در نقص‌های سیستماتیک و ساختاری دانشگاه دارد. این نظام ناکارآمد، غیرحمایتی و کوتاه‌بین است که با سیاست‌های غلط، فرآیندهای پیچیده و بستر نامناسب، خود به عاملی برای تولید و تشدید تأخیر تبدیل شده است. دانشجوی در این سیستم، بیشتر قربانی یک ساختار معیوب است تا مقصر اصلی.

لایه سوم: گفتمان‌های غالب

این لایه عمیق‌تر از لایه‌های پیشین است و بر نظام‌های معنا و الگوهای ذهنی حاکم بر یک جامعه یا گروه تأکید دارد. در این سطح، مسئله نه تنها به عنوان یک واقعیت بیرونی یا مجموعه‌ای از عوامل علی دیده می‌شود، بلکه در قالب باورها، ایدئولوژی‌ها، گفتمان‌ها و جهان‌بینی‌های غالب معنا می‌یابد. در این لایه بر **نظام‌های معنا و گفتمان‌های غالب** در جامعه تمرکز می‌شود و **ایدئولوژی‌ها، ارزش‌ها و باورها** که چارچوب تحلیل مسئله را تعیین می‌کنند مورد بررسی قرار می‌گیرد. در این لایه هشت گفتمان را می‌توان از یکدیگر متمایز کرد:

۱- **گفتمان کالایی شدن علم و اصالت زدایی از نهاد آموزش عالی به مثابه فروپاشی مرجعیت سنتی دانشگاه:** آنچه امروزه در حال تجربه شدن است اصالت‌زدایی از نهاد علم و نمادهای آموزش عالی است. اگر در گذشته انسان دانشگاهی ارزش تلقی می‌شد و مرجعیت علمی امکانی برای نمادسازی و اسطوره‌سازی بودند اکنون مصرف و ثروت جایگزین آن شده‌اند و علم به مثابه کالای مصرفی در نظر گرفته می‌شود و ارزش آن به میزان سود اقتصادی محدود می‌شود. در چنین جهان بینی همه چیز به محک امر اقتصادی گذاشته می‌شود و نهاد علمی که ارزش افزوده مالی به همراه نداشته باشد؛ فاقد ارزش اجتماعی تلقی می‌شود و تبعیت از آن نوعی هدر دادن زمان و فرصت‌های زندگی محسوب می‌شود در چنین چارچوبی نهاد علم در برابر امر بازار نتوانسته است کالا و محصول مناسبی عرضه کند به همین دلیل اصالت‌زدایی از ارزش‌ها، نمادها و مرجعیت علمی آموزش عالی را موجب شده است. در این گفتمان از یک سو شاهد مرگ استاد-فیلسوف هستیم و استاد دیگر «صاحب‌فکر» نیست، بلکه «مدیر پروژه‌های پژوهشی» است. از سوی دیگر اسطوره‌زدایی از تحصیلات تکمیلی نیز باعث شده است که دکتری نه «رسالت فکری»، بلکه «مسیر شغلی» تعریف شود.

امروزه دانشگاه در میانه دو نیروی متضاد فشار بازار و مسئولیت تاریخی دانشگاه گرفتار آمده است. از یک سو، فشار بازار که می‌خواهد علم را به کالایی مانند هر کالای دیگر تبدیل کند. از سوی دیگر، مسئولیت تاریخی دانشگاه به عنوان حافظ حقیقت و خرد جمعی است. دوگانه‌ای که نظام آموزش عالی ایران نیز با آن درگیر است. در این چارچوب بایستی در پی نظام دانشگاهی بود که هم مقتضیات اقتصادی را بپذیرد و هم اصالت معرفتی خود را حفظ کند. این امر در گرو بازتعریف رابطه علم و اقتصاد نهفته است. اقتصادی کردن علم نباید به معنای انقیاد کامل در برابر بازار باشد، بلکه می‌تواند به معنای تولید دانشی باشد که همزمان هم اصیل و هم مسئله‌محور است.

۲- **گفتمان مقاومت در برابر ساختارهای انضباط‌بخش دانشگاهی:**

این گفتمان مقاومت، بازتابی از بحران مشروعیت در نظام آموزش عالی و شکاف عمیق بین ساختارهای انضباطی دانشگاه و سوژه دانشجویی است که خود را در تقابل با یک «نظم آمرانه» می‌بیند. دانشجوی امروزی در فضایی پر از ناامنی اقتصادی، بی‌ثباتی سیاسی و فروپاشی روایت‌های کلاسیک پیشرفت (مدرک = اشتغال/آرامش) زندگی می‌کند که تجلی یک جامعه

ریسک‌زده و آینده مبهم تلقی می‌شود. در چارچوب این روایت، دانشگاه نه به عنوان «مسیر رهایی»، بلکه به مثابه بخشی از دستگاه‌های کنترل‌گر تفسیر می‌شود. به نحوی که ساختار کلان حکمرانی در ذهم دانشجو به عنوان سیستمی فاسد یا ناکارآمد بازنمایی می‌شود و نهاد دانشگاه را نیز به عنوان زیرسیستمی از همان ساختار سرکوبگر می‌خواند. این دانشجو نظام آموزش عالی را به عنوان بازوهای اجرایی و ابزاری از سوی نظام حکمرانی برای انضباط بخشی و کنترل و تحت انقیاد درآوردن خود تلقی می‌کند و در برابر هر نوع سلطه رسمی و سلسله مراتبی سازمانی مقاومت می‌کند. در این چارچوب قانون‌گریزی و عدم تمکین مقررات دانشگاهی را به عنوان مقاومت و ارزش اجتماعی در برابر ساختارهای متصلب تصویر می‌کند و بی‌اعتنایی به سنواتی شدن در دانشگاه و همچنین ترک تحصیل و یا اخراج را نوعی راهبرد مقابله‌ای در برابر این ساختار می‌داند. در این گفتمان سنواتی شدن یا ترک تحصیل نه به عنوان شکست، بلکه به عنوان «پرهیز از بازیِ ازپیش‌باخته مدرک‌گرایی» تلقی می‌کنند و اخراج تحمیلی به عنوان «نشان افتخار» در گفتمان مقاومت بازتعریف می‌شود. در این گفتمان دانشجو نه «شهروند آکادمیک»، بلکه «زندانی نهاد دانشگاه» تصور می‌شود.

۳- گفتمان زیستن در فضای ابهام و تعلیق زندگی:

نظام آموزش عالی ایران، به‌ویژه در دانشگاه‌های بزرگی مانند دانشگاه تهران، به‌صورت ناخواسته به فضایی تعلیقی تبدیل شده است که مواجهه دانشجویان با واقعیت‌های اقتصادی و اجتماعی را به تأخیر می‌اندازد. این نقش، اگرچه در گذشته نیز وجود داشته، اما در شرایط کنونی با پیچیدگی‌های ساختاری و نااطمینانی‌های فزاینده ترکیب شده و کارکرد محافظتی دانشگاه را تضعیف کرده است. در نتیجه، دانشجویان نه‌تنها از امنیت روانی دوره تحصیل بی‌بهره‌اند، بلکه هرچه بیشتر در معرض فشارهای بیرونی قرار می‌گیرند. از سوی دیگر، نبود ارتباط نظام‌مند بین تحصیل و اشتغال، دانشجویان را در فضایی نامطمئن قرار داده است. بسیاری از آنان ترس از فارغ‌التحصیلی دارند، زیرا پایان تحصیلات به‌معنای ورود به بازاری است که فرصت‌های شغلی پایدار و متناسب با تحصیلات عالی را تضمین نمی‌کند و این امر وضعیت ابهام در چشم‌انداز شغلی را برای آنها ایجاد کرده است. افزون بر این؛ ناپایداری اقتصادی و تأخیر در استقلال مالی به دلیل تورم ساختاری، کاهش ارزش دستمزدها، و دشواری‌های تامین مسکن، امکان برنامه‌ریزی بلندمدت را از دانشجویان سلب کرده است. در چنین شرایطی، تمدید سنوات تحصیلی به راهکاری انفعالی برای به‌تعویق‌انداختن مواجهه با این چالش‌ها تبدیل می‌شود. در این چارچوب دانشجویان امروز در میان‌پارگی^۱ به سر می‌برند؛ از یک سو تحت فشار خانواده و جامعه برای اتمام سریع تحصیلات هستند و از سوی دیگر، با فقدان ابزارهای عینی برای تحقق این انتظارات مواجه‌اند. این تعارض، فرسودگی روانی و انفعال آموزشی را تشدید می‌کند.

۴- گفتمان پناهگاه هویتی دانشگاهی: ترس از زوال هویت دانشجویی

برای بسیاری از دانشجویان، کارت دانشجویی صرفاً یک مجوز اداری نیست، بلکه نماد موقعیت اجتماعی مشروع در ساختار جامعه است. این جایگاه، امتیازات عینی (تخفیف‌ها، دسترسی به منابع دانشگاهی) و امتیازات ذهنی (احترام اجتماعی،

^۱. liminality

پرستیژ تحصیلی) را توأمان ارائه می‌دهد. در شرایطی که سایر نهادهای سنتی هویت‌ساز (مانند خانواده، اشتغال پایدار، یا تشکلهای مدنی) ضعیف شده‌اند، دانشگاه به تنها منبع ساختارمند تعریف خود تبدیل شده است. در این وضعیت خروج از دانشگاه با خروج از چارچوب تعریف شده "دانشجو" و ورود به فضای هویتی فاقد مرجعیت روشن برابر است. در جامعه‌ای که برجسب‌های شغلی (مهندس، دکتر، معلم) جایگاه هویتی تعیین می‌کنند، فقدان موقعیت شغلی پس از تحصیل به معنای سقوط به حاشیه هویتی است و انگ اجتماعی فارغ‌التحصیل بیکار را به همراه دارد. این برجسب نه تنها بیانگر وضعیت اقتصادی، بلکه تحقیر نمادین را نیز به همراه دارد. دانشجویان با تمدید سنوات، از مواجهه با این انگ دوگانه (هم از دست دادن پرستیژ دانشجویی، هم کسب عنوان منفعل "بیکار") اجتناب می‌کنند. در این چارچوب ضعف نهادهای حرفه‌ای (مانند نظام صنفی کارآمد) و نهادهای حمایتی (مانند بیمه‌های بیکاری معنادار)، دانشجویان را به انحصارگرایی هویت دانشگاهی سوق می‌دهد.

ترس از زوال هویت دانشجویی، صرفاً یک مسئله فردی نیست، بلکه بازتاب بحران نهادهای هویت‌ساز در جامعه ایران است. تا زمانی که هویت‌های جایگزین مشروع (مانند شاغل ماهر، کارآفرین، یا فعال مدنی) تقویت نشوند، دانشگاه همچنان به عنوان آخرین سنگر دفاع از خود اجتماعی باقی خواهد ماند.

۵- گفتمان بازگشت به شهرستان به مثابه ناکامی و پایان رویاها و آروزهای دانشجو:

در سطح گفتمانی، پدیده «بازگشت به شهرستان» به عنوان نشانه‌ای از شکست و ناکامی در نظام ذهنی دانشجویان شهرستانی دانشگاه تهران بازنمایی می‌شود. این گفتمان که ریشه در ساختارهای عمیق فضایی-اجتماعی ایران دارد، از چند مؤلفه کلیدی تشکیل شده است:

۱. ساختار فضایی نابرابر: تمرکز شدید منابع اقتصادی، سیاسی و فرهنگی در تهران، این کلانشهر را به تنها میدان ممکن برای تحقق آرزوهای دانشجویان تبدیل کرده است. بر اساس نظریه «امپریالیسم فضایی» هاروی (۲۰۰۱)، این تمرکزگرایی منجر به شکل‌گیری نوعی «جغرافیای امید» شده که در آن تمام مسیرهای پیشرفت حرفه‌ای و اجتماعی تنها از تهران می‌گذرد.

۲. نظام ارزشی تحریف‌شده: در این گفتمان، ماندگاری در تهران به نشانه «شایستگی» و بازگشت به شهرستان به مثابه «ناکامی» بازتعریف می‌شود. این پدیده با مفهوم «خشونت نمادین» بوردیو (۱۹۷۷) قابل توضیح است که در آن نظام ارزشی مسلط، شهرستانی بودن را به عنوان نقصی در سرمایه فرهنگی بازتولید می‌کند.

۳. فرآیند هویت‌یابی: طی دوران تحصیل، دانشجویان به تدریج با سازوکارهای «انطباق هویتی» (گیدنز، ۱۹۹۱) در تهران خو می‌گیرند. این فرآیند شامل: تغییر ذائقه‌های فرهنگی و مصرفی، شکل‌گیری شبکه‌های اجتماعی و عاطفی جدید و بازتعریف معیارهای موفقیت است.

در مواجهه با گفتمان مسلط، دانشجویان به راهبردهایی اجتنابی از قبیل طولانی کردن عمدی دوران تحصیل، پذیرش شغل‌های نامرتبط و حتی ازدواج‌های راهبردی متوسل می‌شوند که همگی نشان‌دهنده مقاومت در برابر بازگشت است.

این نظام بازنمایی منجر به شکل‌گیری «جامعه معلق» از دانشجویانی می‌شود که نه در تهران پذیرفته شده‌اند و نه به شهرستان بازمی‌گردند. و از سوی دیگر تقویت نابرابری‌های منطقه‌ای از طریق خروج مستمر سرمایه‌های انسانی از مناطق پیرامونی را به همراه دارد و این امر بحران هویت در میان نسلی که میان دو فضای اجتماعی متعارض گرفتار شده‌اند را موجب می‌شود. این تحلیل نشان می‌دهد که مسئله بازگشت به شهرستان صرفاً یک انتخاب فردی نیست، بلکه محصول نظام گفتمانی پیچیده‌ای است که ریشه در ساختارهای کلان سیاسی-اقتصادی و اجتماعی-فرهنگی کشور دارد.

۶- گفتمان اقتدار استادمحور و تداوم رویکردهای غیرسیستمیک: تداوم هژمونی دانایی از بالا

این گفتمان بر یک نظم سلسله‌مراتبی در تولید علم استوار است که در آن، استاد راهنما و نهاد دانشگاهی به عنوان مرجع نهایی تشخیص صلاحیت علمی دانشجو ایفای نقش می‌کنند. رابطه دانشجو با استاد راهنما، بیشتر از آنکه مبتنی بر مشارکت علمی باشد، از جنس فرمان‌برداری آکادمیک است. نظام تصمیم‌گیری در حوزه پژوهش در این گفتمان نامتقارن، یک‌طرفه، و مبتنی بر روابط سلطه است که موجب شکل‌گیری «دانشجوی منفعل» و احساس بی‌قدرتی در فرآیند تحقیق می‌شود. این گفتمان با پشتوانه مفاهیمی همچون «پیش‌کسوتی»، «اقتدار معرفتی» و «مالکیت استاد بر پروژه» بازتولید می‌شود و مانعی جدی برای استقلال پژوهشی دانشجو به شمار می‌آید. این امر باعث کاهش احساس تعلق به پروژه پژوهشی و بی‌انگیزگی از سوی دانشجو می‌شود. در این چارچوب گفتمانی، به جای تأکید بر یادگیری، تجربه، یا حل مسئله، تمرکز بر «محصول نهایی قابل انتشار» است که ارزش پژوهش را تعیین می‌کند. این نگرش، تولید پایان‌نامه را به ابزاری در خدمت نظام رقابت علمی (Publish or Perish) تبدیل کرده و انگیزه‌های وجودی پژوهش را تحت‌الشعاع منافع ابزاری قرار می‌دهد. دانشجویانی که پژوهش آن‌ها «قابل چاپ» نیست، یا موضوعات میان‌رشته‌ای یا انتقادی انتخاب می‌کنند، در این گفتمان، بی‌ارزش یا «ناکارآمد» تلقی می‌شوند. این درحالی است که بایستی تأثیر اجتماعی پژوهش‌ها بیشتر مبنا قرار گیرد.

۷- گفتمان صوری‌گرایی بوروکراتیک: تبدیل نظام آموزشی و پژوهشی به تشریفات اداری

در این گفتمان، نظام آموزشی و پژوهشی نه به مثابه یک تجربه آموزشی و پژوهشی معنادار، بلکه به عنوان یک مجموعه از مراحل اداری و چک‌لیست‌های ساختاری دیده می‌شود. فشار بر رعایت قالب‌ها، قواعد فرمی، و چارچوب‌های شکلی، موجب می‌شود محتوای علمی به حاشیه رانده شود و دانشجو انرژی خود را صرف پاسخ به الزامات اداری و صوری کند. این گفتمان با واژگان و مفاهیمی چون «هماهنگی اداری»، «جلسات شورای آموزشی و پژوهشی»، «موافقت‌نامه‌های فرمی» و غیره توجیه می‌شود و اغلب با طولانی شدن زمان پژوهش، بی‌رمقی علمی و فرسودگی آموزشی همراه است. این گفتمان نه تنها عامل افزایش سنوات تحصیلی است، بلکه با ایجاد «صنعت مدرک‌سازی» (مطابق مفهوم کالینز، ۱۹۷۹) کیفیت آموزش عالی را به خطر انداخته است. حل این مسئله مستلزم بازاندیشی در مبانی فلسفی نظام آموزش عالی و گذار از «حکمرانی اداری» به «حکمرانی علمی» است.

۸- گفتمان نادیده‌انگاری زیست روانی دانشجو: خاموشی سوژه در سازوکارهای آکادمیک

این گفتمان نادیده‌انگاری زیست روانی دانشجو، یکی از چالش‌های عمیق نظام‌های آکادمیک معاصر است که با رویکردی مکانیکی و ابزاری، دانشجو را صرفاً به‌عنوان یک «سوژه تولیدکننده دانش» می‌نگرد و از ابعاد انسانی و روان‌شناختی او غافل می‌شود. در حالی که ممکن است درگیر بحران‌های روانی، دلهره‌های مالی، یا فشارهای زیستی باشد؛ بلکه مانند «ماشینی علمی» تصور می‌شود که باید در بازه مقرر، محصول علمی تولید کند. فقدان نظام حمایت روانی، بی‌توجهی به بحران‌های عاطفی و درماندگی در برابر فشارهای چندجانبه، از پیامدهای رایج این گفتمان است. این نگاه «غیرانسان‌ساز» منجر به فرسودگی عاطفی، اضطراب نهادینه‌شده و انزوا در نظام آموزشی و پژوهشی در میان دانشجویان می‌شود.

این گفتمان، محصول نظامی است که «کارایی» را بر «مراقبت» ترجیح می‌دهد و در آن، دانشجو نه به‌عنوان یک انسان دارای ابعاد پیچیده، بلکه به‌عنوان یک «ابژه علمی»^۱ تصور می‌شود. تغییر این پارادایم نیازمند بازاندیشی در فلسفه آموزش عالی و پذیرش این اصل است که تولید دانش پایدار بدون توجه به سلامت روان و شرایط زیست‌جهان دانشجویان ممکن نیست

برآیند گفتمان‌ها:

این لایه به «نظام‌های معنایی» و «الگوهای ذهنی» حاکم بر فضای دانشگاهی می‌پردازد که چگونه مسئله «تأخیر تحصیلی» را تعریف و تفسیر می‌کند.

جدول ۶: مصادیق برآیند گفتمان‌ها

ردیف	اسطوره‌ها و استعاره	مصادیق
۱.	گفتمان کالایی شدن علم	علم از یک «ارزش ذاتی» به یک «کالای اقتصادی» تقلیل یافته است. موفقیت دانشگاهی نه با «کشف حقیقت»، بلکه با «سودآوری اقتصادی» و «قابلیت فروش» در بازار تعریف می‌شود. این نگاه، مرجعیت سنتی دانشگاه و اساتید را تخریب کرده است.
۲.	گفتمان مقاومت	دانشجو، دانشگاه را نه نهادی برای پیشرفت، بلکه بخشی از یک «ساختار سرکوبگر» حکمرانی می‌بیند. بنابراین، رفتارهایی مانند سنواتی شدن یا ترک تحصیل، یک اقدام مقاومتی در برابر یک «نظام آمرانه» و یک «بازی ازپیش‌باخته» تفسیر می‌شود.
۳.	گفتمان تعلیق و ابهام	دانشگاه به یک «فضای میانی» و تعلیقی تبدیل شده که مواجهه دانشجو با واقعیت‌های سخت اقتصادی و اجتماعی را به تأخیر می‌اندازد. دانشجو در این فضا، در حالتی از بلاتکلیفی، ترس از آینده و ناتوانی در برنامه‌ریزی بلندمدت به سر می‌برد.
۴.	گفتمان پناهگاه هویتی	در جامعه‌ای که نهادهای سنتی هویت‌ساز (خانواده، شغل پایدار) تضعیف شده‌اند، کارت دانشجویی تنها منبع مشروع برای هویت اجتماعی است. ترس از دست دادن این هویت و تبدیل شدن به یک «فارغ‌التحصیل بیکار»، انگیزه اصلی برای ماندن در دانشگاه است.
۵.	گفتمان شکست بازگشت به شهرستان	در این ذهنیت، «ماندن در تهران» مساوی با موفقیت و «بازگشت به شهرستان» مساوی با شکست و ناکامی تفسیر می‌شود. این گفتمان که ریشه در نابرابری شدید امکانات دارد، دانشجو را به هر قیمتی، حتی طولانی کردن بی‌هدف تحصیل، به ماندن در پایتخت ترغیب می‌کند.
۶.	گفتمان اقتدار استادمحور	رابطه استاد و دانشجو یک رابطه سلسله‌مراتبی و یک‌طرفه است، نه یک مشارکت علمی. این گفتمان که بر «هژمونی دانایی از بالا» استوار است، استقلال، خلاقیت و انگیزه درونی دانشجو را نابود می‌کند.
۷.	گفتمان صوری‌گرایی بوروکراتیک	تمرکز سیستم بر «رعایت فرم‌ها و تشریفات اداری» است، نه بر «محتوای علمی و کیفیت آموزش». این گفتمان، دانشجو و استاد را درگیر چرخه‌ای بی‌پایان از کاغذبازی می‌کند و انرژی آنان را برای کار واقعی پژوهشی می‌گیرد.

^۱ Object (English) or objet (France)

ردیف	اسطوره‌ها و استعاره	مصادیق
۸.	گفتمان نادیده‌انگاری زیست روانی	نظام دانشگاهی، دانشجو را به عنوان یک «ماشین تولید علم» می‌بیند و ابعاد انسانی، عاطفی و مشکلات روانی او (استرس، اضطراب، فشار مالی) را کاملاً نادیده می‌گیرد. این نگاه، به فرسودگی شدید روانی منجر می‌شود.

در این لایه، مسئله تأخیر تحصیلی صرفاً یک مشکل «فنی» یا «ساختاری» نیست؛ بلکه عمیقاً ریشه در بحران معنایی دارد. دانشجو در میدانی از گفتمان‌های متضاد و آسیب‌زا گرفتار شده است که از یک سو او را به سمت کالایی شدن می‌راند و از سوی دیگر هویت او را نادیده می‌گیرد. تا زمانی که این «چارچوب‌های ذهنی» مسلط تغییر نکنند، هر راهکار اجرایی ممکن است با مقاومت یا تحریف معنایی مواجه شود.

لایه چهارم: معانی و اسطوره ها

تحلیل لایه اسطوره‌ای/نمادین در پدیده‌ی سنواتی شدن دانشجویان، ما را از سطح توصیف‌های آماری، مشکلات اداری یا چالش‌های فردی فراتر می‌برد و به حوزه‌ی معنا، تصور، زبان و ناخودآگاه جمعی نزدیک می‌سازد. در این لایه، هر عامل، صرف‌نظر از منشأ عینی‌اش، در قالب یک «روایت نمادین» یا «اسطوره‌ی معنادار» بازنمایی می‌شود؛ گویی ساختار ذهنی و زبانی دانشجویان، این پدیده را از سطح یک مسئله اجرایی به سطح یک تجربه وجودی و تاریخی ارتقا می‌دهد. در این لایه، پدیده سنواتی شدن نه به عنوان یک مسئله صرفاً اداری یا فردی، بلکه به مثابه نمادین‌ترین تجربه زیسته دانشجویان در مواجهه با نهاد دانشگاه و جامعه تحلیل می‌شود. اسطوره‌ها و استعاره‌های زیر، چارچوب‌های ذهنی و ناخودآگاه جمعی را نشان می‌دهند که بر رفتار دانشجویان و بازنمایی این پدیده تأثیر می‌گذارند. در ادامه، اسطوره‌های اصلی مستخرج از توصیف‌های اولیه معرفی و تحلیل می‌شوند.

- اسطوره «آسانسور اجتماعی شکسته»: دانشگاه به مثابه نردبان ترک‌خورده

اسطوره «آسانسور اجتماعی شکسته» استعاره‌ای گویا از فروپاشی یکی از بزرگترین وعده‌های جوامع مدرن است؛ این باور عمومی که دانشگاه به عنوان نردبان بی‌خطری عمل می‌کند که با آموزش، نسل‌ها را به طبقات بالاتر اقتصادی و اجتماعی ارتقا خواهد داد. اما امروزه این آسانسور گیر کرده است؛ مدرک دانشگاه دیگر ضمانتی برای شغل مناسب، درآمد پایدار یا تحرک اجتماعی نیست، بسیاری از فارغ‌التحصیلان با کوهی از بدهی، بازار کار اشباع‌شده و شکافی فزاینده بین مهارت‌های آموخته‌شده و نیازهای واقعی اقتصاد مواجهند. این پارادایم شکسته، نه تنها بحران بی‌اعتمادی به آموزش عالی، بلکه زوال رویای زندگی بهتر از طریق تحصیلات را نشان می‌دهد و پرسش‌هایی بنیادین درباره عدالت، برابری فرصت‌ها و ساختارهای تثبیت‌شده قدرت در جامعه مطرح می‌کند. این استعاره، شکست دانشگاه در تحقق وعده‌های پیشرفت را بازتاب می‌دهد.

- اسطوره «برزخ دانشجویی»: دانشگاه به مثابه فضایی از تعلیق و بلاتکلیفی

اسطوره «برزخ دانشجویی» دانشگاه را به عنوان فضایی از تعلیق و بلاتکلیفی هستی‌شناختی به تصویر می‌کشد؛ قلمروی میانی که دانشجوی به اصطلاح سنواتی در آن نه به عنوان یک دانشجوی عادی شناخته می‌شود و نه به عنوان یک فارغ‌التحصیل وارد جامعه شده است. این برزخ، بیش از آن که یک وضعیت اداری باشد، بازتاب ترسی عمیق‌تر است: خروج از پناهگاه امن «هویت دانشجویی» که به عنوان آخرین سنگر مشروعیت اجتماعی و بهانه‌ای موجه برای به تعویق انداختن مواجهه با جهان بیرون عمل می‌کند. در این سوژه‌یت معلق، ماندن در دانشگاه اگرچه همراه با سرخوردگی است، اما همچون حفاظی در برابر دو پرتگاه ترسناک پس از فارغ‌التحصیلی احساس می‌شود؛ سقوط به «جهنم بیکاری» و بی‌اعتباری اجتماعی، یا پرتاب شدن به سوی «بهشت موهوم اشتغال» که رویایی دست‌نیافتنی و پر از فشارهای جدید به نظر می‌رسد. بنابراین، این برزخ انتخاب شده، در واقع نوعی مقاومت در برابر آینده‌ای نامعلوم و نشانی از بحران معنا در نسلی است که به وعده‌های پیشین درباره آینده‌ای روشن پس از تحصیل بی‌اعتماد شده است.

- کلید زنگ‌زده مدرک: افول ارزش مدرک در نگاه دانشجویان

دانشجویانی که سال‌ها برای گرفتن مدرک تلاش کرده‌اند، اکنون احساس می‌کنند مدرک دیگر آن شأن و قدرت سابق را ندارد. برای آن‌ها، مدرک دانشگاهی دیگر «کلید» نیست؛ نه گشاینده درهای شغلی، نه عامل تمایز اجتماعی. به

تعبیر دیگر در شرایط امروز جامعه ایرانی گویی با کلید مدرک دانشگاهی هیچ قفلی باز نمی‌شود. این احساس، به ناامیدی و تردید بدل می‌شود؛ چرا که آنان خود را در مسیری دیده‌اند که پایانش بی‌حاصل بوده است. در ذهن بسیاری، مدرک نه نتیجه، بلکه سندی فرسوده است که گاه بیشتر باعث خجالت است تا افتخار. بنابراین فراغت از تحصیل هم اگر برسد، شبیه پایان یک دوره پر از تردید است تا نقطه‌ای برای آغاز. در این فضا، مدرک مانند اسکناس بی‌پشتوانه‌ای است که ظاهراً ارزش دارد اما در بازار واقعی کار نمی‌کند و گویی فقط در محیط دانشگاه اعتبار دارد.

– دانشجوی ابدی یا تحصیل تا ابد: تبدیل دانشگاه به مثابه دویدن روی تردمیل

اسطوره «دانشجوی ابدی» یا «تحصیل تا ابد»، تصویری از دانشگاه به مثابه یک مارا تن فرساینده و بی‌پایان ترسیم می‌کند که در آن، دانشجو سال‌ها در حال دویدن است، اما هرگز حس نمی‌کند به مقصدی مشخص یا پیشرفتی واقعی دست یافته است. این مسیر دیگر خطی و پیشرونده نیست، بلکه به تدریج از حالت «تحصیل» به «ادامه‌ی تحصیل»، سپس به «طولانی‌شدن» و در نهایت به «ماندن محض» و «گیر کردن» در حلقه‌ای بسته تنزل یافته است. برای بسیاری، دانشگاه نه یک محیط پویا و انگیزه‌بخش، که فضایی کُش‌دار، فرسایشی و عاری از هرگونه چشم‌انداز روشن تبدیل شده است؛ تجربه‌ی زیسته‌ی آنان همچون دویدن در مسیری بی‌نهایت است که نه پایانش معلوم است و نه نشانه‌ای از مقصد، به بیان دیگر دانشجو روی تردمیل می‌دود اما به جایی نمی‌رسد. در مواجهه با این بن‌بست هستی‌شناختی، برخی دانشجویان سنواتی با اتکا به یک مقاومت نمادین، هویت خود را در قالب اسطوره‌ی «حکیم جاودانه» مانند مولوی یا ابن‌سینا بازتعریف می‌کنند. آنان ادعا می‌کنند که «تحصیل» را نه برای کسب مدرک، که برای عشق به دانش و طلب حکمت دنبال می‌کنند. این روایت، که نوعی معنابخشی به وضعیت تعلیق است، آنان را قادر می‌سازد تا هویت خود را از قید چارچوب زمانی محدودکننده‌ی دانشگاهی رها سازند و خود را فراسوی گفتمان مسلط «مدرک‌محوری» قرار دهند. بنابراین، اسطوره‌ی دانشجوی ابدی، هم بازتاب شکست ساختاری نظام آموزشی است و هم راهبردی برای بقای نمادین در فضایی که عامل تحرک اجتماعی آن از کار افتاده است.

– اسطوره «قربانی شدن در آئین دانشگاهی» یا «رنج مقدس موفقیت»

اسطوره «قربانی شدن در آئین دانشگاهی» یا «رنج مقدس موفقیت»، دانشگاه را به معبدی تبدیل می‌کند که در آن دانشجو به مثابه قربانی آیینی «بت مدرک» تصویر می‌شود. در این نگرش، فرآیند دردناک و طاقت‌فرسای پایان‌نامه‌نویسی و سنواتی شدن، نه یک اشکال ساختاری، بلکه یک آزمون ضروری برای سنجش استقامت و لیاقت فرد تعبیر می‌شود؛ گویی که «بدون رنج، فراغت از تحصیل مشروعیت ندارد». این رنج خودخواسته یا تحمیلی، که در قالب شب‌بیداری، بی‌پولی و فرسودگی روانی متجلی می‌شود، به مکانیسمی برای معنابخشی به مسیر تحصیل تبدیل شده و ارزش مدرک را نه بر اساس دانش کسب‌شده، که بر میزان درد متحمل‌شده می‌سنجد. بنابراین، دانشجویان در یک «برزخ دانشجویی» معلق، خود را ملزم به تحمل این درد می‌بینند تا از سقوط به «جهنم بیکاری» پس از فارغ‌التحصیلی در امان بمانند و از طرفی، با تقدیس رنج، بر شکست «آسانسور اجتماعی» سرپوش می‌گذارند و وانمود می‌کنند که این مسیر سخت و طاقت‌فرسا، تنها راه مشروع برای کسب جایگاه اجتماعی است.

– گرداب سنوات یا در گل گیر کردن: بلعیده شدن در زمان کش دار و بی افق

اسطوره «گرداب سنوات» یا «در گل گیر کردن»، استعاره‌ای است از تجربه بلعیده شدن در یک زمان کش دار و بی‌ریتیم که هر گونه احساس پیشروی و کنترل را از دانشجو سلب می‌کند. در این وضعیت، فرآیند فراغت از تحصیل و دفاع از پایان‌نامه نه به عنوان یک نقطه پایان روشن، که به بخشی از یک چرخه معیوب و بی‌پایان تبدیل می‌شود؛ چرخه‌ای که هر تلاش برای فرار از آن، تنها فرد را در لایه‌های عمیق‌تر ناامیدی و تعلیق فرو می‌برد. زمان در این گرداب، نه متوقف می‌شود و نه پیش می‌رود، بلکه به شکلی بیمارگونه کش می‌آید و تهی از هرگونه ساختار معنادار می‌شود؛ ترم‌ها و سال‌ها در هم می‌آمیزند و تنها چیزی که باقی می‌ماند، توالی خسته‌کننده‌ای از تأخیرها، موانع اداری و تعویق‌های پی در پی است. این بی‌افق بودن، هسته اصلی رنج است: دانشجو نه تنها نمی‌داند این وضعیت چگونه به پایان خواهد رسید، بلکه اساساً توانایی تصور یک آینده متفاوت را از دست می‌دهد. در این فضای ساکن و خفه‌کننده، برنامه‌ریزی بی‌معنا می‌شود و جای خود را به نوعی فلج اراده و انفعال می‌دهد. بنابراین، این گرداب تنها یک مشکل اداری نیست، بلکه یک بحران هستی‌شناختی است که فرد را در حلقه‌ای بسته از ناامیدی، سردرگمی و از دست دادن تدریجی انگیزه محبوس می‌کند و او را از هر گونه امکان حرکت به سوی آینده‌ای روشن تهی می‌سازد.

گرداب سنوات فقط زمان را نمی‌رباید، بلکه هویت دانشجو را نیز دگرگون می‌کند. هر ترم اضافی، بخشی از اعتماد به نفس، امید به آینده و حتی تعریف خود از خویشتن را تحلیل می‌برد. دانشجو کم‌کم از «کسی که در حال تحصیل است» به «کسی که گیر کرده است» تبدیل می‌شود.

این اسطوره، به نوعی حلقه اتصال مکمل اسطوره‌های پیشین است: فرد در «برزخ دانشجویی» معلق است، توسط آیین «رنج مقدس» قربانی می‌شود، و در نهایت توسط «گرداب سنوات» بلعیده می‌شود، در حالی که «آسانسور اجتماعی شکسته» هیچ راه خروجی را برای او متصور نیست.

– دانشگاه به مثابه زندان نامرئی خودخواسته: انباشت نارضایتی از ساختارهای اداری و روابط قدرت

اسطوره دانشگاه به مثابه زندان نامرئی خودخواسته استعاره‌ای است که تجربه زیسته دانشجوی سنواتی را به مثابه حبسی خودخواسته اما غیرقابل فرار ترسیم می‌کند. در این نگرش، دانشگاه نه یک نهاد دانش‌افزا، که ساختمانی است محصور با قواعدی خشک، غیرمنعطف و اغلب نامرئی که هر حرکت را کنترل و هر ابتکار را خفه می‌کند. دانشجو در این فضا، دیگر نقش پژوهشگر یا کنشگر را ندارد، بلکه به «منتظری» منفعل تبدیل شده است که در انتظار امضا، موافقت، تشکیل جلسه، و صدور مجوزهای اداری به سر می‌برد. این احساس کنترل بیرونی مطلق، همراه با نادیده گرفته شدن و ناتوانی در تغییر شرایط، تصویری از یک نهاد وانضباطی و بی‌انعطاف را در ذهن او حک می‌کند.

اما وجه تراژیک این اسطوره در «خودخواسته» بودن آن نهفته است: درهای این زندان قفل فیزیکی ندارند، بلکه با میله‌های نامرئی شرم (از شکست احتمالی)، ترس (از مواجهه با آینده‌ای بیرون از هویت دانشجویی)، و سرمایه‌گذاری هیجانی و زمانی سنگین (که رفتن را برابر با باخت کامل می‌کند) محافظت می‌شوند. دانشجو در دامی گرفتار آمده که خود نیز در ساختن آن مشارکت داشته است؛ او هم زندانی است و هم زندانبان خویش. این تعلیق اجباری، دانشگاه را از یک محیط الهام‌بخش به یک دستگاه بوروکراتیک خسته‌کننده تبدیل می‌کند که در آن زمان به ظاهر متوقف شده، اما در واقع به شکل رنج‌آوری کش می‌آید و فرد را در حالتی از انفعال و درماندگی نگه می‌دارد. این اسطوره، حلقه

نهایی زنجیره شکست است: فرد در «گرداب سنوات» غرق شده، توسط «آیین قربانی» محبوس گشته، و اکنون در «زندان خودخواسته» ای که خود نیز در نگهداری آن نقش دارد، گرفتار آمده است.

– صعود در مه غلیظ کوهستان: سردرگمی و ابهام سیستماتیک

اسطوره «صعود در مه غلیظ کوهستان» استعاره‌ای است از تجربه بنیادین سردرگمی و ابهام در فرآیند پایان‌نامه‌نویسی، که هسته مشترک بسیاری از رنج‌های دانشجوی سنواتی را تشکیل می‌دهد. در این نگرش، مسیر پژوهشی نه یک جاده مشخص و نشانه‌گذاری شده، بلکه همچون صعودی طاقت‌فرسا در دل کوهستانی مه‌آلود است که در آن هیچ مسیر واضحی وجود ندارد. این مه، سه‌گانه و تمام‌عالم است: فکری (نداشتن ایده روشن، تضاد نظریات اساتید)، ساختاری (نبود راهنمایی مستمر و حمایت علمی منسجم) و نهادی (فرآیندهای اداری مبهم و غیرشفاف). دانشجو در این میانه، همچون کوهنوردی تنه‌است که باید بدون نقشه، قطب‌نما یا راهنمای مطمئن، خود راهش را در میان این ابهام لایه‌لایه پیدا کند. هر قدم به پیش، ممکن است به پرتگاه اشتباه باشد و هر صدا (راهنمایی یک استاد) ممکن است با پژواکی همراه‌کننده از سوی استادی دیگر پاسخ داده شود. این شرایط، خستگی و بی‌انگیزگی را نه به عنوان یک ضعف شخصی، که به عنوان پیامدی کاملاً طبیعی و اجتناب‌ناپذیر از مواجهه مداوم با بن‌بست و نااطمینانی ساختاری تولید می‌کند.

– شکست پنهان: تجربه شرم، حذف و دیده‌نشدن در سیستم آموزشی

اسطوره «شکست پنهان» پرده از یک تابوی اجتماعی-آموزشی برمی‌دارد: شکست در گذار از دانشگاه، امری نامرئی و غیرقابل گفت‌وگوست. در این نگرش، دانشجوی سنواتی نه یک کنشگر، که یک «شاهد خاموش» است که تجربه زیسته‌اش در هیاهوی نهاد دانشگاه حذف آرام شده است. این حذف، نه از طریق اخراج یا تکذیب مستقیم، که از طریق مکانیسم‌های نامرئی بی‌اعتنایی ساختاری (نبود سیستم پشتیبانی روانی-آکادمیک)، سکوت اداری (عدم پیگیری فعال یا ارائه راهکار) و فقدان گفتمان (نبود زبان و فضای امن برای بازگو کردن این تجربه) اعمال می‌شود.

این سکوت نهادینه شده، رنج فردی را دوچندان می‌کند؛ چرا که شکست، از یک مسئله نهادی به یک شرم شخصی و احساس گناه تبدیل می‌شود. دانشجو خود را مقصر می‌پندارد و در انزوا، این باور را درونی می‌کند که لیاقت دیده شدن یا حمایت را ندارد. اینجاست که این اسطوره با اسطوره «قربانی شدن در آیین دانشگاهی» پیوندی ناگسستنی می‌یابد: سیستم آموزشی نه تنها دانشجو را به قربانی کردن سال‌های عمرش وامیدارد، بلکه پس از آن، قربانی کردن صدای او و حقش برای سخن گفتن از رنجش را نیز طلب می‌کند. او باید هم رنج بکشد و هم درباره رنجش سکوت کند. بنابراین، «شکست پنهان» آخرین حلقه زنجیره اسطوره‌هاست؛ این توضیح می‌دهد که چرا تمامی آن گرداب‌ها، زندان‌ها و مه‌های غلیظ در انزوا و سکوت رخ می‌دهند و چرا جامعه دانشگاهی ترجیح می‌دهد به جای حل مسئله، صورت مسئله را پاک کند. این اسطوره، فرآیند حذف سیستماتیک صدایی است که قرار بود توسط خود سیستم آموزش دیده و بلند شود. این اسطوره‌ها، به مثابه لایه‌ای پنهان ولی قدرتمند، بر تجربیات زیسته دانشجویان سایه می‌افکنند و ادراک آن‌ها را از تأخیر، شکست، موفقیت و دانشگاه شکل می‌دهند. هر چه تأخیر طولانی‌تر می‌شود، اسطوره‌ها نیز عمیق‌تر ریشه می‌دوانند و بر ساختار روانی و فرهنگی دانشجویان اثرگذارتر می‌شوند. فهم این نظام نمادین برای طراحی مداخلات معنادار در حوزه سیاست‌گذاری آموزشی، حیاتی است. سیاستی که صرفاً بر اساس زمان‌بندی یا سازوکارهای اداری برنامه‌ریزی شده باشد، بدون شناسایی این لایه‌های معنایی، محکوم به شکست است.

برآیند استعاره‌ها:

تحلیل لایه اسطوره‌ای پدیده سنواتی شدن، نشان می‌دهد که این مسئله صرفاً یک مشکل اداری یا فردی نیست، بلکه به یک تجربه وجودی و نمادین تبدیل شده است که در قالب استعاره‌های قدرتمندی در ناخودآگاه جمعی دانشجویان بازتاب می‌یابد. این اسطوره‌ها چارچوبی برای درک رنج ساختاریافته و معنابخشی به وضعیت بن‌بست فراهم می‌کنند.

جدول ۷: مصادیق برآیند استعاره‌ها

ردیف	اسطوره‌ها و استعاره	مصادیق
۱.	آسانسور اجتماعی شکسته	نماد فروپاشی وعده پیشرفت از طریق تحصیل و بی‌اعتمادی به دانشگاه به عنوان نردبان تحرک اجتماعی.
۲.	برزخ دانشجویی	بازنمایی دانشگاه به عنوان فضای تعلیق بین هویت دانشجویی و هراس از مواجهه با آینده‌ای نامعلوم در بیرون.
۳.	مدرک بی‌پشتوانه	درک افول ارزش مدرک دانشگاهی به عنوان «کلیدی» که هیچ قفلی را باز نمی‌کند.
۴.	رنج مقدس/قربانی آیینی	تقدیس رنج پایان‌نامه به عنوان آزمونی برای مشروعیت‌بخشی به مدرک و پوشاندن شکست ساختاری.
۵.	گرداب سنوات	تجربه بلعیده شدن در زمان بی‌ریتم و کش‌دار که کنترل و اراده فرد را سلب می‌کند.
۶.	زندان خودخواسته	تصور دانشگاه به عنوان نهادی زندان‌گونه با میله‌های نامرئی شرم، ترس و سرمایه‌گذاری از دست رفته.
۷.	صعود در مه غلیظ	استعاره از ابهام سیستماتیک و نبود راهنمایی در فرآیند پژوهش که هسته اصلی سردرگمی است.
۸.	شکست پنهان	تابوی سکوت و حذف اجتماعی پیرامون شکست، که رنج را به شرمی شخصی و غیرقابل بیان تبدیل می‌کند.

این اسطوره‌ها نه تنها توصیف‌کننده وضعیت هستند، بلکه سازنده واقعیت روانی و اجتماعی دانشجویانند. آن‌ها به طور ارگانیک به هم پیوند خورده و یک چرخه معیوب را تشکیل می‌دهند: فرد در گرداب زمان گیر می‌کند؛ زیرا در مه ابهام سردرگم است؛ برای تحمل این وضعیت، رنج خود را مقدس می‌شمارد و در برزخ یک زندان خودخواسته می‌سازد؛ همه اینها در حالی است که می‌داند آسانسور شکسته است و مدرک ارزش خود را از دست داده؛ و در نهایت، هیچ‌کس از شکست پنهان او سخن نمی‌گوید.

فهم این نظام نمادین برای هرگونه مداخله سیاستی حیاتی است. راه‌حل‌های صرفاً اداری و کمی که این لایه عمیق معنایی را نادیده بگیرند، محکوم به شکست هستند. پایان دادن به پدیده سنواتی شدن مستلزم شکستن این چرخه اسطوره‌ای از طریق شفافیت، حمایت واقعی، بازتعریف ارزش مدرک و ایجاد فضایی برای گفت‌وگو درباره شکست است.

نتیجه گیری

پدیده سنواتی شدن دانشجویان در دانشگاه تهران، به‌ویژه در مقاطع تحصیلات تکمیلی، را نمی‌توان صرفاً یک «مشکل اداری» یا «نقص فردی» تلقی کرد. این پدیده، در واقع، نشانه‌ای آسیب‌شناختی از یک بحران چندلایه در نظام آموزش عالی ایران است که ریشه در تعامل پیچیده عوامل ۱- ساختاری، ۲- نهادی، ۳- گفتمانی و ۴- روانی-اجتماعی دارد. یافته‌های این تحقیق، که با رویکرد تحلیل لایه‌ای علی (CLA) و با بهره‌گیری از چارچوب‌های نظری جامعه‌شناختی و روان‌شناختی انجام شده، نشان می‌دهد که مسئله سنواتی شدن را باید در چهار سطح کلیدی فهمید:

۱. **در سطح آشکار (لیتانی):** مسئله عمدتاً به شکل ۱- آماری و ۲- انضباطی بازنمایی می‌شود. دانشجو به عنوان «مقصر اصلی» و عامل بی‌نظمی فردی قلمداد می‌شود و پاسخ نهاد دانشگاه نیز عموماً محدود به اعمال محدودیت‌های رفاهی و مالی است. این نگاه تقلیل‌گرا نه تنها مسئله را حل نمی‌کند، بلکه با ایجاد حس شرم و طرد، بر عمق بحران می‌افزاید.

۲. **در سطح ساختاری:** عوامل متعددی از جمله فقدان ۱- راهبرد کلان مدیریت سنوات، ۲- پذیرش غیرهدفمند دانشجوی، ۳- نظام ناکارآمد هدایت و راهنمایی علمی، ۴- فقدان حمایت‌های روانی و مالی در سنوات اضافه، ۵- پیچیدگی و کندی فرآیندهای بوروکراتیک، و ۶- فشار برای تولید مقاله بدون پشتیبانی لازم، زمینه‌ساز اصلی تعلیق تحصیلی دانشجویان هستند. این عوامل نشان می‌دهد که ساختار نهاد دانشگاه خود، نقش تعیین‌کننده‌ای در تولید و تداوم این پدیده دارد.

۳. **در سطح گفتمانی:** گفتمان‌های مسلط بر فضای دانشگاهی، از جمله ۱- کالایی شدن علم، ۲- اقتدار استادمحور غیرمنعطف، ۳- صوری‌گرایی اداری، ۴- نادیده‌انگاری زیست جهان دانشجو و به‌ویژه ترس از زوال هویت دانشجویی و بازگشت به شهرستان به مثابه شکست، دانشجو را در موقعیتی پارادوکسیکال قرار می‌دهند که ماندن در دانشگاه را با همه رنج‌هایش به انتخابی عقلانی‌تر از فارغ‌التحصیلی تبدیل می‌کند.

۴. **در سطح اسطوره‌ای و نمادین:** تجربه زیسته دانشجویان در قالب استعاره‌های قدرتمندی مانند ۱- «آسانسور اجتماعی شکسته»، ۲- «برزخ دانشجویی»، ۳- «گرداب سنوات» و ۴- «زندان خودخواسته» بازتاب می‌یابد. این اسطوره‌ها حاکی از یک بحران معنا است؛ فروپاشی روایت کلاسیک «دانشگاه مسیر پیشرفت» و جایگزینی آن با احساس بن‌بست، درماندگی و بی‌آیندگی است. این لایه، عمیق‌ترین سطح مسئله است که توضیح می‌دهد چرا راه‌حل‌های سطحی جواب نمی‌دهند.

هشدارهای سیاستی:

- ریسک امنیت اجتماعی و بی‌ثباتی سیاسی:

هرگونه اقدام شتابزده، یک‌جانبه و بدون برنامه حمایتی جایگزین برای خالی کردن خوابگاه‌ها از دانشجویان سنواتی مانند افزایش ناگهانی هزینه‌ها یا توقف خدمات می‌تواند به محرکی برای اعتراضات صنفی گسترده، همگرایی با مطالبات دیگر دانشجویان و تبدیل شدن به یک بحران امنیتی تبدیل شود. این اقدام، هزینه‌های سیاسی و امنیتی آن به مراتب از هزینه‌های مالی فعلی دانشگاه بیشتر خواهد بود.

- آسیب غیرقابل جبران به سرمایه اجتماعی و اعتبار نهاد دانشگاه:

تداوم رویکرد انضباطی و تقلیل‌گرا (دانشجو = مقصر) و عدم ارائه راه‌حل‌های ساختاری، به طور سیستماتیک در حال تخریب اعتماد عمومی به نهاد دانشگاه، ایجاد یأس و انزوا در میان استعدادهای کشور، و دامن زدن به روایت «دانشگاه ناکارآمد و بی‌مسئولیت» است. این آسیب به اعتبار علمی و اجتماعی دانشگاه تهران، حتی با صرف بودجه کلان نیز در بلندمدت به سادگی جبران‌پذیر نیست.

- شکست مدل حکمرانی دانشگاه و ائتلاف منابع ملی:

عدم اقدام هوشمندانه به معنای تداوم و تشدید ائتلاف منابع ملی است. هر دانشجوی سنواتی که بدون مهارت و انگیزه پس از سال‌ها اخراج می‌شود، نه تنها بازدهی ندارد، بلکه به یک بار اقتصادی و اجتماعی برای کشور تبدیل می‌شود. این مسئله، تنها یک «مشکل دانشجویی» نیست، بلکه یک شکست در حکمرانی آموزش عالی و نشانه‌ای از ناکارآمدی سیستم است که باید در سطح کلان مورد توجه قرار گیرد.

در نهایت بایستی اشاره کرد که «تداوم وضع موجود» و «اجرای سیاست‌های جزئی و انضباطی صرف» دو روی یک سکه هستند و هر دو به بن‌بست منجر خواهند شد. راه حل، انتخاب بین «پرداخت هزینه‌های رفاهی» یا «اخراج دانشجویان» نیست. راه حل سوم و ضروری، «سرمایه‌گذاری هوشمند برای تبدیل این دانشجویان از دارایی راکد به نیروی فعال» از طریق مدل‌های پیشنهادی (پیوند با صنعت، وام‌های قابل بازپرداخت، و ...) است. هر تأخیری در اجرای این راه‌حل‌های ساختاری، تنها بر عمق و دامنه بحران خواهد افزود. لذا این هشدارها را باید به طور جدی در نظر گرفت تا از تبدیل یک مسئله مدیریتی به یک بحران اجتماعی-امنیتی جلوگیری گردد.

جمع‌بندی راهبردی:

مدیریت و کاهش پدیده سنواتی شدن نیازمند گذار از رویکرد انضباطی-کنترلی به رویکرد حمایتی-تسهیل‌گر است. هرگونه سیاست‌گذاری باید همزمان در چهار محور زیر عمل کند:

۱- **محور نهادی-ساختاری:** بازنگری اساسی در فرآیندهای ۱-گزینش دانشجو، ۲-نظام استاد راهنمایی، ۳-ساده‌سازی بوروکراسی اداری و ۴-ایجاد «سامانه هشدار و مداخله زودهنگام» برای شناسایی و پشتیبانی از دانشجویان در معرض خطر.

۲- **محور حمایتی-رفاهی:** تدارک بسته‌های حمایت مالی، روان‌شناختی و مهارتی برای دانشجویان سنواتی تا فشارهای معیشتی و روانی مانع تمرکز آنان بر اتمام تحصیل نشود.

۳- **محور گفتمانی-فرهنگی:** تغییر گفتمان مسلط از «تقصیر دانشجو» به «مسئولیت نهاد دانشگاه» و ایجاد فضای امن برای گفت‌وگو درباره شکست و دشواری‌ها بدون داغ شرم.

۴- **محور معنایی-انگیزشی:** بازتعریف جایگاه مدرک و دانشگاه در جامعه و ایجاد پیوند واقعی بین تحصیلات و اشتغال تا انگیزه فارغ‌التحصیلی به‌شکلی واقعی تقویت شود.

حل مسئله سنواتی شدن تنها با نگاه سیستمیک و هماهنگی بین تمام بخش‌های دانشگاه (آموزش، پژوهش، فرهنگی، رفاه و روان‌شناسی) ممکن خواهد بود. سرمایه‌گذاری برای حل این مسئله، در واقع سرمایه‌گذاری برای افزایش بهره‌وری، اعتبار علمی و مسئولیت اجتماعی دانشگاه تهران به عنوان نماد آموزش عالی ایران است.

پیشنهادهای اجرایی:

۱- لایه آشکار (فنی، اجرایی، خدماتی)

پیشنهادهایی که ناظر بر اقدام‌های ملموس، عملی و مستقیم هستند:

- فعال سازی دفاتر ارتقاء تحصیلی در واحدهای دانشگاه
- استقرار سامانه هوشمند پایش و هشدار زودهنگام برای شناسایی دانشجویان در معرض خطر.
- توانمندسازی دانشجویان با دوره‌های مهارت‌محور در پژوهش، مدیریت زمان، انگیزه و مقابله با استرس.
- ارتقای کیفیت راهنمایی با تعریف شاخص‌های عملکرد برای اساتید راهنما و تدوین نظام پاداش‌دهی به آنان.
- تشکیل کارگروه‌های میان‌رشته‌ای حمایت از دانشجویان در معرض خطر (روان‌شناس، استاد، مدیر آموزشی و ...)
- توسط مرکز مشاوره دانشگاه
- راه‌اندازی مرکز اشتغال و کارآفرینی با فرصت‌های پاره‌وقت مرتبط با رشته.
- جذب و پذیرش دانشجو متناسب با امکانات رفاهی، زیرساخت‌های آزمایشگاه‌های و آموزشی و منابع دانشگاه.
- توسعه و نوسازی امکانات رفاهی (خوابگاه، رستوران‌ها، حمل‌ونقل، کتابخانه و آزمایشگاه انعطاف‌پذیر)
- دیجیتالی‌سازی فرآیندهای اداری و استقرار نظام بازخورد دانشجویی.
- تخصیص کمک‌هزینه‌های مرحله‌ای و هدفمند برای دانشجویان در معرض ریسک.
- تشویق استفاده از مراکز مشاوره از طریق آموزش و معرفی در بدو ورود.
- تجهیز و تامین تجهیزات آزمایشگاهی به روز شده و مورد نیاز پژوهش دانشجویان با مشارکت بخش خصوصی و شرکت‌ها.
- انعقاد تفاهم‌نامه با شرکت‌های دانش‌بنیان برای مشارکت مالی و پژوهشی.

۲- لایه ساختاری (سیاست‌گذاری، نهادی، سازمانی)

پیشنهادهایی در سطح بازطراحی ساختارها و نهادهای درگیر:

- طراحی راهبرد کلان هماهنگی بین‌بخشی برای مواجهه با عوامل چندبعدی تأخیر تحصیلی.
- تدوین آیین‌نامه‌ها و ضوابط شفاف برای اساتید راهنما همراه با نظام ارزیابی عملکرد توسط معاونت آموزشی و پژوهشی دانشگاه.
- تشکیل کارگروه‌های بین‌نهادی (دانشگاه، دولت، NGOها) با نظام گزارش‌دهی منظم.
- اصلاح بروکراسی و فرایندهای اداری پیچیده و تنظیم زمان‌بندی مشخص برای امور تحصیلی توسط اداره کل آموزش دانشگاه.
- آموزش مستمر برای کارشناسان، مدیران گروه‌ها و اعضای هیئت علمی در خصوص آیین‌نامه‌ها و حمایت تحصیلی.
- طراحی برنامه جامع استراتژیک دانشگاهی برای پیگیری این سیاست‌ها و نظارت بر اثربخشی آن‌ها.

- پذیرش دانشجو براساس مسائل و اولویت‌های پژوهشی در مقاطع تحصیلات تکمیلی و هدفمند نمودن دوره-های آموزشی متناسب با موضوعات پایان‌نامه و رساله مسئله‌محور دانشجویی. (برای مثال هدفمند نمودن آزمون جامع متناسب با رساله) توسط معاونت‌های آموزشی، پژوهشی و بین‌الملل دانشگاه.
- طراحی یک سرفصل جدید آموزشی ناظر بر سمینار و کارآموزی جهت تهیه پروپوزال دانشجو برای ترم سه کارشناسی ارشد و دکتری در راستای هدفمندسازی و رفع سردرگمی‌های دانشجو در انتخاب موضوع پایان‌نامه و رساله) توسط اداره کل آموزشی، پژوهش، گروه‌های آموزشی و اساتید راهنما.

۳- لایه گفتمانی (زبان، معنا، باورهای جاری)

پیشنهادهایی که به بازسازی زبان و نگرش حاکم بر فضاهای آموزشی و اداری می‌پردازند:

- طراحی زیست بوم گفتمانی پیوند نهاد علم و دانش با صنعت، حکمرانی و جامعه در راستای هدفمندسازی پژوهش‌ها و رهایی از تفکر رزومه‌سازی و در نهایت بازگشت مرجعیت علمی به نظام آموزش عالی توسط معاونت‌های پژوهشی و فرهنگی دانشگاه.
- ایجاد شبکه‌های تعاملی و افقی میان تیم‌های پژوهشی (استادان و دانشجویان) در راستای حذف هژمونی دانایی از بالا توسط معاونت‌های پژوهشی و فرهنگی دانشگاه.
- بازنگری در مستندات و مکاتبات دانشگاهی برای حذف زبان منفی و جایگزینی با ادبیات حمایتی توسط معاونت فرهنگی دانشگاه.
- آموزش به اساتید و کارکنان در زمینه کاربرد زبان مثبت و انگیزشی در تعاملات روزمره توسط معاونت فرهنگی دانشگاه.
- طراحی دستورالعمل‌های فرهنگی رفتاری دانشگاه مبتنی بر حمایت، همدلی و رشد و بالندگی.
- برگزاری کارگاه‌های آموزشی چندرشته‌ای با محوریت تحلیل استعاره‌های فرهنگی در آموزش.
- ایجاد شوراهای دانشجویی ویژه برای مشارکت در بازتعریف گفتمان و سیاست‌های فرهنگی.
- جلسات گفتگو بین استادان، مدیران و دانشجویان درباره ارزش‌ها و فضای دانشگاهی.
- بازتعریف گفتمان موفقیت از طریق سیاست‌های رسانه‌ای
- ایجاد سازوکارهای تشویقی برای بازگشت نخبگان
- توسعه مراکز رشد منطقه‌ای به عنوان آلت‌رناتیوی برای تهران
- طراحی برنامه‌های روان‌شناسی اجتماعی برای کمک به بازسازی هویت شهرستانی
- بازتعریف رابطه استاد-دانشجو به سوی مدل «همراهی» به جای «فرماندهی» توسط معاونت‌های آموزشی، پژوهش و فرهنگی دانشگاه.
- بازنگری در شاخص‌های ارزیابی استادان و دانشجویان و توجه به فرآیند یادگیری به جای صرف نتایج
- معرفی شاخص‌های کیفی (مانند تأثیر اجتماعی پژوهش) به جای شاخص‌های صرفاً اقتصادی
- طراحی برنامه‌های انتقال تدریجی هویت: ایجاد دوره‌های کارآموزی تضمین‌شده یا عضویت موقت در نهادهای حرفه‌ای پیش از فارغ‌التحصیلی، به کاهش شکاف هویتی کمک می‌کند.

۴- لایه اسطوره (نمادها، استعاره‌ها، روایت‌ها، اسطوره‌ها)

پیشنهادهایی که به تغییر در روایت‌های کلان، استعاره‌ها و تصورات فرهنگی مربوط می‌شوند:

- تغییر رویکرد و جهان بینی نظام حکمرانی و همچنین نظام آموزش عالی به سوی ایجاد محیط باز و با نشاط اجتماعی و رهایی از ساختارهای انضباطی و کنترلی توسط هیات رئیسه و شورای دانشگاه.
- طراحی دانشگاه به مثابه یک میدان و فضای عمومی آزاد تا یک فضای محصور به مشق نویسی و از بالا به پایین.
- ایجاد انجمن دانش آموختگان دانشگاه تهران در راستای شبکه سازی و تقویت سرمایه اجتماعی دانشجویان و ادغام اجتماعی آنها.
- بازتعریف استعاره‌ها مثل:
تحصیل به مثابه سفر یادگیری
فراغت به مثابه رشد فردی
پایان نامه نه به عنوان مانع، بلکه به مثابه اثبات بلوغ علمی
- تولید پادکست، ویدیو، و روایت‌های الهام‌بخش از تجربه دانشجویان موفق با هدف بازسازی فرهنگی.
- برگزاری رویدادهای "داستان‌های موفقیت و پشتکار" برای به اشتراک گذاری روایت‌های مثبت.
- طراحی کمپین‌های فرهنگی با استفاده از اسطوره‌ها و نمادهای بومی برای تقویت روایت صبر، پیشرفت تدریجی، و امید.
- همکاری با اساتید ادبیات و فرهنگ برای توسعه محتوای نمادین مثبت در آموزش.
- برگزاری کارگاه‌های مقابله با اضطراب و شرم تحصیلی با توجه به زمینه‌های فرهنگی و اسطوره‌ای رایج.

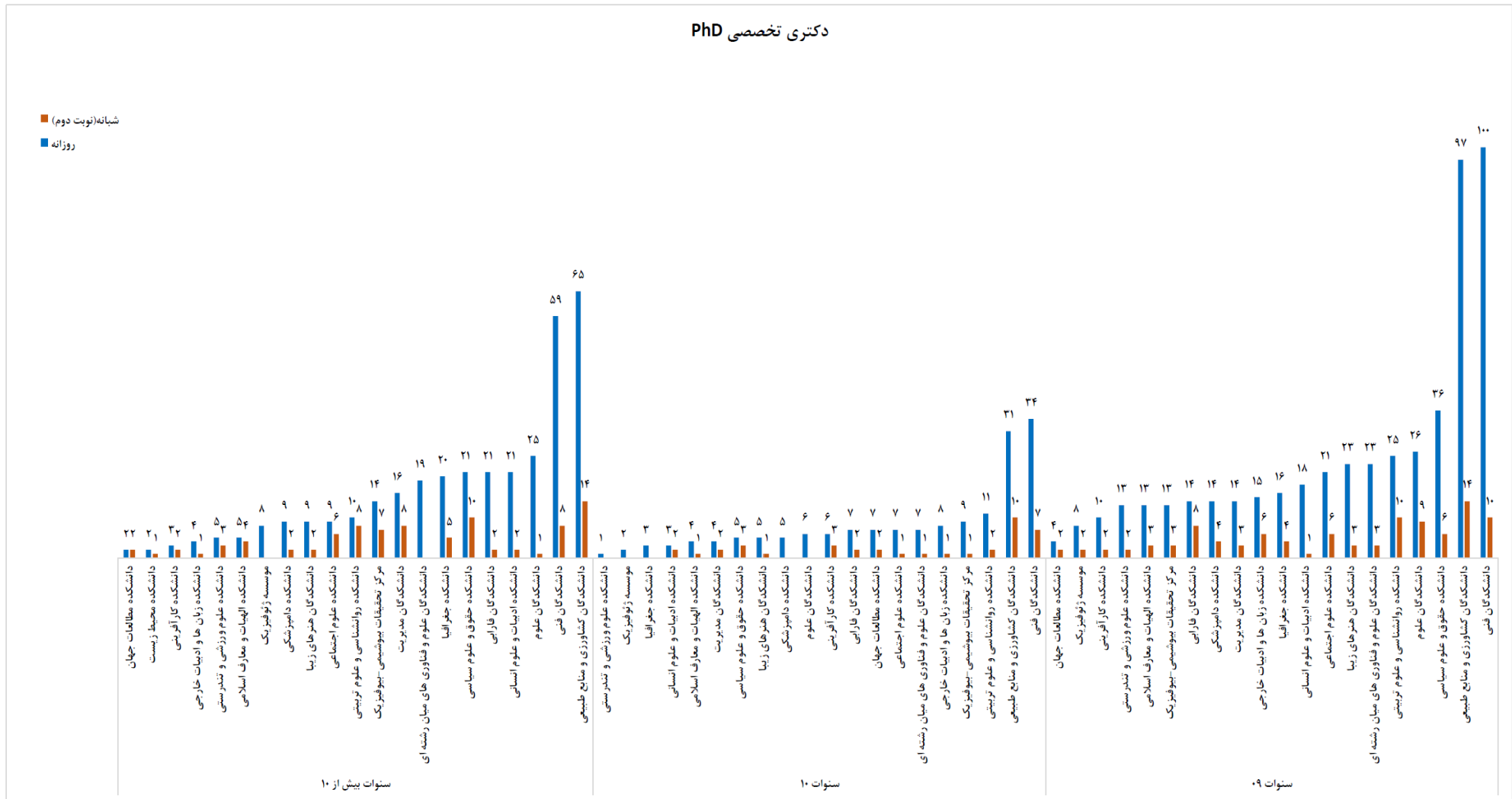
فهرست منابع

- حبیبی، نوید، رودکی، حسین (۱۳۹۳). چالش های پیش روی آموزش عالی در ایران، اولین سمپوزیوم بین المللی علوم مدیریت با محوریت توسعه پایدار، شهریورماه.
- حاتمی، جواد (۱۳۹۵). چالش آموزش علوم انسانی در دانشگاه های ایران، یک مطالعه ی کیفی، پژوهش در نظام های آموزشی، ۱۰ (۳۲): ۲۷۳-۲۳۴، بهار.
- تابعی، ملیحه، سلیمان پور، رحمان، غفاری، غلامرضا، ناییبی، هوشنگ (۱۴۰۲). تحلیلی از علل افزایش سنوات تحصیل دانشجویان در ایران (مورد مطالعه: دانشجویان تحصیلات تکمیلی دانشگاه فردوسی مشهد)، فصلنامه علمی-پژوهشی آموزش عالی ایران، ۱۵ (۲): ۸۴-۶۶، تابستان.
- رحمانی باروجی، پریناز، حاجی، جمال، محمدی مهر، مژگان (۱۴۰۴). شناسایی عوامل موثر بر عملکرد تحصیلی دانشجویان استعداد درخشان دانشگاه های ایران (یک مطالعه فراترکیب)، پژوهش در آموزش علوم پزشکی، ۱۱۷ (۱): بهار.
- شهرکی، محمدرضا، حقانی، فاطمه (۱۴۰۱). تعیین عوامل تاثیرگذار در آموزش مهندسی و پیش بینی افزایش سنوات تحصیلی با رویکرد تصمیم گیری چند معیاره و داده کاوی (شبکه عصبی مصنوعی)، فصلنامه آموزش مهندسی ایرانف ۲۴ (۹۳): ۵۱-۶۶، بهار.
- صفری، زینب (۱۳۹۸). شناسایی چالش ها و عوامل موثر در افزایش تاخیر سنوات تحصیلی و ارائه رویکردهای بهبود آن، پایان نامه ارشد مدیریت سیستم و بهره وری دانشگاه تربیت مدرس.
- گافمن، اروینگ (۱۴۰۳). نمود خود در زندگی روزمره (ترجمه ی منوچهر صبوری)، چاپ نهم، تهران: نشر نی.
- فراستخواه، مقصود (۱۳۹۴). تجربه های زیسته و ادراک شده ی دانشجویان مطالعه موردی یک دانشگاه ایرانی، فصلنامه انجمن آموزش عالی ایران، ۷ (۲): ۷۰-۲۶، بهار.
- غیاثی ندوشن، سعید (۱۴۰۱). شناسایی و تحلیل عوامل موثر بر افزایش سنوات تحصیلی دانشجویان تحصیلات تکمیلی و پیامدهای آن، پژوهش های تربیتی، ۵ (۴۴): ۱۵۸-۱۳۱، تابستان.
- غلامزاده نیکجو، رعنا، جمشیدی، اقدام، بهجت، مریم (۱۴۰۳). تبیین دلایل افزایش سنوات تحصیلی دانشجویان و ارائه راهکارهای ارتقای وضعیت موجود، از دیدگاه دانشجویان تحصیلات تکمیلی دانشگاه علوم پزشکی تبریز (مطالعه کیفی)، مجله مرکز مطالعات و توسعه آموزش علوم پزشکی یرد، ۱۹ (۴): ۱۰۵۴-۱۰۴۲، زمستان.
- مولوی، زینب (۱۴۰۰). مفهوم پردازی فلات تحصیلی و شناسایی عوامل زمینه ای موثر بر آن، مطالعات آموزشی و آموزشگاهی، ۱۰ (۲): ۲۹۹-۳۲۰، تابستان.
- مهدی یار، زهرا، عبدی، مصطفی (۱۳۹۵). بررسی چالش های نظام آموزش عالی ایران، تازه های تعلیم و تربیت در نظام آموزشی ایران، همایش ملی تازه های تعلیم و تربیت در نظام آموزشی ایران، اسفندماه.
- منصوریان، زهرا، کریمی مونقی، جمالی، جمشید، خواجوی راد، ابوالفضل، حوراء اشرفی فرد (۱۴۰۰). بررسی عوامل مرتبط با افزایش طول مدت تحصیل دانشجویان دکتری تخصصی در دانشگاه علوم پزشکی مشهد از دیدگاه اساتید، دانشجویان و کارشناسان آموزش، مجله مرکز مطالعات و توسعه آموزش علوم پزشکی یزد، ۱۶ (۴): ۲۴۳-۲۲۷، زمستان.
- ناییبی، هوشنگ، معیدفر، سعید، سراج زاده، سیدحسین، فیضی، ایرج (۱۳۹۶). تئوری آنومی دورکیم و مرتن، شباهت ها، تفاوت ها و شیوه های اندازه گیری، فصلنامه رفاه اجتماعی، ۱۷ (۹۶): ۵۱-۹، پاییز.
- واعظی، حمیده، علی قورچیان، نادر (۱۳۹۵). تحلیل سیاستگذاری در نسل جدید دانشگاه ها: الگویی اثربخش برای آموزش عالی ایران، کنگره ملی آموزش عالی ایران.

- Amani,Jaquiline. Myeya,Helena. Mhewa,Mariana(۲۰۲۲).Understanding the Motives for Pursuing Postgraduate Studies and Causes of Late Completion: Supervisors and Supervisees' Experiences,SAGE Open, ۱-۱۲.
- Aina,Carmen .Eliana ,Baici.Casalone,Giorgia (۲۰۱۹).Delayed Graduation and University Dropout: A Review of Theoretical Approaches,SSRN Electronic Journal, ۱۸(۲۸):۱-۱۸.
- Brandsma-Dieters,Anja(۲۰۱۳).Factors influencing student delay in higher education A case study at Stenden University of Applied Sciences Master's thesis:Educational Science and TechnologyCurriculum Instruction and Media Applications Faculty of Behavioural Science University of Twente.
- Brim, O. G. (۱۹۶۶). *Socialization through the life cycle*. In O. G. Brim & S. Wheeler (Eds.), *Socialization after childhood: Two essays* (pp. ۱-۴۹). New York: Wiley.Dzikunu,Cosmos K. Wiredu Agyekum, Martin. Pajibo ,Edison D. Yelkpieri, Daniel (۲۰۲۵).Factors Accounting for Delayed Completion of ThesesAmong Postgraduate Students of the University of Education, Winneba,British Journal of Education, ۱۳(۲):۱-۱۸.
- Hayes,Suzanne(۲۰۱۰). Student Employment and The Economic Cost of Delayed College Graduation,Student Employment and The Economic Cost of Delayed College,Journal of Business & Leadership: Research, Practice, and Teaching (۲۰۰۵-۲۰۱۲), ۶(۱۲):۱۲۹-۱۴۰.
- Irshad, Muhammad.Naseeb Shah, Syed.Hassan,Hamid (۲۰۲۰).Eitology of Students Failure in Completing their PhD programs within Stipulated Time Period,The Discourse, ۶(۱): ۱۴۱-۱۶۲.
- Schoot,Rens van de .Yerkes,Mara.Mouw,Jolien.Sonneveld,Hans (۲۰۱۳).What Took Them So Long? Explaining PhD Delays among Doctoral Candidates,Content uploaded by Rens van de Schoot, ۸(۷):۱-۱۲.
- Throne,Robin(۲۰۱۷).Agency, Socialization, and Support: A Critical Review of Doctoral Student Attrition,The ۳rd International Conference on Doctoral Education, University of Central Florida.
- Zimmerman, B. J. (۲۰۰۲). Becoming a self-regulated learner: An overview. *Theory Into Practice*, ۴۱(۲), ۶۴-۷۰.

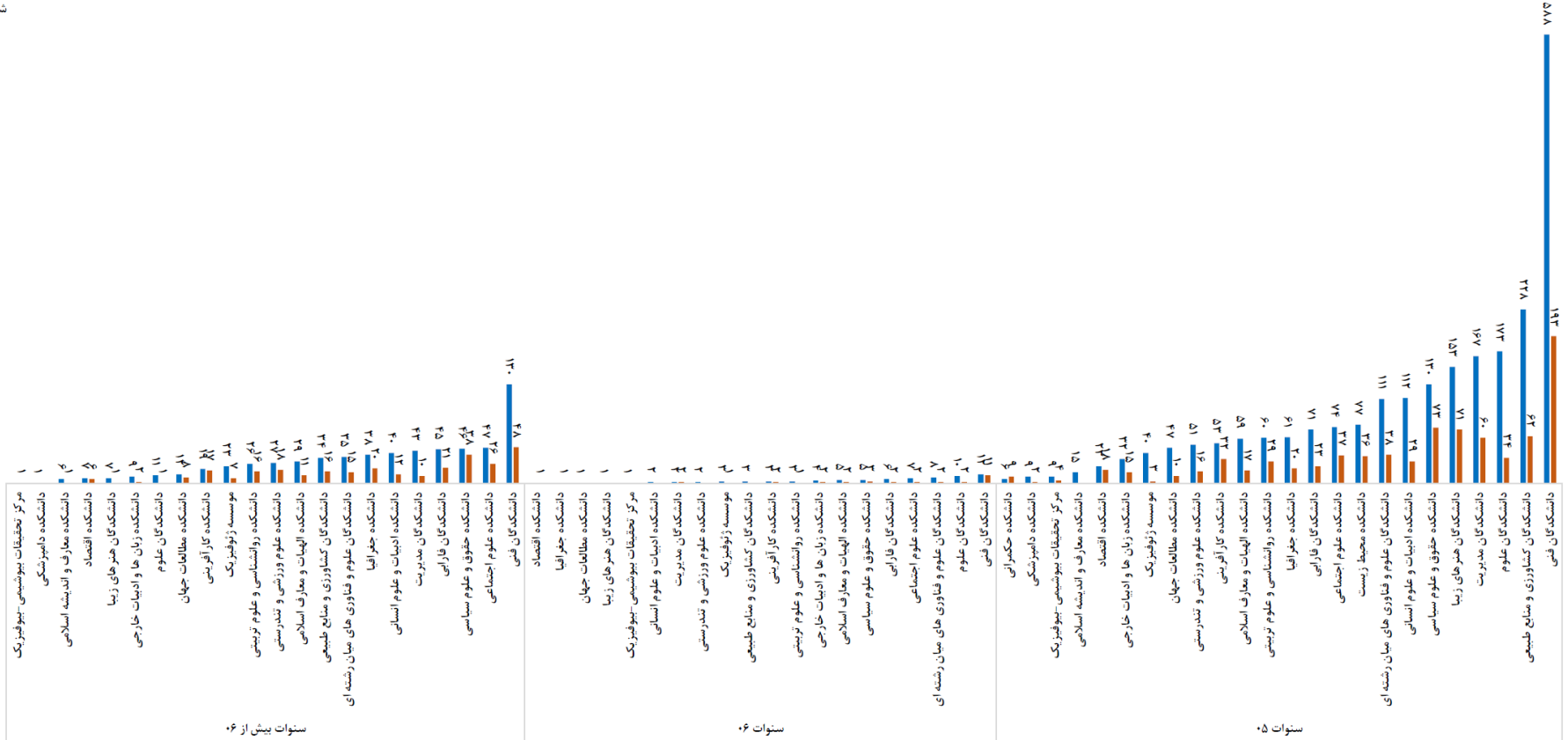
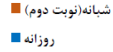
پیوست ها

ردپای دانشجویان سنواتی در دانشکده های دانشگاه تهران: (مقطع دکتری)



ردپای دانشجویان سنواتی در دانشکده های دانشگاه تهران: (مقطع کارشناسی ارشد)

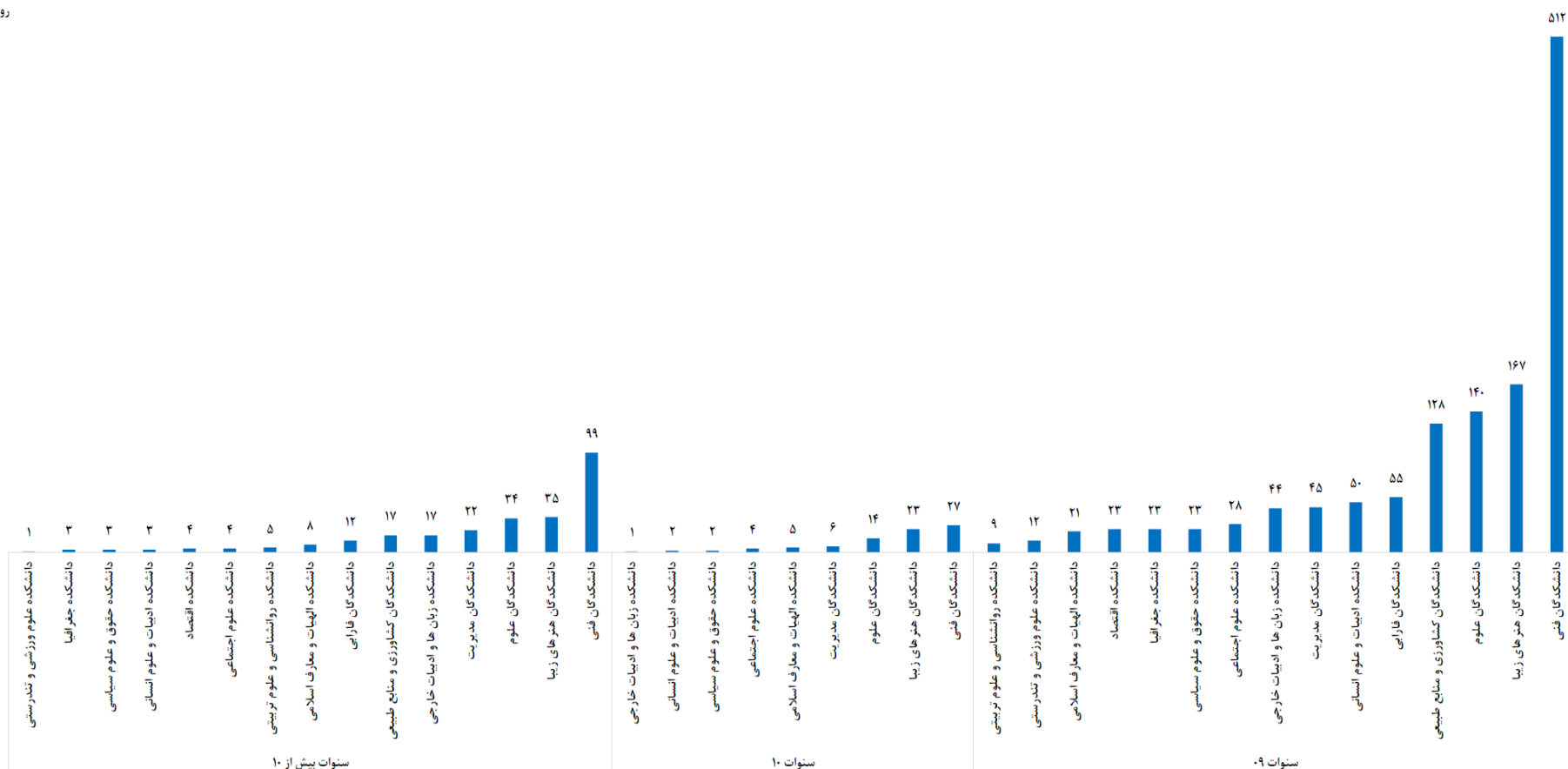
کارشناسی ارشد ناپیوسته



ردپای دانشجویان سنواتی در دانشکده های دانشگاه تهران: (مقطع کارشناسی)

کارشناسی پیوسته

روزانه



جدول ۸: تعداد دانشجویان دانشگاه تهران بر اساس نوع دوره و وضعیت سنوات - نیمسال اول ۱۴۰۴-۱۴۰۳

مقطع تحصیلی	روزانه - سنوات مجاز	روزانه - سنوات اضافه	روزانه - سنوات اضافه ساکن خوابگاه	نوبت دوم - سنوات مجاز	نوبت دوم - سنوات اضافه	نوبت دوم - سنوات اضافه ساکن خوابگاه	بین الملل - سنوات مجاز	بین الملل - سنوات اضافه	بین الملل - سنوات اضافه ساکن خوابگاه	شهریه پرداز - سنوات مجاز	شهریه پرداز - سنوات اضافه	شهریه پرداز - ساکن خوابگاه
کارشناسی	۱۳,۴۷۴	۱,۶۳۱	۳۶۸	۰	۰	۰	۱۶۱	۵	۱	۶۵۹	۶۵	۰
کارشناسی ارشد	۶,۷۶۳	۳,۰۶۲	۱۰۸۲	۲,۱۷۰	۱,۱۶۰	۰	۲۲۹	۵۳	۳۰	۳,۸۸۱	۷۹۲	۰
دکتری تخصصی	۳,۵۳۱	۱,۰۴۳	۳۹۴	۷۵۶	۲۴۱	۲۵	۴۸۹	۱۸	۷	۲,۳۸۸	۲۲۸	۰
دکتری عمومی	۲۵۸	۳۷	۵	۲۳۲	۵۱	۲	۱	۰	۰	۸۳	۲	۰
دکتری پیوسته	۷۸	۵	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۱	۰	۰
جمع کل	۲۴۱۰۴	۵۷۷۸	۱۸۴۹	۳۱۵۸	۱۴۵۲	در قبال اسکان ۲۷+۱۶۴ نفر کار	۸۸۰	۷۶	۳۸	۷۰۱۲	۱۱۸۷	۰

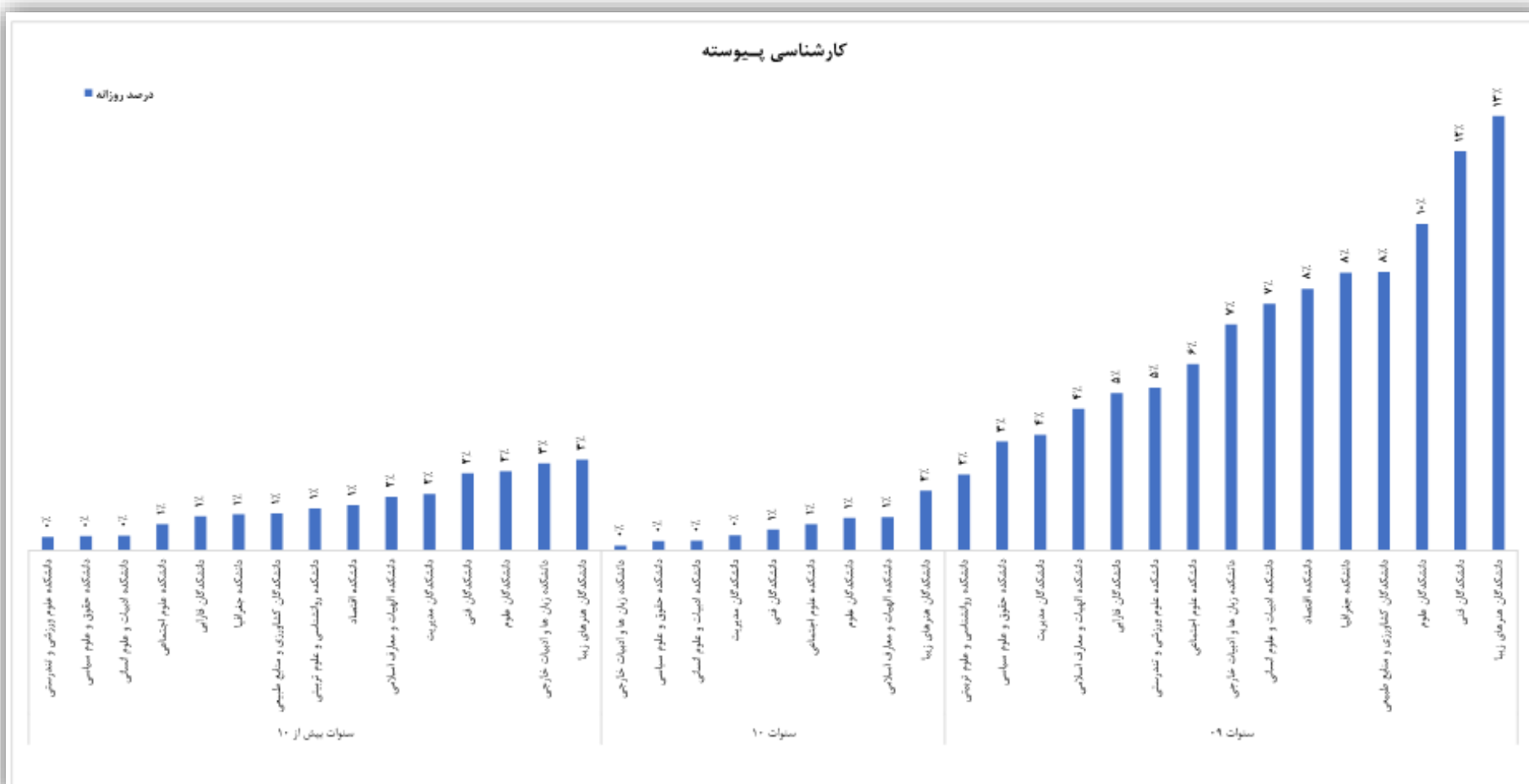
جدول ۹: درصد دانشجویان سنوات اضافه در مقاطع و نوبت‌های تحصیلی در واحدهای مختلف دانشگاه تهران

مقطع تحصیلی	نوبت تحصیل	دانشکده/دانشکدگان	تعداد کل دانشجویان	تعداد دانشجویان سنوات اضافه	درصد سنوات اضافه (%)
کارشناسی	روزانه	هنرهای زیبا	۱,۲۷۳	۱۶۷	۱۳.۱
کارشناسی	روزانه	فنی	۴,۲۴۸	۵۱۲	۱۲.۱
کارشناسی	روزانه	علوم	۱,۴۲۰	۱۴۰	۹.۹
کارشناسی	روزانه	کشاورزی و منابع طبیعی	۱,۵۲۲	۱۲۸	۸.۴
کارشناسی ارشد	روزانه	دامپزشکی	۲۳	۹	۳۹.۱
کارشناسی ارشد	روزانه	محیط زیست	۲۳۱	۷۷	۳۳.۳
کارشناسی ارشد	روزانه	مرکز تحقیقات بیوشیمی و بیوفیزیک	۲۹	۹	۳۱.۰
کارشناسی ارشد	روزانه	موسسه ژئوفیزیک	۱۳۹	۴۰	۲۸.۸
کارشناسی ارشد	نوبت دوم	مدیریت	۱۵۰	۶۰	۴۰.۰
کارشناسی ارشد	نوبت دوم	حکمرانی	۲۳	۹	۳۹.۱
کارشناسی ارشد	نوبت دوم	کشاورزی و منابع طبیعی	۲۰۱	۶۲	۳۰.۸
کارشناسی ارشد	نوبت دوم	هنرهای زیبا	۲۳۳	۷۱	۳۰.۵
دکتری تخصصی	روزانه	زبان‌ها و ادبیات خارجی	۷۵	۱۵	۲۰.۰
دکتری تخصصی	روزانه	کارآفرینی	۶۸	۱۰	۱۴.۷
دکتری تخصصی	روزانه	روانشناسی و علوم تربیتی	۱۷۲	۲۵	۱۴.۵
دکتری تخصصی	روزانه	هنرهای زیبا	۱۶۰	۲۳	۱۴.۴
دکتری تخصصی	روزانه	علوم ورزشی و تندرستی	۹۷	۱۳	۱۳.۴

مقطع تحصیلی	نوبت تحصیل	دانشکده/دانشکدگان	تعداد کل دانشجویان	تعداد دانشجویان سنوات اضافه	درصد سنوات اضافه(%)
دکتری تخصصی	روزانه	علوم اجتماعی	۱۵۸	۲۱	۱۳.۳
دکتری تخصصی	روزانه	مرکز تحقیقات بیوشیمی و بیوفیزیک	۹۸	۱۳	۱۳.۳
دکتری تخصصی	روزانه	حقوق و علوم سیاسی	۲۷۲	۳۶	۱۳.۲
دکتری تخصصی	روزانه	کشاورزی و منابع طبیعی	۷۴۸	۹۷	۱۳.۰
دکتری تخصصی	روزانه	فنی	۷۷۹	۱۰۰	۱۲.۸
دکتری تخصصی	روزانه	علوم و فناوری‌های میان‌رشته‌ای	۱۸۹	۲۳	۱۲.۲
دکتری تخصصی	روزانه	دامپزشکی	۱۱۶	۱۴	۱۲.۱
دکتری تخصصی	نوبت دوم	زبان‌ها و ادبیات خارجی	۲۳	۶	۲۶.۱
دکتری تخصصی	نوبت دوم	علوم	۴۱	۹	۲۲.۰
دکتری تخصصی	نوبت دوم	موسسه ژئوفیزیک	۱۱	۲	۱۸.۲
دکتری تخصصی	نوبت دوم	فارابی	۴۵	۸	۱۷.۸
دکتری تخصصی	نوبت دوم	روانشناسی و علوم تربیتی	۵۹	۱۰	۱۶.۹
دکتری تخصصی	نوبت دوم	کشاورزی و منابع طبیعی	۱۰۶	۱۴	۱۳.۲
دکتری تخصصی	نوبت دوم	مدیریت	۲۴	۳	۱۲.۵
دکتری تخصصی	نوبت دوم	علوم اجتماعی	۴۹	۶	۱۲.۲

بررسی آماری فراوانی دانشجویان سنوات اضافه در سه مقطع کارشناسی، کارشناسی ارشد و دکتری تخصصی نسبت به جمعیت دانشجویان دانشکده ها و دانشکدگان:

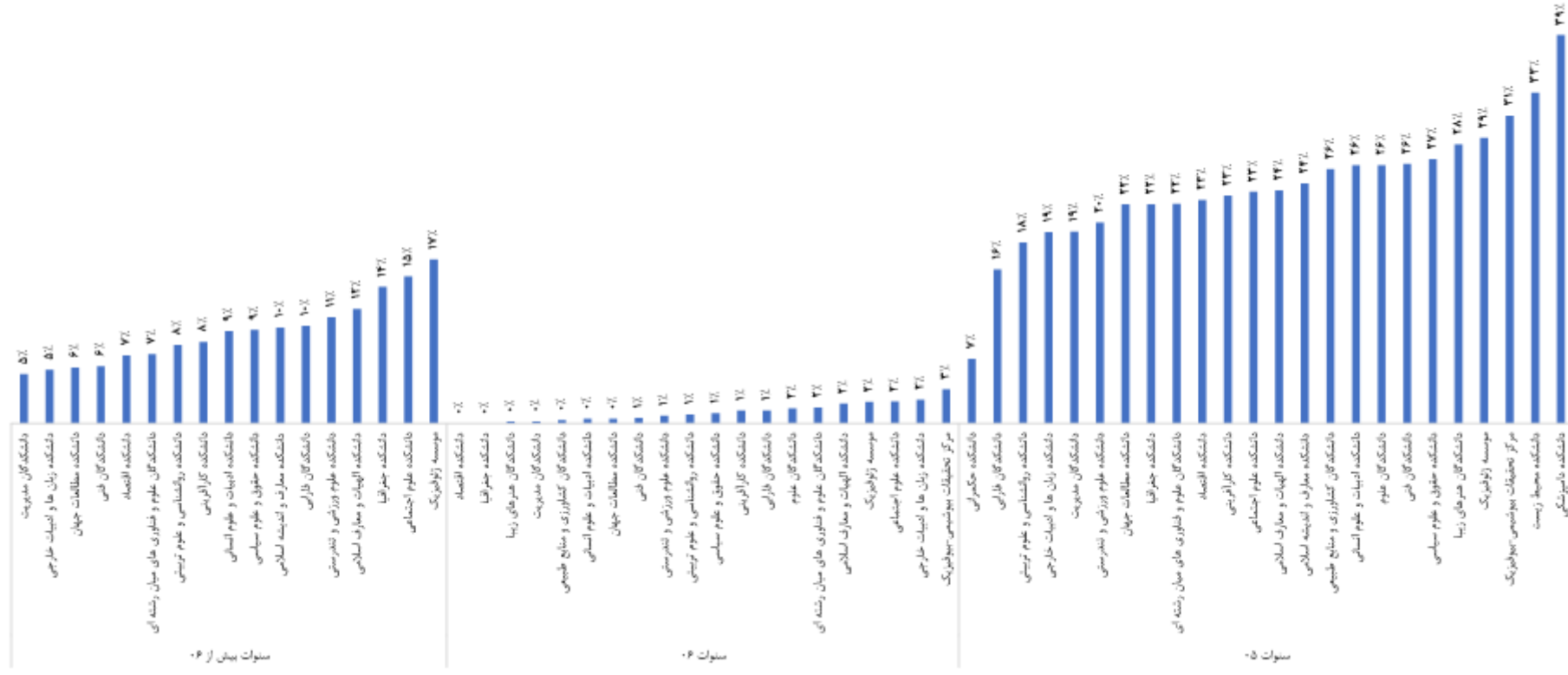
مقطع کارشناسی:



مقطع کارشناسی ارشد (روزانه):

کارشناسی ارشد ناپیوسته

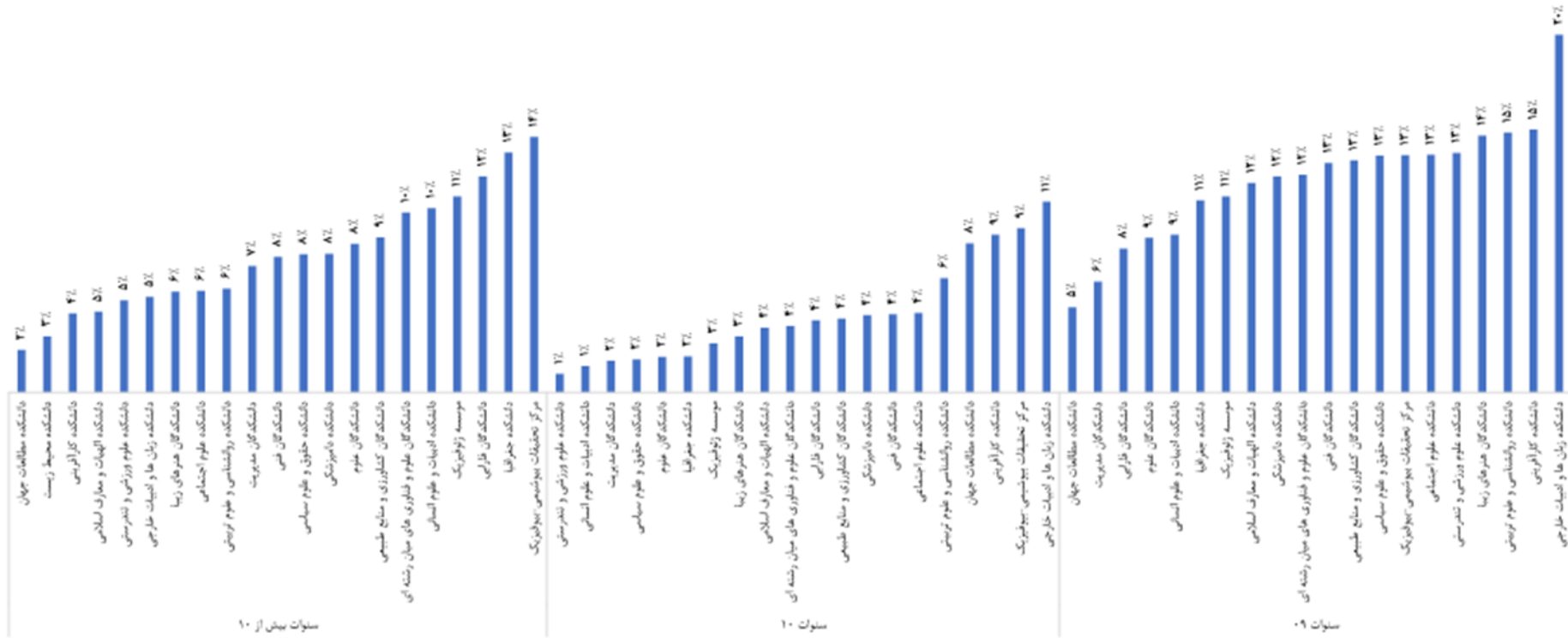
درصد روزانه



مقطع دکتری تخصصی (روزانه):

دکتری تخصصی PhD

درصد روزانه



علل سنواتی شدن دانشجویان از دیدگاه روسای دانشکده ها و دانشکدگان:

برای بررسی علل سنواتی شدن پرسشنامه ای مبنی بر ذکر دلایل سنواتی شدن از واحدها، برای ۲۶ دانشکده/دانشکدگان ارسال شد و ۲۲ واحد اقدام به ارسال پاسخ ها به شرح ذیل کردند:

جدول ۱۰: علل سنواتی شدن از دیدگان روسای دانشکده ها/ دانشکدگان

ردیف	نام دانشکده / دانشکدگان	مقطع	علت سنواتی شدن براساس اولویت
۱	فنی	کارشناسی	دروس پیشنیاز عدم ارائه دروس در تمام نیمسال ها (نیمسال آف) موضوع نظام وظیفه در پسران تغییر رشته و تحصیل در دوره کهاد سطح پایین علمی دانشجویان جدید نسبت به دانشجویان پیشین
		تحصیلات تکمیلی	بازدارنده نبودن هزینه های خدمات رفاهی و تحصیلی برای دانشجویان سنوات اضافه اشتغال پاره وقت و یا تمام وقت دانشجویان شرط چاپ مقاله برای دفاع از رساله دکتری نبود مواد و تجهیزات لازم برای برخی از پایان نامه ها و رساله ها
۲	علوم	کارشناسی	مشروط شدن دانشجویان حجم زیاد دروس و سختی امتحانات اشتغال پاره وقت و تمام وقت دانشجویان
		تحصیلات تکمیلی	تغییر استاد راهنما در دسترسی نبودن مواد و تجهیزات مورد نیاز پایان نامه اشتغال پاره وقت و تمام وقت دانشجویان شرط چاپ مقاله برای دفاع از رساله دکتری آزمون زبان

ردیف	نام دانشکده / دانشکدگان	مقطع	علت سنواتی شدن براساس اولویت
			امتحان جامع
۳	کشاورزی	کارشناسی	مشروط شدن - مرخصی تحصیلی - حذف کمیسیون پزشکی - حذف درس
		تحصیلات تکمیلی	بازدارنده نبودن هزینه های رفاهیات دانشجویان سنوات اضافه - در دسترس نبودن مواد و تجهیزات مورد نیاز پایان نامه - مشکل آزمون زبان - مشکل آزمون جامع - تصویب دیر هنگام پروپوزال - شرط چاپ مقاله دوم برای دفاع از رساله دکتری - تغییر استاد راهنما - نگذراندن کلیه دروس آموزشی در دو نیمسال اول
۴	مدیریت	کارشناسی	مشروطی دانشجویان مرخصی تحصیلی
		تحصیلات تکمیلی	تصویب دیر هنگام پروپوزال مرخصی تحصیلی
۵	علوم و فناوری میان رشته ای	تحصیلات تکمیلی	بازدارنده نبودن هزینه های رفاهیات دانشجویان سنوات اضافه در دسترس نبودن مواد و تجهیزات مورد نیاز پایان نامه اشتغال پاره وقت و تمام وقت شرط چاپ مقاله برای دفاع حذف کمیسیون پزشکی مرخصی تحصیلی آزمون زبان
۶	فارابی	کارشناسی	مشروطی دانشجویان بازدارنده نبودن هزینه های رفاهیات دانشجویان سنوات اضافه حذف کمیسیون پزشکی

ردیف	نام دانشکده / دانشکدگان	مقطع	علت سنواتی شدن براساس اولویت
			دروس جبرانی به دلیل تغییر رشته
		تحصیلات تکمیلی	بازدارنده نبودن هزینه های رفاهیات دانشجویان سنوات اضافه تصویب دیر هنگام پروپوزال اشتغال دانشجویان به کارهای پاره وقت و تمام وقت تغییر عنوان پروپوزال تعییر استاد راهنما مشکل آزمون جامع
۷	روانشناسی	کارشناسی	بازدارنده نبودن هزینه های خدمات رفاهی و تحصیلی برای دانشجویان سنوات اضافه دروس جبرانی به دلیل تغییر رشته
		تحصیلات تکمیلی	تصویب دیر هنگام پروپوزال بازدارنده نبودن هزینه های خدمات رفاهی و تحصیلی برای دانشجویان سنوات اضافه تغییر استاد راهنما حذف کمیسیون پزشکی مرخصی تحصیلی شاهد و ایثارگری تغییر عنوان پروپوزال اشتغال دانشجویان به کارهای پاره وقت و تمام وقت

ردیف	نام دانشکده / دانشکدگان	مقطع	علت سنواتی شدن براساس اولویت
۸	اقتصاد	کارشناسی	مشروطی دانشجویان بازدارنده نبودن هزینه های خدمات رفاهی و تحصیلی برای دانشجویان سنوات اضافه
		تحصیلات تکمیلی	تصویب دیر هنگام پروپوزال بازدارنده نبودن هزینه های رفاهیات دانشجویان سنوات اضافه شرط چاپ مقاله برای دفاع از رساله دکتری آزمون جامع
۹	حکمرانی	تحصیلات تکمیلی	تصویب دیر هنگام پروپوزال بازدارنده نبودن هزینه های خدمات رفاهی و تحصیلی برای دانشجویان سنوات اضافه
۱۰	کارآفرینی	تحصیلات تکمیلی	بازدارنده نبودن هزینه های خدمات رفاهی و تحصیلی برای دانشجویان سنوات اضافه
			تصویب دیر هنگام پروپوزال شرط چاپ مقاله برای دفاع از رساله دکتری مشکل آزمون جامع آزمون زبان مرخصی تحصیلی شاهد و ایثارگر

ردیف	نام دانشکده / دانشکدگان	مقطع	علت سنواتی شدن براساس اولویت
۱۱	موسسه ژئوفیزیک		اشتغال پاره وقت و تمام وقت دانشجویان
۱۲	حقوق	تحصیلات تکمیلی	تصویب دیر هنگام پروپوزال کمبود منابع پایان نامه آزمون زبان آزمون جامع الزام چاپ مقاله دوم
۱۳	تربیت بدنی و علوم ورزشی	کارشناسی	مشروطی دانشجویان مرخصی تحصیلی
		تحصیلات تکمیلی	بازدارنده نبودن هزینه های خدمات رفاهی و تحصیلی برای دانشجویان سنوات اضافه تصویب دیر هنگام پروپوزال شاهد و ایثارگر مشروطی دانشجویان آزمون زبان مرخصی تحصیلی شرط چاپ مقاله برای دفاع
۱۴	فنی فومن	کارشناسی	مشروطی دانشجویان
		تحصیلات تکمیلی	تصویب دیر هنگام پروپوزال تغییر استاد راهنما مرخصی تحصیلی
۱۵	کاسپین	کارشناسی	مشروطی دانشجویان

ردیف	نام دانشکده / دانشکدگان	مقطع	علت سنواتی شدن براساس اولویت
		تحصیلات تکمیلی	تصویب دیر هنگام پروپوزال تغییر عنوان پروپوزال
۱۶	معارف	تحصیلات تکمیلی	تصویب دیر هنگام پروپوزال آزمون زبان آزمون جامع شرط چاپ مقاله برای دفاع از رساله دکتری
۱۷	الهیات	کارشناسی	مشروطی دانشجویان حذف کمیسیون پزشکی
		تحصیلات تکمیلی	مرخصی تحصیلی آزمون جامع آزمون زبان تصویب دیر هنگام پروپوزال
۱۸	جغرافیا	کارشناسی	بازدارنده نبودن هزینه های خدمات رفاهی و تحصیلی برای دانشجویان سنوات اضافه
		تحصیلات تکمیلی	بازدارنده نبودن هزینه های خدمات رفاهی و تحصیلی برای دانشجویان سنوات اضافه تصویب دیر هنگام پروپوزال اشتغال پاره وقت و تمام وقت در دسترس نبودن مواد و تجهیزات مورد نیاز پایان نامه آزمون زبان
۱۹	علوم اجتماعی	تحصیلات تکمیلی	تصویب دیر هنگام پروپوزال تغییر استاد راهنما

ردیف	نام دانشکده / دانشکدگان	مقطع	علت سنواتی شدن براساس اولویت
			مشکل آزمون جامع
۲۰	مرکز تحقیقات بیوشیمی و بیوفیزیک	تحصیلات تکمیلی	تصویب دیر هنگام پروپوزال دروس جبرانی برای تغییر رشته شرط چاپ مقاله برای دفاع از رساله دکتری آزمون زبان اشتغال پاره وقت و تمام وقت در دسترس نبودن مواد و تجهیزات مورد نیاز پایان نامه
۲۱	دانشکده فناوری کشاورزی ابوریحان	تحصیلات تکمیلی	در دسترس نبودن مواد و تجهیزات مورد نیاز پایان نامه مشکل آزمون جامع آزمون زبان تصویب دیر هنگام پروپوزال

علل سنواتی شدن دانشجویان مقطع کارشناسی از دیدگاه دانشکده ها و دانشکدگان:

- طبق اطلاعات دریافتی از اکثر دانشکده ها و دانشکدگان در جدول ۱۰ نشان می دهد که اصلی ترین عامل در سنواتی شدن دانشجویان در مقطع کارشناسی به شرح ذیل می باشد:
 - ۱- مشروطی دانشجویان
 - ۲- دروس جبرانی و دروس پیش نیاز و هم نیاز
 - ۳- عدم ارائه تمامی دروس در یک نیمسال
 - ۴- حذف کمیسیون پزشکی به دلایل مختلف
 - ۵- مرخصی تحصیلی

علل سنواتی شدن دانشجویان مقاطع تحصیلات تکمیلی (کارشناسی ارشد و دکتری) از دیدگاه دانشکده ها و دانشکدگان:

- اطلاعات دریافتی از اکثر دانشکده ها و دانشکدگان در جدول ۱۰ نشان می دهد که اصلی ترین عامل در سنواتی شدن دانشجویان در مقاطع تحصیلات تکمیلی به شرح ذیل می باشد:

- ۱- تصویب دیر هنگام پروپوزال
- ۲- شرط داشتن مدرک زبان خارجی قبل از آزمون جامع
- ۳- آزمون جامع
- ۴- شرط چاپ مقاله به ویژه چاپ مقاله دوم در برخی از دانشکده ها
- ۵- اشتغال به کار تمام وقت و یا پاره وقت
- ۶- در دسترس نبودن مواد و تجهیزات در آزمایشگاه ها برای رشته های تجربی و آزمایش بنیان
- ۷- حذف کمیسیون پزشکی
- ۸- مرخصی تحصیلی

- **نکته مهم:** اکثر دانشکده ها بازدارنده نبودن نرخ های امکانات خدمات رفاهی و تمایل دانشجویان غیربومی برای استفاده از خوابگاه ها به دلیل افزایش هزینه های زندگی در تهران و در کنار آن تمایل پسر ها به سنواتی شدن جهت رفع مشکل نظام وظیفه و یا اخذ مدرک زبان برای گرفتن پذیرش به مقطع بالاتر در کشورهای اروپایی را از عوامل قابل توجه بر افزایش تعداد دانشجویان سنواتی را دانسته اند.

از دید واحدهای دانشگاه، قیمت های اعلامی از سوی صندوق رفاه دانشجویان برای نرخ اجاره بهای خوابگاه های دولتی و قیمت غذا نیز بازدارندگی لازم برای ترغیب دانشجویان به فارغ التحصیلی به موقع را ندارد ولی سوالی که مطرح است این است که چرا این قیمت ها بازدارندگی لازم را ایجاد نمی کنند؟

همانگونه که ملاحظه می شود **نرخ اجاره بهای خوابگاه های دولتی** بر اساس تعرفه های اعلامی صندوق رفاه دانشجویان، برای یک اتاق یک و دو نفره سطح یک و دو ۲۵۰ هزار تومان به ازای یک ماه در نظر گرفته شده است که مبلغ اندکی می باشد و تا نیمسال چهارم سنوات اضافه نیز این مبلغ دو برابر سنوات مجاز تحصیلی محاسبه شده است این در حالی است که در سال ۱۴۰۳ حداقل اجاره ماهیانه یک تخت در خوابگاه های خودگردان غیردولتی در شهر تهران حدود ۶ میلیون تومان و حداقل هزینه های جاری دانشجویان در خوابگاه شامل، حامل های انرژی، اینترنت، سرویس ایاب و ذهاب، امکانات ورزشی، سالن مطالعه و ... نیز یک و نیم میلیون تومان به ازای هر دانشجو بوده است یعنی نرخ اجاره بهای خوابگاه های دولتی حتی پاسخگوی هزینه های جاری زندگی دانشجویان در خوابگاه ها نیز نمی باشد. لذا نرخ اجاره بهای دانشجویان سنوات اضافه به هیچ عنوان بازدارندگی برای اتمام تحصیل در سنوات مجاز ایجاد نمی کند.

همچنین تعرفه های اعلامی از سوی صندوق رفاه دانشجویان وزارت عتف برای سال تحصیلی ۱۴۰۳-۱۴۰۴ برای **صبحانه** در سنوات مجاز تحصیلی ۷۵۰۰ تومان و برای **ناهار و شام** متوسط هزینه ۱۲۰۰۰ تومان و ناهار و شام پرهزینه ۱۵۰۰۰ تومان تعیین شده است. این در حالی است که میانگین قیمت تمام شده غذا در واحدهای دانشگاه تهران بر اساس مناقصات تابستان ۱۴۰۳ معادل ۱۰۴۵۹۹ تومان (از ۸۷۸۹۰ تا ۱۱۵۵۰۰ تومان) بدون در نظر

گرفتن هزینه حامل های انرژی، تملک دارایی، تعمیر و تجهیز غذاخوری ها بوده است لذا دو برابر و سه برابر شدن قیمت غذا برای سال اول و دوم سنوات اضافه با توجه به قیمت تمام شده غذا، نمی تواند در ترغیب دانشجویان برای فارغ التحصیلی به موقع اثر گذار باشد در ضمن با توجه به اینکه دولت هیچ گونه بودجه ای بابت دانشجویان سنوات اضافه و نوبت دوم به دانشگاه ها نمی دهد، مابه التفاوت قیمت غذای دانشجویان سنوات اضافه و نوبت دوم را نیز خود دانشگاه ها باید تامین اعتبار کنند.

یارانه های رفاهی اختصاص یافته به دانشجویان در سال تحصیلی ۱۴۰۳-۱۴۰۴:

جدول ۱۱: یارانه خوابگاه

نرخ اجاره بهای ماهیانه خوابگاه های دانشجویی طبق تعرفه صندوق رفاه دانشجویان در سال ۱۴۰۳-۱۴۰۴ (مبالغ به هزار تومان)				
شرح	نوع سکونت	سطح یک و دو	سطح سه	سطح چهار
روزانه و بورسیه بین الملل سنوات مجاز تحصیلی	۲۰۱ نفره	۲۵۰	۲۳۲	۲۰۷
	۴۰۳ نفره	۲۰۰	۱۸۶	۱۶۵
	۶۰۵ نفره	۱۷۵	۱۶۲	۱۴۵
	۸۰۷ نفره	۱۵۰	۱۳۸	۱۲۳
	۹ نفر به بالا	۱۲۵	۱۱۶	۱۰۳
روزانه و بورسیه بین الملل نیمسال اول سنوات اضافه	دو برابر نرخ اجاره بهای سنوات مجاز			
روزانه و بورسیه بین الملل نیمسال دوم سنوات اضافه	دو برابر نرخ اجاره بهای سنوات مجاز			
روزانه و بورسیه بین الملل نیمسال سوم سنوات اضافه	دو برابر نرخ اجاره بهای سنوات مجاز			
روزانه و بورسیه بین الملل نیمسال چهارم سنوات اضافه به بعد	ده برابر نرخ اجاره بهای سنوات مجاز			

جدول ۱۲: یارانه تغذیه

سال ۱۴۰۳-۱۴۰۴		
تعارف	وعده صبحانه / ناهار و شام (تومان)	شرح
طبق تعارف اعلامی صندوق رفاه دانشجویان در سنوات مجاز	صبحانه ۷۵۰۰	دانشجوی ایرانی (روزانه و نوبت دوم) و بورسیه بین الملل در سنوات مجاز
	ناهار و شام متوسط هزینه ۱۲۰۰۰	
	ناهار و شام پرهزینه ۱۵۰۰۰	
دو برابر تعارف اعلامی صندوق رفاه در سنوات مجاز	صبحانه ۱۵۰۰۰	دانشجوی ایرانی (روزانه و نوبت دوم) و بورسیه بین الملل نیمسال اول و دوم اضافه
	ناهار و شام متوسط هزینه ۲۴۰۰۰	
	ناهار و شام پرهزینه ۳۰۰۰۰	
سه برابر تعارف اعلامی صندوق رفاه در سنوات مجاز	صبحانه ۲۶۵۰۰	دانشجوی ایرانی (روزانه و نوبت دوم) و بورسیه بین الملل نیمسال سوم و چهارم اضافه
	ناهار و شام متوسط هزینه ۳۶۰۰۰	
	ناهار و شام پر هزینه ۴۵۰۰۰	
پنج برابر تعارف اعلامی صندوق رفاه در سنوات مجاز	صبحانه ۲۶۵۰۰	دانشجوی ایرانی (روزانه و نوبت دوم) و بورسیه بین الملل بیش از چهار نیمسال
	ناهار و شام متوسط هزینه ۶۰۰۰۰	
	ناهار و شام پرهزینه ۷۵۰۰۰	
دو برابر تعارف اعلامی صندوق رفاه دانشجویان برای دانشجویان سنوات مجاز روزانه ایرانی	صبحانه ۱۵۰۰۰	دانشجوی غیر بورسیه بین الملل در سنوات مجاز
	ناهار و شام متوسط هزینه ۲۴۰۰۰	
	ناهار و شام پرهزینه ۳۰۰۰۰	

سال ۱۴۰۳-۱۴۰۴		
تعارف	وعده صبحانه / ناهار و شام (تومان)	شرح
دو برابر تعارف دانشجوی غیر بورسیه در سنوات مجاز	صبحانه ۲۶۵۰۰	دانشجوی غیر بورسیه بین الملل در نیمسال اول و دوم اضافه
	ناهار و شام متوسط هزینه ۴۸۰۰۰	
	ناهار و شام پرهزینه ۷۲۰۰۰	
سه برابر تعارف دانشجوی غیر بورسیه در سنوات مجاز	صبحانه ۲۶۵۰۰	دانشجوی غیر بورسیه بین الملل در نیمسال سوم و چهارم اضافه
	ناهار و شام متوسط هزینه ۷۲۰۰۰	
	ناهار و شام پرهزینه ۹۰۰۰۰	
قیمت تمام شده	صبحانه/ناهار / شام	دانشجوی غیر بورسیه بین الملل بیش از چهار نیمسال
قیمت تمام شده		دانشجویان مجازی/ پردیس البرز/ پردیس های بین الملل/ کهاد

علل سنواتی شدن دانشجویان از دیدگاه دانشجویان مقاطع مختلف:

در این رابطه پرسشنامه ای به منظور بررسی علل سنواتی شدن از دیدگاه دانشجویان مقاطع مختلف تهیه و علل سنواتی شدن از جمله تاثیر موارد ذیل از دید دانشجویان مورد بررسی قرار گرفت:

۱- ناامیدی از آینده شغلی

۲- کمبود مواد آزمایشگاهی و نبود امکانات و تجهیزات لازم برای انجام پایان نامه/ رساله

۳- تاثیر گروه آموزشی و استاد راهنما و مشاوره

۴- موضوع پایان نامه/ رساله و تاثیر آن بر زمان بر بودن مراحل تحقیق

۵- واحدهای درسی غیرضروری و نداشتن اختیار عمل در انتخاب دروس اختیاری

۶- در دسترس نبودن اساتید و عدم توجه به پیشرفت پروژه های دانشجویان

۷-تأخیر در انجام امور آموزشی مربوط به بررسی و تأیید و ابلاغ پروپوزال پایان نامه/ رساله

۸-زمان بر بودن چاپ مقاله در نشریه علمی معتبر بین المللی

۹-اجباری بودن داشتن مدرک زبان

۱۰-دروس عمومی مقطع کارشناسی و دروس اختیاری مقاطع تحصیلات تکمیلی

۱۱-منوط کردن تصویب پروپوزال و شروع کارهای تحقیقاتی پایان نامه و رساله بعد از آزمون جامع در مقطع دکتری و پس از اتمام دروس آموزشی در مقطع کارشناسی ارشد

۱۲-تعریف پایان نامه ها و رساله های که امکانات لازم برای انجام آنها در آزمایشگاه اساتید وجود ندارد و در وسط را مجبور به تغییر پروپوزال می شود

۱۳-به روز نبودن و کافی نبودن تجهیزات مورد نیاز برای انجام تحقیقات در رشته های آزمایش بنیان

۱۴-حذف پزشکی دروس و یا ارائه مدارک جهت عدم شرکت در آزمون پایان ترم

۱۵-نامیدی از آینده شغلی

۱۶-فشارهای اقتصادی و اجتماعی

با توجه به پاسخ های اخذ شده از دانشجویان در سه مقطع تحصیلی، تاثیر موارد فوق از دید دانشجویان متوسط رو به بالا بوده است علاوه بر موارد فوق، دانشجویان موارد ذیل را نیز در سنواتی شدن تاثیرگذار دانسته اند:

۱. پرداخت هزینه مواد و آزمایش ها توسط خود دانشجویان و سختی در تامین منابع مالی آن

۲. زمان بر بودن واحدهای عملی و کارگاهی

۳. ناکارآمدی گروه های آموزشی دانشکده ها و عدم توجه به چالش های دانشجویان

۴. بی نظمی در روال ترم آموزشی

۵. ندادن زمان کافی و فرجه مفید قبل از امتحانات برای مطالعه

۶. پذیرش ورودی های بیش از حد برای برخی از رشته ها و شلوغی آزمایشگاه های تحقیقاتی و آموزشی دانشگاه

۷. نزدیکی زمان امتحانات و حتی تداخل تا ۳ امتحان در یک روز و منعطف نبودن آموزش برای جابجایی

۸. مخالفت بی مورد و سخت گیری بی دلیل با خواسته های دانشجویان در رابطه با کمک یا مشاوره و نمره ی جبرانی برای کم و کاستی های طول ترم

۹. اشتغال به کارهای پاره وقت و یا تمام وقت برای گذراندن هزینه های زندگی در تهران

۱۰. زیاد بودن واحدهای آموزشی و حجم درس ها

۱۱. تغییر رشته

۱۲. آزمون جامع و تکرار دروس پاس شده مجدداً در آزمون

۱۳. شرایط زندگی دانشجویان در خوابگاه و در اتاق ها و یاس و ناامیدی در بین دانشجویان

۱۴. سخت بودن واحدهای درسی و سختگیری بیش از حد برخی از اساتید

۱۵. عدم وجود امکانات و تجهیزات به روز و کافی و خرابی آنها و معطلی در انجام و تکرار آزمایش های مورد نیاز
پایان نامه ها

پیشنهادهای اخذ شده جهت جلوگیری از سنواتی شدن دانشجویان توسط روسای واحدهای دانشگاه:

۱. معرفی دانشجویان مشروط به مرکز مشاوره و رصد و پایش آنها توسط اساتید مشاور و اطلاع رسانی به خانواده های آنها جهت همفکری
۲. اعلام به موقع نمرات توسط اساتید
۳. انتخاب واحد طبق برنامه ترمی تعیین شده توسط گروه آموزشی
۴. ساماندهی دروس جبرانی و کاهش تعداد آن ها
۵. کاهش و اعمال سقف دانشجوی جاری در تحصیلات تکمیلی برای اساتید به طوری که اخذ دانشجوی جدید منوط به فارغ التحصیلی دانشجوی قبلی باشد و در صورت داشتن دانشجویان سنوات اضافه به ازای هر دانشجو یک نفر از ظرفیت آن کاسته شود.
۶. تصویب پروپوزال ارشد و دکتری در ترم های دوم مقطع کارشناسی ارشد و ترم سوم مقطع دکتری بدون گره زدن آن به آزمون جامع، مدرک زبان و یا اتمام دروس آموزشی.
۷. سخت گیری در کمیسیون های موارد خاص برای تمدید سنوات
۸. تفویض اختیار تمدید سنوات به کمیسیون موارد خاص واحدها تنها برای یک نیمسال و آن هم مشروط به تشکیل جلسه و بررسی مدارک متقاضی در واحد
۹. تعریف امتیاز تشویقی برای اساتیدی که دانشجویان آنها در سنوات مجاز و با کیفیت مناسب و یا حداکثر در سنوات اضافه یک ترم دفاع می کنند
۱۰. در نظر گرفتن پژوهانه برای دانشجویان تحصیلات تکمیلی به ویژه دکتری برای ۴ سال و اگر در ظرف ۴ سال دانشجو فارغ التحصیل نشد مجبور به بازپرداخت کامل پژوهانه و جریمه مربوطه به پژوهانه شود
۱۱. به روز رسانی تجهیزات آزمایشگاهی و تعریف پایان نامه ها با در نظر گرفتن مواد و امکانات در دسترس
۱۲. کسر یک سهمیه از ظرفیت پذیرش دانشجو توسط اساتید راهنما به ازای هر نیمسال اضافه تاخیر در فارغ التحصیلی دانشجویان مقطع تحصیلات تکمیلی
۱۳. محروم به تحصیل شدن دانشجویانی که از سوی واحد محروم به تحصیل شده اند
۱۴. امکان کنترل انتخاب واحد دانشجویان در سامانه آموزش
۱۵. برگزاری دوره های توانمند سازی برای دانشجویان در زبان های خارجی به ویژه زبان انگلیسی
۱۶. کسر دونهمره از حدنصاب قبولی نمره عربی برای رشته های خاص
۱۷. امکان اخذ معرفی به استاد دروس عملی و نظری برای دانشجویان ترم آخر کارشناسی
۱۸. الزام گروه های آموزش به تصویب به موقع پروپوزال ها و در صورت طولانی شدن تصویب پروپوزال و به تبع آن دفاع آنها، کاهش ورودی دانشجویان یک رشته.
۱۹. انجام مشاوره های تحصیلی در بدو ورود به منظور برنامه ریزی و زمانبندی صحیح
۲۰. افزایش قابل توجه شهریه آموزشی برای دانشجویان سنوات اضافه

۲۱. بازنگری آئین نامه ارتقاء و ترفیع اعضای هیات علمی با نگاه به چالش های دانشجویان و یا بعبارتی عدم گره زدن ترفیع اعضاگی هیات علمی به فارغ التحصیلی دانشجویان مقاطع تحصیلات تکمیلی
۲۲. همکاری بیشتر معاونین آموزشی، پژوهشی و بین الملل در مقوله تصویب و اجرای پروپوزال ها و نظارت بیشتر اساتید راهنما در اجرای پایان نامه ها
۲۳. ایجاد ساز و کار قبول / مردود (Pass/Fail) برای نمره پایان نامه و رساله دانشجویان دانش آموخته در نیمسال ۶ و بعد از آن در مقطع کارشناسی ارشد و دانشجویان دانش آموخته در نیمسال ۱۰ و بعد از آن در مقطع دکتری می باشد. با توجه به اینکه دانشجویان تمایل ندارند که نمره پایان نامه/رساله آنها به صورت قبول/مردود در کارنامه درج شود تلاش می کنند که وارد نیمسال ۶ ارشد و ۱۰ دکتری نشوند. این راه حل چندین سال است که در دانشگاه هایی مانند صنعتی شریف با موفقیت اجرا شده است.
۲۴. بررسی دقیق تر درخواست ها و مدارک دانشجویان در کمیسیون پزشکی و مرکز مشاوره.
۲۵. تعریف سازوکار اجرایی شفاف برای نظارت بر نحوه اجرای آئین نامه کمیسیون موارد خاص و مشخص شدن اعضای شورای موارد خاص در واحدها و لزوم نیاز به بازنگری بخشنامه تفویض اختیار به واحدها
۲۶. افزایش قابل توجه نرخ ارائه خدمات رفاهی از جمله غذا و خوابگاه به دانشجویان سنوات اضافه و محاسبه نهایی و توانی با افزایش ترم های اضافی جهت بازدارندگی
۲۷. صدور کارت رفاهیات در کنار کارت دانشجویی و اتمام آن بعد از سنوات مجاز تحصیلی
۲۸. اسکان دانشجویان سنوات اضافه در خوابگاه های خودگردان با قیمت تعیین شده کارشناس محل